

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# رسیدن به صلح همه شمول در افغانستان

کتاب راهنما



موسسه حقوق بشر و محو خشونت  
**رسیدن به صلح همه شمول در افغانستان**  
(کتاب راهنما)

---

این کتاب به حمایت مالی اتحادیه اروپا (EU) منتشر شده است.  
مسئولیت انتشار و محتوای آن به عهده موسسه حقوق بشر و  
محو خشونت می‌باشد.

---

استفاده و اقتباس از نوشته‌های این کتاب با ذکر منبع مجاز است.

صفحه آرا: عبدالله امینی

آدرس الکترونیک: [info@hrevo.org](mailto:info@hrevo.org)

آدرس فیسبوک: Human Rights & Eradication of Violence Organization (HREVO)

وبسایت: [www.hrevo.org](http://www.hrevo.org)

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۸۹۱۳۸۹۸۹

سال ۱۳۹۹/۲۰۲۰

## سپاس‌گزاری

سازمان حقوق بشر و منع خشونت (HREVO) از اتحادیه اروپا به خاطر تأمین بودجه‌ی این پروژه صمیمانه ابراز امتنان می‌کند. ما همچنین از تیم پژوهش به خاطر کمک در تهیه‌ی این کتاب راهنما، سپاس‌گزاریم.



## فهرست

۱	..... مقدمه
۳	..... (۱) چارچوبی برای درک صلح همه شمول
۳	..... الف) صلح چیست؟
۴	..... ب) روند صلح چیست؟
۵	..... ج) صلح همه شمول چیست؟
۵	..... د) سطوح مختلف مشارکت در یک روند صلح چیست؟
۷	..... (۲) مراحل مختلف روند صلح
۷	..... الف) مرحله گفت‌وگوهای صلح
۹	..... ب) حل‌وفصل پس‌اصلاح
۱۱	..... (۳) بازیگران روند صلح
۱۴	..... (۴) ابزارهای دادخواهی در روند صلح
۱۶	..... (۵) درس‌های آموخته‌شده از سایر روندهای صلح
۱۷	..... الف) نمایندگی مستقیم در میز مذاکرات
۱۹	..... ب) جایگاه ناظر
۲۱	..... ج) مشاوره
۲۲	..... مجامع مشورتی رسمی
۲۳	..... مشاوره غیررسمی
۲۴	..... د) مشارکت مردمی
۲۶	..... هـ) تصمیم‌گیری عمومی
۲۸	..... و) اقدام جمعی
۳۰	..... (۶) تطبیق و نظارت از توافق‌نامه صلح





صلح کلید ایجاد نظام سیاسی کارآمد است که در آن نظم و قانون، امنیت انسانی و توسعه اقتصادی به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت‌ها حفاظت شود. مذاکرات و میانجی‌گری‌های صلح باید از طریق نمایندگی از اقشار متنوع جامعه و بازتاب دیدگاه‌ها، نیازها و علایق آنان، همه شمول باشد. برای این که روند صلح موفقیت‌آمیز باشد، باید این روند تمام طرف‌های را که بخشی از منازعه بوده‌اند یا به نوعی از آن متأثر شده‌اند، در بر بگیرد. تجارب روندهای صلح در سراسر جهان ثابت کرده است که روندهایی که بخش گسترده‌ای از جامعه در آن دخیل اند، پایدارتر از پیمان‌های صلحی است که بین نخبگان و رهبران طرف‌های منازعه به امضا می‌رسند.<sup>۱</sup>

این کتاب راهنما به این منظور تهیه شده است تا به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر کمک کند تا در مورد مراحل اصلی یک روند صلح و همچنین چالش‌ها و بن‌بست‌های مذاکرات صلح آگاهی حاصل کنند. همچنین این کتاب به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کند تا در مورد ابزارهای مختلفی که در دسترس آنها قرار دارد، بدانند و بتوانند از آنها برای تأثیرگذاری بر روند صلح و سمت‌وسو دادن نتایج آن به نفع خودشان، استفاده کنند. مهم‌تر از همه، این کتاب به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کند که از سایر مذاکرات صلحی که در آن اقلیت‌ها تغییرات اساسی را برای جوامع خود رقم زده‌اند، بیاموزند. هدف اساسی این کتاب ارائه اطلاعات درباره روند صلح و مذاکرات صلح است تا از این طریق زمینه‌ی بحث و گفت‌وگو میان شرکت‌کنندگان بحث‌های گروهی متمرکز و مصاحبه‌های انفرادی که سازمان حقوق بشر و منع خشونت تصمیم دارد در مرحله‌ی دوم این پروژه انجام دهد- فراهم شود. با این حال، عمر این کتاب راهنما فراتر از اشتراک‌گذاری اولیه اطلاعات برای این پروژه است و در دسترس همه‌ی مردم در سطح کشور قرار می‌گیرد تا از آن به عنوان دفترچه‌ی راهنمای صلح برای اقلیت‌ها استفاده شود. این کتاب راهنما باید به گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت‌های افغانستان کمک کند تا از نظر استراتژیک درک روشنی برای تأثیرگذاری بر مذاکرات جاری صلح بین طالبان و حکومت افغانستان داشته باشند.

این کتاب راهنما توسط کارشناسان سازمان حقوق بشر و منع خشونت، که سابقه‌ی ۱۰ ساله حمایت از حقوق اقلیت‌ها و اقشار آسیب‌پذیر افغانستان را از طریق دادخواهی استراتژیک، تحقیق پالیسی، برگزاری دوره‌های آموزشی و انتشارات دارد، تهیه شده است. وظیفه‌ی این سازمان کمک به ارتقای جامعه به سطحی است که در آن حقوق همه‌ی شهروندان محترم و محفوظ باشد و در محیطی صلح‌آمیز

---

1. Nilsson, D., 2012. Anchoring the peace: Civil society actors in peace accords and durable peace. *International Interactions*, 38(2), pp.243-266.

و عاری از هرگونه خشونت زندگی کنند. سازمان حقوق بشر و منع خشونت می‌کوشد تا به ارزش‌های اساسی خود مانند بهبود حقوق بشر، صلح عادلانه، برابری جنسیتی، حاکمیت قانون و حساب‌دهی پایبند باشد و در راستای تقویت این ارزش‌ها کار کند. پروژه‌ی فعلی با عنوان «صدا: صدای اقلیت‌های غیرمسلط افغانستان در روند صلح» است که توسط اتحادیه اروپا تمویل می‌شود. طی دو ماه گذشته سازمان حقوق بشر و منع خشونت با کمک نهادهای همکار خود در ولایات کابل، غور، بدخشان، جوزجان، ننگرهار، نورستان، بلخ، بامیان و نیمروز اقدام به جمع‌آوری داده‌های اولیه و ثانویه برای تهیه این کتاب راهنما کرده است. این کتاب توسط دو پژوهش‌گر افغان که در این زمینه تخصص دارند، به دقت مورد بررسی قرار گرفته است تا اطمینان حاصل شود که محصول نهایی، مروری جامع بر مراحل کلیدی است و مسائل و چالش‌های روند صلح را در بر می‌گیرد و به عنوان منبع مفید و قابل اعتماد از جانب متخصصان و بازیگران صلح مورد استفاده قرار بگیرد.

کتاب حاضر، فرآیندهای کلیدی دخیل در یک روند صلح معمولی را مرور می‌کند، مشکلاتی را که ممکن است این روند با آن روبه‌رو شود، به بررسی می‌گیرد و درس‌هایی را از سایر کشورهای که روند صلح مشابهی را پشت سر گذاشته‌اند، به منظور آموختن افغان‌ها از این تجارب، ارائه می‌کند. این کتاب مجموعه ابزارهایی را معرفی می‌کند که اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر بتوانند از آن برای تأثیرگذاری بر روند صلح و نتایج آن به منظور تقویت مواضع خود استفاده کنند. بخش پایانی این کتاب تجارب سایر کشورها و درس‌هایی را که افغانستان می‌تواند از آن‌ها بیاموزد، مورد بررسی قرار داده و آن‌ها را به لحاظ رویکردی که اتخاذ کرده‌اند، دسته‌بندی می‌کند. کتاب راهنمای حاضر در هشت بخش تنظیم شده است و جنبه‌های مختلف روند صلح را پوشش می‌دهد.

این کتاب به لحاظ زمانی به موقع است. تلاش‌های اخیر برای دستیابی به صلح با طالبان که توسط ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ آغاز شد و توافق‌نامه‌ی صلحی که بین دو طرف در ماه فبروری ۲۰۲۰ به امضا رسید، افغان‌ها را به داشتن یک آینده‌ی صلح‌آمیز امیدوار کرده است. انتظار می‌رود که مذاکرات بین‌افغانی که قرار است در آینده‌ی نزدیک آغاز شود، به توافق صلح بین طالبان و حکومت افغانستان منجر شود و زمینه را برای حل و فصل جنگ طولانی در این کشور فراهم سازد. مذاکرات صلح برنامه‌ریزی شده میان افغان‌ها مطمئناً اولین تلاش برای دستیابی به یک صلح پایدار در افغانستان نیست. ناکامی توافق‌های سیاسی قبلی (توافق راولپندی در سال ۱۹۸۹، پشاور در سال ۱۹۹۲، توافق‌نامه اسلام‌آباد در سال ۱۹۹۳ و توافق‌نامه بُن در سال ۲۰۰۱) که میان نخبگان و گروه‌های درگیر صورت گرفت، هنوز در ذهن بسیاری از مردم افغانستان تازه است. یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت توافق‌های گذشته، عدم شمولیت اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر در این روندها بوده است.

# ۱) چارچوبی برای درک صلح همه شمول

## الف) صلح چیست؟

کلمه‌ی «صلح» در لغت‌نامه انگلیسی مریم وبستر به معنای نبود جنگ یا داشتن حالت امنیت و آرامش عاری از ترس است که در صورت نبود منازعه یا جنگ به وجود می‌آید.<sup>۱</sup> به لحاظ تئوریک، صلح وضعیت یا حالتی است که در آن مردم بتوانند بدون توسل به خشونت، مشکلات خود را حل کنند و برای بهبود کیفیت زندگی باهم همکاری کنند. مردم وقتی در آرامش زندگی می‌کنند که:

- همه در امنیت و بدون ترس یا تهدید خشونت زندگی کنند و هیچ شکلی از خشونت در قانون یا عمل تحمل نشود؛
- همه در پیشگاه قانون برابر باشند، نظام عدلیه قابل اعتماد باشد و قوانین عادلانه و مؤثر حقوق مردم را حفاظت کند؛
- همه بتوانند در شکل‌دهی تصمیم سیاسی سهم داشته باشند و حکومت به مردم پاسخ‌گو باشد؛
- همه از دسترسی برابر و عادلانه به نیازهای اساسی از جمله غذا، آب پاک، سرپناه، آموزش، خدمات صحتی و محیط زندگی مناسب، که برای رفاه ضروری است، برخوردار باشند؛
- همه فارغ از جنسیت، قومیت یا هر جنبه‌ی دیگری از هویت، فرصت برابر برای کار و زندگی داشته باشند.<sup>۲</sup>

با این حال تعریف صلح در ساده‌ترین کاربرد آن یعنی «نبود جنگ» بسیار ساده‌انگارانه است.<sup>۳</sup> محققان در سال‌های اخیر درک ما را از صلح گسترده‌تر کرده‌اند. اکنون صلح تنها به معنای ختم جنگ نه بلکه شامل «داشتن حالت ذهنی مطلوب و زندگی در جامعه‌ای برخوردار از عدالت، توازن و برابری» می‌شود که به عنوان صلح مثبت شناخته می‌شود.<sup>۴</sup> این صلح به عنوان وضعیتی شناخته می‌شود که در آن منازعات به صورت سازنده حل می‌شوند، روابط و نظم اجتماعی برقرار می‌شود و نظام‌های اجتماعی برای برآورده کردن نیازهای کل جمعیت ایجاد می‌شوند. در چنین وضعیتی، امنیت، حاکمیت قانون و حقوق بشر تضمین و نهادهای کافی برای اطمینان از عدالت، ایجاد می‌شود.<sup>۵</sup>

این درک از صلح اغلب «صلح پایدار» عنوان می‌شود که در قطع‌نامه ۲۲۸۲ شورای امنیت سازمان

۱. <https://www.merriam-webster.com/thesaurus/peace>

۲. International Alert. "What is Peacebuilding?". Available at: <https://www.international-alert.org/what-we-do/what-is-peacebuilding>

۳. Galtung, J, and Dietrich F. «Positive and negative peace.» In Johan Galtung, pp. 173-178. Springer, Berlin, Heidelberg, 2013.

۴. Barash, D.P. and Webel, C.P., 2008. "Peace and conflict studies". Sage.

۵. Anderson, R. «A definition of peace.» Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology" 10, no. 2 (2004): 101.

ملل متحد چنین تعریف شده است:

«صلح پایدار هدف و فرآیندی برای ایجاد یک چشم‌انداز مشترک از یک جامعه است که از طریق آن اطمینان حاصل می‌شود که نیازهای تمام اقشار جامعه مدنظر گرفته شود؛ و نیز [صلح پایدار] فعالیت‌هایی را به هدف جلوگیری از شروع، تشدید، ادامه و بازگشت منازعه، پرداختن به علل اصلی منازعه، کمک به طرف‌های دیگر برای پایان‌دادن به خصومت‌ها، اطمینان از مصالحه ملی و حرکت به سمت بهبود، بازسازی و توسعه در بر می‌گیرد.»<sup>۱</sup>

در خصوص صلح افغانستان، تحلیل‌گران و مقامات حکومت بر اهمیت صلح پایدار در پرداختن به کلیه جنبه‌های روند صلح، از کاهش خشونت گرفته تا آتش‌بس، مذاکرات و سایر موارد و همچنین مشارکت و نمایندگی از تمام ذینفعان کلیدی محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در روند، به ویژه مشارکت کشورهای همسایه در روند پسا توافق، تأکید کرده‌اند. این بحث مسائل و جنبه‌های حل و فصل را که پس از توافق صلح مطرح است، مانند ادغام مجدد جنگ‌جویان سابق، اصلاح نظام سیاسی و برگزاری انتخابات، شامل می‌شود. مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت‌ها از جمله زنان، برای دستیابی به صلح پایدار کلیدی است.

## ب) روند صلح چیست؟

انستیتوت صلح ایالات متحده (USIP) روند صلح را این‌گونه تعریف کرده است: «تلاش چند مرحله‌ای است که در آن ذینفعان از جمله طرف‌های مسلح و غیرمسلح منازعه، با هدف پایان‌دادن به جنگ مسلحانه و نیز طرح یک توافق سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ارضی پایدار شرکت دارند. این روند شامل مذاکره در سطح بالا بین گروه‌های مسلح و نیز بسترهای متنوع برای گفت‌وگوها و مشارکت مردمی برای تقویت اجماع گسترده در مورد مسیر آینده‌ی کشور، می‌شود.»<sup>۲</sup>

به عبارت ساده روند صلح کلیه اقدامات مربوط به اعتمادسازی، میان‌جی‌گری و مذاکرات را که منجر به توقف خشونت می‌شود و نیز تلاش‌های بیشتر را که منجر به برقراری صلح مثبت می‌شود، در بر می‌گیرد. به گفته بنیاد برگهاف (Berghof Foundation)، یکی از نهادهای غیردولتی بین‌المللی کلیدی و پیش‌تاز در این زمینه، که در حال حاضر روی صلح افغانستان نیز کار می‌کند، روندهای صلح ممکن است شامل سازوکارهای رسمی و غیررسمی شود و بسیاری از بازیگران را اغلب طی یک دوره طولانی درگیر خود کند.

۱. United Nations Security Council Resolution 2282, "Review of United Nations Peacebuilding Architecture", S/RES/2282 (2016).

۲. Schirch, R. "Designing a Comprehensive Peace for Afghanistan." United States Institute of Peace. Peaceworks No. 75. (2011)

## ج) صلح همه شمول چیست؟

صلح همه شمول به این معنا است که مشارکت در روند صلح گسترده باشد و همه‌ی گروه‌های مسلح دخیل همراه با تمام اقشار متأثر از منازعه از جمله زنان، قربانیان جنگ، گروه‌های قومی مختلف، جامعه مدنی، جوامع تجاری، رهبران مذهبی، مردم و بسیاری دیگر از ذینفعان در مذاکرات صلح و همچنین تطبیق توافق‌نامه صلح شامل باشند. در روند صلح همه شمول زمینه برای در نظر گرفتن نیازها، علایق و تجارب تمام گروه‌های جامعه از جمله گروه‌های به حاشیه رانده شده، در تهیه توافق‌نامه صلح فراهم می‌شود. این امر به نوبه‌ی خود روند را قادر می‌سازد تا علت‌های منازعه را شناسایی و به حل آن پردازد و نقشه‌ی راه را برای این که نهادهای آینده همه‌شمول باشند، ترسیم کند تا از نابرابری‌ها و محرومیت‌هایی که می‌تواند باعث بازگشت به خشونت شود، جلوگیری به عمل آید.<sup>۱</sup>

بر اساس تعریف سازمان ملل متحد «همه شمول بودن روند [صلح] مربوط به میزان و چه‌گونگی نمایندگی از نظرات و مطالبات طرف‌های منازعه و سایر ذینفعان و نیز در نظر گرفتن آن در روند صلح و نتیجه میان‌جی‌گری می‌شود.»<sup>۲</sup> پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روندهای همه شمول صلح منجر به دوام بیشتر صلح برقرار شده و کاهش خطر بازگشت به منازعه خشونت‌آمیز می‌شود.<sup>۳</sup> مشارکت گسترده در روند صلح به معنای این است که افراد بیشتری از روند و محتوای آن آگاهی حاصل می‌کنند. این مشارکت اطمینان می‌دهد که صدای همه‌ی ذینفعان در روند صلح شنیده شده و منافع آن‌ها در توافق‌نامه نهایی صلح در نظر گرفته می‌شود. مذاکرات همه شمول صلح منجر به توافق‌های قابل قبول برای همه‌ی ذینفعان خواهد شد. در نتیجه این امر تضمین می‌کند که مخالفت با توافق صلح حداقلی باشد و هماهنگی برای تطبیق توافق‌نامه که قطعاً به تقویت صلح پایدار کمک می‌کند، افزایش یابد.<sup>۴</sup>

## د) سطوح مختلف مشارکت در یک روند صلح چیست؟

مشارکت در روند صلح در سه سطح صورت می‌گیرد که عبارتند از:

۱. **سطح رسمی:** که به‌عنوان «دیپلماسی مسیر یک» نیز شناخته می‌شود به برقراری روابط رسمی بین نمایندگان دیپلماتیک طرف‌های منازعه گفته می‌شود، که در نهایت منجر به مذاکرات

۱. Paffenholz, T. and Ross, N., 2015. Inclusive Peace Processes—An Introduction. Development Dialogue, 63(Part 1), pp.28-37.

۲. UN, 2012. The United Nations Guidance for Effective Mediation.

۳. Nilsson, D., 2012. Anchoring the peace: Civil society actors in peace accords and durable peace. International Interactions, 38(2), pp.243-266.

۴. Paffenholz, T. and Ross, N., Preventing violence through inclusion: from building political momentum to sustaining peace, Inclusive Peace & Transition Initiative (IPTI), November 2017.

رسمی صلح و امضای توافق نامه صلح می شود.

**۲. سطح شبه رسمی:** که به عنوان «دیپلماسی مسیر یک‌ونیم» نیز شناخته می‌شود، مشارکتی است که در آن افراد و گروه‌ها پیام‌ها بین طرف‌های منازعه را ردوبدل می‌کنند و برای آوردن آن‌ها به میز مذاکره میان‌جی‌گری می‌کنند. این افراد اما هیچ‌گونه مقام یا صلاحیت رسمی را برای مذاکره مستقیم درباره شرایط توافق صلح ندارند.

**۳. سطح عمومی:** بسته به چه‌گونه‌ی روندها، در بیشتر مذاکرات صلح در مقطعی از روند، گروه‌های متخاصم اقدام به مشوره و مشارکت با مردم می‌کنند. این سطح از مشارکت که به‌عنوان «دیپلماسی مسیر دوم» نیز شناخته می‌شود، به‌عنوان مکمل تلاش‌های «مسیر یک» عمل می‌کند و زمینه را برای گفت‌وگو بین جامعه، اعتمادسازی بین طرف‌های درگیر، شناسایی و رفع نیازهای مردم و ترویج فرهنگ صلح از طریق آگاهی‌دهی و آموزش فراهم می‌کند. بازیگران جامعه مدنی، بزرگان جامعه و رهبران مذهبی و سایر افراد بانفوذ، در این سطح نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. این مناسب‌ترین بخش از مشارکت است که از طریق آن اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند به بهترین شکل وارد روند شده و بر آن تأثیر بگذارند.

یک روند صلح معمولی هر سه سطح تعامل را شامل می‌شود تا اطمینان حاصل شود که روند برای همه‌ی طرف‌ها قابل قبول و در نتیجه پایدار باشد. تعامل در این سطوح اغلب منوط به مسأله تسلسل است که یک جنبه اصلی روند می‌باشد و بسته به ماهیت منازعه، انواع و تعداد ذینفعان، سطح تعامل تفاوت می‌کند. در کلمبیا مذاکرات در سطح رسمی آغاز شد، اما به زودی تمام سطوح را در بر گرفت و منجر به یک همه‌پرسی شد که اکثریت مردم آن را رد کردند.

در افغانستان به نظر می‌رسد که مذاکرات جاری صلح احتمالاً به مشارکت در تمام سطوح می‌انجامد که تصور می‌شود تضمین کند که اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر اگر نه در سطح رسمی، دست‌کم در سطح جامعه مدنی و مردمی فضا برای تأثیرگذاری بر روند را داشته باشند؛ گرچند روند صلح افغانستان گاهی اوقات توسط آجندای ایالات متحده و فشارهای بیرونی سمت و سو گرفته است و حکومت افغانستان در نخست کنار گذاشته شده بود. گفت‌وگوی بین‌افغانی احتمالاً شامل تعامل در هر سه سطح می‌شود. پیش از این، لویه‌جرگه مشورتی صلح در سال ۲۰۱۸ صدها نماینده را از ولایات افغانستان در کابل گردهم آورد تا خطوط سرخ‌شان را مشخص و چارچوبی را برای مذاکرات آینده فراهم کنند، که در آن بسیاری از مردم احساس کردند صدای شان شنیده شده است.

چندین تلاش «دیپلماسی مسیر دوم» توسط کشورهای بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و بنیادها بین طالبان، مقامات افغانستان و جامعه مدنی این کشور صورت گرفته است. آخرین مورد آن توسط

انستیتوت صلح ایالات متحده در ناروی برگزار شد. هدف این تلاش‌های دیپلماسی مسیر دوم اعتمادسازی بین طرف‌ها و شناسایی مواضع گروه‌های مخالف برای کمک به آمادگی در غلبه بر آن‌ها در مذاکرات رسمی آینده بوده است.

## ۲) مراحل مختلف روند صلح

به طور عموم یک روند صلح معمولی شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها است. یک روند صلح معمولی شامل دو مرحله است: ۱) پروسه‌های مرتبط به گفتگوهای صلح و ۲) فرآیندها پس از دستیابی به توافق میان گروه‌های متخاصم با اهداف میان مدت و بلندمدت به عنوان بخشی از روند دولت‌سازی و ملت‌سازی.<sup>۱</sup>

### الف) مرحله گفت‌وگوهای صلح

مرحله نخست تلاش‌هایی را در بر می‌گیرد که باعث می‌شود طرف‌ها گردهم آیند و در مورد شرایط اولیه برای پایان دادن به خصومت‌ها مذاکره کنند و از طریق توافق صلح به یک آتش‌بس دست یابند. هدف این مرحله دستیافتن به توافق بین طرف‌های منازعه برای متوقف کردن خشونت و تلاش برای ایجاد نهادهایی است که پایداری صلح در یک جامعه را تضمین می‌کند. اعتمادسازی، تسهیل مذاکرات، مذاکره بر سر صلح و سرانجام امضای توافق صلح شامل تلاش‌های مرحله نخست می‌شوند.

- اعتمادسازی/دیپلماسی مسیر دو» و «مسیر یک»/تبادل زندانیان
- مذاکرات
- امضای توافق‌نامه صلح

### اعتمادسازی

اعتمادسازی، اقداماتی به هدف ایجاد حسن نیت بین طرف‌های منازعه است. به طور عموم اعتمادسازی قبل از شروع مذاکرات صلح به منظور کاهش خشونت‌ها، ایجاد اعتماد بین طرف‌های منازعه و هموارکردن مسیر برای مذاکرات صلح، انجام می‌شود. این اقدامات می‌تواند شامل توافق بر سر مبادله اطلاعات نظامی، کاهش خشونت، برقراری آتش‌بس یا ایجاد زمینه برای عبور و مرور امن و تبادل زندانیان باشد. اعتمادسازی همچنین تلاش‌های بازیگران مختلف غیردولتی به منظور ایجاد

۱. Burgess, H. "Peace Process". Beyond Intractability. 2004. Available at:

[https://www.beyondintractability.org/essay/peace\\_processes](https://www.beyondintractability.org/essay/peace_processes)

اعتماد بین جوامع ساکن در دو طرف منازعه را نیز شامل می‌شود. راه‌اندازی کارزارهای رسانه‌ای، برگزاری برنامه‌های فرهنگی مانند جشنواره موسیقی و برنامه‌های کمک بشردوستانه می‌توانند از جمله‌ی این تلاش‌ها باشند. در مورد افغانستان، تبادل زندانیان طالبان و حکومت قبل از آغاز مذاکرات بین‌افغانی، به عنوان [روند] اعتمادسازی به کار رفته است.

## مذاکرات صلح

مذاکرات صلح یک سلسله‌گفت‌وگوهای رسمی است که بین طرف‌های منازعه به منظور توافق برای پایان دادن به خشونت و ایجاد نظام سیاسی و اجتماعی جدید، انجام می‌شود. مذاکرات رسمی صلح معمولاً بعد از تکمیل مرحله‌ای از تلاش‌های پیش‌امذاکره توسط میان‌جی‌ها و تسهیل‌کنندگان، که تمایل یک طرف برای مذاکره را به طرف دیگر منتقل می‌کنند و پس از آن یک سری مذاکرات پنهانی بین طرف‌های منازعه انجام می‌شود، آغاز می‌گردد. هدف اساسی این مرحله اطمینان از تعهد طرف‌ها به روند صلح است. مسائلی که در این مرحله به آن پرداخته می‌شود شامل تدارکات، تعیین محل مذاکرات، تأمین امنیت طرف‌ها، تعیین شرکت‌کنندگان، تعیین چارچوب زمانی، تعیین میان‌جی‌ها و نقش و مسئولیت آن‌ها، کاهش ترس و اعتمادسازی از طریق اقدامات آشتی‌جویانه مانند آزادی زندانیان و توافق بر سر موضوعات مذاکره می‌شود.

با شروع مذاکرات رسمی بین طرف‌های منازعه، آن‌ها علناً برای حل و فصل منازعه ابراز آمادگی و تعهد می‌کنند. مذاکرات به هر دو طرف کمک می‌کند تا در مورد مسائل اصلی برای پایان دادن به خشونت بحث و گفت‌وگو کنند. معمولاً این مسائل شامل توافق در مورد آتش‌بس، مسائل مربوط به تقسیم قدرت و حکومت‌داری، حقوق بشر، ملکی‌سازی، عدالت و اصلاحات اجتماعی-اقتصادی می‌شود. در حالی که یک مذاکره محدود ممکن است روی مسائل مرتبط با امنیت و تقسیم قدرت متمرکز باشد و طرف‌ها، بحث بر سر سایر موضوعات را به مذاکره پس‌اتوافق موکول کنند، یک آجندای جامع‌تر ممکن است به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در چارچوب مذاکرات صلح بپردازد.

مذاکرات صلح هم «دیپلماسی مسیر یک» و هم «دیپلماسی مسیر دوم» را در بر می‌گیرد و می‌تواند یک رویکرد چندمسیره را اتخاذ کند. مشارکت جامعه مدنی در روند صلح از طریق تمهیداتی همچون حضور مستقیم در مذاکرات صلح و یا برگزاری مجامع مستقل، رویکردهای چندمسیره برای مذاکرات صلح دانسته می‌شوند. برای مثال، در روند صلح گواتمالا، مجمع جامعه مدنی این کشور مؤظف شد توصیه‌هایی را در خصوص مسائل اصلی مورد بحث در مذاکرات رسمی صلح ارائه دهد.



## توافق نامه صلح

مذاکرات صلح موفقیت‌آمیز منجر به امضای توافق نامه صلح می‌شود. توافق نامه صلح مسائلی را در بر می‌گیرد که طرف‌های منازعه برای پایان دادن به خشونت بر سر آن توافق کرده‌اند. توافق نامه مورد نظر می‌تواند (۱) یک توافق نامه چارچوبی باشد که اصول و آجندای مذاکرات آینده در مورد مسائل اساسی را بیان می‌کند، یا (۲) یک توافق نامه جامع باشد که تمام موضوعات اساسی در یک توافق نامه را پوشش دهد. ضمانت‌های امنیتی، تغییرات ساختاری و تمهیدات تشریک قدرت با هدف پرداختن به بی‌عدالتی‌هایی که در وهله‌ی اول منجر به بروز منازعه شده‌اند، از جمله موضوعات اساسی هستند که یا در یک توافق نامه جامع صلح تصریح می‌شوند یا در مورد آن در مذاکرات آینده که نتیجه توافق نامه چارچوبی است، مورد بحث قرار می‌گیرند. علاوه بر این، توافق نامه صلح شامل مقررات اجرایی مانند جدول زمانی و سازوکار نظارتی نیز می‌شود.

## ب) حل و فصل پس‌اصلاح

پس از امضای توافق نامه‌ی صلح، بلافاصله مرحله‌ی گذار آغاز می‌شود که تطبیق توافق نامه صلح و تأسیس دولت انتقالی را که غالباً در صدد اصلاح نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ارتقای مصالحه اجتماعی و سیاسی و نیز برگزاری انتخابات برای ایجاد یک حکومت مشروع است، در بر می‌گیرد. این مرحله شامل تلاش‌هایی برای ایجاد یک نظم سیاسی جدید با ترتیبات جدید برای توزیع قدرت، اصلاح قانون اساسی، خلع سلاح، ملکی‌سازی و ادغام مجدد جنگ‌جویان سابق و انتخابات می‌شود. به طور عموم هدف این تلاش‌ها رفع علل اصلی منازعه و دور کردن طرف‌ها از منازعه و خشونت به سمت شمارکت سیاسی و اقتصادی، برقراری روابط مسالمت‌آمیز و هم‌دیگرپذیری اجتماعی است.<sup>۱</sup>

- دولت مؤقت یا انتقالی
- اصلاح قانون اساسی
- خلع سلاح، ملکی‌سازی و توان‌بخشی و ادغام مجدد جنگ‌جویان سابق (DDR)
- انتخابات

## دولت مؤقت یا انتقالی

ایجاد دولت مؤقت براساس تقسیم توافق شده کرسی‌هایی مانند وزارت‌خانه‌ها می‌تواند در توافق نامه

---

۱. Ball, N. 2001. The challenge of rebuilding war-torn societies. Turbulent peace: The challenges of managing international conflict, pp.719-736.

صلح پیش‌بینی و تصریح شود. دولت مؤقت برای تسهیل دوره انتقال، انجام اصلاحات ساختاری و آمادگی برای انتخابات تشکیل می‌شود. در دولت مؤقت کابینه جدید تشکیل و سمت‌های کلیدی دولت طبق توافق‌نامه بین گروه‌های درگیر تقسیم می‌شود. پس از توافق‌نامه بَن یک دولت مؤقت شش‌ماهه به ریاست حامد کرزی که در کنفرانس بَن به عنوان رهبر دولت مؤقت انتخاب شده بود، تشکیل شد. وظیفه اداره مؤقت برگزاری لویه‌جرگه اضطراری طی شش ماه بود که منجر به ایجاد یک حکومت انتقالی ۱۸ ماهه در سال ۲۰۰۲ شد. این حکومت انتقالی موظف شده بود تا زمینه را برای برگزاری لویه‌جرگه قانون اساسی و انتقال قدرت به یک دولت منتخب که در نتیجه انتخابات به وجود آمده باشد، فراهم کند. هدف کلی این دوره پرداختن به علل اصلی منازعه و دورکردن طرف‌های منازعه از رویارویی و خشونت به سمت مشارکت سیاسی و اقتصادی، برقراری روابط مسالمت‌آمیز و هم‌دیگرپذیری اجتماعی بود.

### اصلاح قانون اساسی

سایر فعالیت‌هایی که در ذیل حل‌وفصل پس‌اصلاح صورت می‌گیرد، شامل ابتکارات متعدد برای برقراری صلح و دولت‌سازی می‌شود. اصلاح قانون اساسی و اصلاح نهادهای دولتی و برگزاری انتخابات برای ایجاد حکومت دموکراتیک از جمله‌ی مهم‌ترین مسائلی است که در توافق‌نامه‌های صلح مشخص شده و در حل‌وفصل پس‌اصلاح عملی می‌شود. سازوکارها و چارچوب زمانی این فعالیت‌ها در توافق‌نامه صلح مشخص می‌شود. علاوه بر این، اقدامات برای خلع سلاح و ملکی‌سازی جنگ‌جویان پیشین و ادغام آن‌ها در جامعه برای حل‌وفصل پس‌اصلاح بسیار مهم است.

### خلع سلاح، ملکی‌سازی و ادغام مجدد (DDR)

به گفته مرکز منابع خلع سلاح، ملکی‌سازی و توان‌بخشی سازمان ملل متحد، هدف دی‌دی‌آر «کمک به امنیت و ثبات در محیط‌های پسا‌منازعه است تا روند بهبود و توسعه بتواند شروع شود.» روند دی‌دی‌آر با خلع سلاح جنگ‌جویان سابق و ملکی‌سازی این افراد از طریق جداسازی آن‌ها از ساختارهای نظامی، باید به ادغام مجدد آن‌ها در جامعه کمک کرده و به افراد کمک کند تا در روند صلح مشارکت فعال داشته باشند.

خلع سلاح به جمع‌آوری، ثبت، کنترل و گرفتن اسلحه، مهمات، مواد منفجره و سلاح‌های سبک و سنگین از جنگ‌جویان گفته می‌شود. این روند شامل طرح و آغاز برنامه‌های مدیریت اسلحه (برای مثال برنامه‌هایی برای ذخیره‌سازی ایمن و یا نابودی تسلیحات) و برنامه‌های ماین‌روبی می‌شود.

ملکی‌سازی یا رفع بسیج روندی است که از طریق آن گروه‌های مخالف مسلح متقاعد می‌شوند که سازمان و ساختار نظامی خود را منحل کرده و از حالت «جنگ‌جو» به حالت «غیرنظامی» تغییر حالت دهند. این روند اغلب شامل یک برنامه ارائه ابزار معیشتی بدیل برای جنگ‌جویان سابق و خانواده‌های آنان است که از طریق این برنامه آن‌ها بسته‌های کمکی و مساعدتی را برای تأمین نیازهای اساسی فوری خود مانند غذا، لباس، سرپناه، خدمات درمانی، آموزش، اشتغال و ابزارهای کار دریافت می‌کنند و از برنامه‌های توان‌بخشی روانی کوتاه‌مدت برخوردار می‌شوند.

ادغام مجدد روند اجتماعی و اقتصادی طولانی‌تری است که دارای چارچوب زمانی معین نمی‌باشد و هدف آن تسهیل جذب جنگ‌جویان سابق در جامعه به نحوی است که به آن‌ها و خانواده‌های آنان کمک کند با زندگی غیرنظامی در جوامعی که لزوماً آماده‌ی پذیرش آن‌ها نیستند، سازگار شوند.

### انتخابات

انتخابات به عنوان آخرین مرحله گذار از جنگ به صلح است که از طریق آن گروه‌های مخالف با ارائه آجنداهای خود به مردم، در یک روند دموکراتیک وارد رقابت می‌شوند. انتخابات مشروعیت لازم برای تحکیم روند انتقال را فراهم می‌کند. در افغانستان و پس از توافق نامه بُن، دولت انتقالی راه را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ هموار کرد و این انتخابات به نامزد برنده مشروعیت لازم را فراهم کرد تا بتواند دولت خود را تشکیل دهد.

برای جلوگیری از بازگشت به خشونت، تمام این تلاش‌های انتقالی باید بیشتر از پیش از طریق تقویت نهادهای تأسیس‌شده، تقویت روند اصلاحات، حرکت به سمت توسعه اقتصادی و تقویت اتفاق اجتماعی مستحکم گردد.

### ۳) بازیگران روند صلح

به طور کلی تمام بازیگران مسلح باید در مذاکرات صلح در کنار طرف‌های اصلی منازعه شامل شوند. علاوه بر این تمام کسانی که از منازعه متأثر شده‌اند و کسانی که از توافق متأثر خواهند شد باید در مذاکرات و روند صلح نمایندگی شوند.

جامعه مدنی مهم‌ترین بازیگری است که باید در تمام مراحل یک روند صلح مشارکت داشته باشد. جامعه مدنی طیف وسیعی از انجمن‌ها و گروه‌های رضاکار را شامل می‌شود که به صورت گروهی برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های مشترک بین تمام اعضای گروه‌ها کار می‌کنند. جامعه مدنی شامل تمام سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها و شوراهای محلی غیررسمی، شبکه‌های شهروندان که

برای ترویج برخی ارزش‌ها یا دادخواهی برای نیازهای گروه‌های خاص ایجاد شده‌اند، انجمن‌های مذهبی و انجمن‌های حرفه‌ای مانند اتحادیه‌های کارگری می‌شود. هر انجمن یا شورای مردمی که برای ارتقای منافع گروه خاصی از مردم تشکیل شده است، جامعه مدنی تلقی می‌شود، برای مثال شوراهای گروه‌های اقلیت جزء جامعه مدنی دانسته می‌شود.

اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر بازیگران مهمی هستند که می‌توانند سیاست‌ها و روندها را شکل دهند و برای منافع خود دادخواهی کنند. مشارکت آن‌ها در روند صلح می‌تواند به شکل‌گیری درکی جامع از اشکال محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که در وهله‌ی اول باعث منازعه شده‌اند، کمک کند. در کشورهایی که منازعه عمدتاً ریشه در اختلافات قومی دارد، گروه‌های اقلیت قومی به دلیل دسترسی ناچیزشان به ابزارهای خشونت، شدیداً به حاشیه رانده می‌شوند و قربانی منازعه می‌شوند. یک روند صلح همه شمول امکان شنیده شدن صدای آن‌ها و رسیدگی به نیازهای آن‌ها را فراهم می‌کند. همچنین یک روند صلح همه شمول بستری را برای این گروه‌ها فراهم می‌کند تا بتوانند با تکیه بر آن در ساختن یک آینده‌ی صلح‌آمیز برای جوامع خود سهیم شوند. بدون شمولیت گروه‌های اقلیت در روند صلح، روند قادر نخواهد بود به علل اصلی منازعه بپردازد و به احتمال زیاد به چرخه‌ی دیگری از منازعه خشونت‌آمیز منجر خواهد شد.

شایان ذکر است که کسانی که از ذینفعان مختلف در یک روند صلح نمایندگی می‌کنند، باید نمایندگان مشروع این گروه‌ها باشند. این نمایندگان باید از درون گروه‌های ذینفع وارد روند صلح شده باشند و مورد تأیید گروه‌های خود باشند. این امر می‌تواند از طریق انتخابات بیناسکتوری یا سایر روش‌های به دست آوردن تأیید همه‌ی طرف‌ها حاصل شود. نمایندگی نمادین از جامعه مدنی و سایر ذینفعان از طریق انتخاب مستقیم نمایندگان توسط رهبران سنتی، نخبگان یا یکی از طرف‌های اصلی منازعه، مشروعیت روند را تضعیف کرده و منجر به محرومیت بیشتر و مخالفت مردمی بیشتر نسبت به روند صلح خواهد شد. این کار به مشروعیت توافق‌نامه نیز آسیب وارد کرده و باعث می‌شود که گروه‌های بانفوذ از تلاش‌های صلح‌سازی حمایت نکنند. علاوه بر این، ابتکاراتی که به هدف اطمینان از همه شمول بودن روند از طریق رویکردهایی غیر از نمایندگی مستقیم در میز مذاکره، روی دست گرفته می‌شوند، باید در نظر داشته باشند که تمام اقشار جمعیت موردنظر باید در این روند سهیم داشته باشند.

علاوه بر این، برای دستیابی به صلح پایدار که در آن بازگشت به خشونت بعید باشد، باید کارهای بیشتری برای حل و فصل منازعه در سطح جامعه انجام شود، که نیاز به تلاش‌های هماهنگ شده‌ی همه‌ی ذینفعان از جمله طرف‌های منازعه، جامعه مدنی، شوراهای محلی و رهبران مذهبی دارد. این

امر مستلزم نمایندگی واقعی از تمام گروه‌های اجتماعی در میز مذاکره‌ای است که منجر به تهیه و امضای توافق‌نامه صلح می‌شود.

در روند صلح افغانستان، بازیگران اصلی را می‌توان به بازیگران ملی، محلی و بین‌المللی تقسیم کرد. در سطح ملی شمولیت بازیگران و گروه‌های ذیل برای موفقیت و مشروعیت روند صلح حیاتی است.

الف) بازیگران سطح ملی

- حکومت
- پارلمان
- احزاب سیاسی
- گروه‌های جامعه مدنی
- نهادهای دینی و مذهبی
- گروه‌های مشترک‌المنافع ویژه مانند اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های حرفه‌ای و گروه‌های اقلیت
- سازمان‌های زنان
- سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر، کمک‌رسانی، توسعه یا صلح
- پژوهش‌گران و نهادهای تحقیقی
- گروه‌های قومی
- جنبش‌های اجتماعی و سیاسی
- شبکه‌های جوانان

ب) بازیگران سطح ولایتی

- ادارات حکومت محلی
- شوراهای ولایتی
- متنفذین سیاسی
- جامعه مدنی
- رهبران قومی
- دیگران

ج) بازیگران سطح جامعه

- شوراها
- رهبران قومی
- رهبران مذهبی

- گروه‌های زنان
- گروه‌های قربانی
- سازمان‌های غیردولتی

## ۴) ابزارهای دادخواهی در روند صلح

روندهای صلح پیچیده و وقت‌گیر است. مشارکت تعداد زیادی از ذینفعان دخیل در این روند به‌ویژه در میز مذاکرات، می‌تواند روند صلح را پیچیده‌تر از قبل کند. شامل شدن بازیگران غیر از طرف‌های اصلی منازعه می‌تواند توسط طرف‌های اصلی یا میان‌جی‌گران بیرونی مانند سازمان ملل متحد تضمین شود، اما همیشه این‌گونه نیست. در برخی موارد، طرف‌های اصلی منازعه تصمیم می‌گیرند سایر بازیگران را از میز مذاکره محروم کنند و درباره موضوعات اساسی بین خود مذاکره کنند. از این‌رو جامعه مدنی و سایر بازیگران ذیربط که به دنبال تأثیرگذاری بر روند صلح هستند باید از ابزارها و رویکردهای مختلف دادخواهی برای گنجاندن مطالبات خود در آجندای مذاکره و توافق‌نامه صلح استفاده کنند.

گروه‌های به حاشیه رانده‌شده و اقلیت می‌توانند از ابزارها و رویکردهای ذیل به منظور تأثیرگذاری بر روند صلح استفاده کنند و طرف‌های اصلی منازعه را متقاعد کنند تا خواسته‌های آنان را به رسمیت بشناسند.

دادخواهی طیف وسیعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود که توسط یک فرد یا سازمان به نمایندگی از کسی یا گروهی، در مورد مسأله یا مسائل صورت می‌گیرد. هدف دادخواهی رساندن پیام یک فرد یا گروه به منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها، و یا تقویت موضع یا منافع گروهی دیگر است. به صورت مشخص، اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند از ابزارهای ذیل برای تأثیرگذاری بر روندها و نتایج آن‌ها به نفع خودشان، استفاده کنند.

### شکل‌دهی گفت‌وگوهای عمومی

اقلیت‌ها می‌توانند با نوشتن مقاله در رسانه‌های خبری، پیام و موضع خود را درباره مسائل مرتبط با صلح برجسته کنند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا بحث و گفت‌وگویی را پیرامون صلح شکل دهند. سال گذشته تعدادی از نخبگان شهری افغان مقالاتی را درباره خط سرخ‌های شان در خصوص شمولیت زنان در روند صلح در یک آژانس خبری بین‌المللی بزرگ نوشتند که بحث‌های زیادی را در واشنگتن دی‌سی و سایر کشورهای غربی برانگیخت. زنان افغان در تلاشی دیگر از تعدادی از شهرهای ایالات

متحدہ بازدید کردند و با سناتورهای امریکایی و مقامات دولتی این کشور برای بیان نگرانی‌های خود درباره مذاکرات صلح طالبان و ایالات متحده، دیدار کردند. برخی دیگر در رسانه‌های افغانستان ظاهر شدند و موضع‌گیری کردند.

### **بسیج مردم**

اقلیت‌ها می‌توانند مردم جامعه خود را برای افزایش آگاهی و حمایت آشکار از مذاکرات صلح بسیج کنند. آن‌ها می‌توانند راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز را در داخل و خارج از کشور ترتیب دهند و ترس‌ها و نگرانی‌های خود را در مورد روند بیان کنند یا اعلام موضع کنند. در افغانستان و در سه سال گذشته، گروه‌های آسیب‌پذیر با موفقیت به خیابان‌ها رفتند تا حکومت و مقامات را پاسخ‌گو نگهدارند و حتی حکومت را مجبور به تغییر موضعش کنند. جنبش روشنائی یکی از آن‌ها بود.

### **ایجاد ائتلاف و پایگاه حمایتی مردمی قوی**

اقلیت‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده شده می‌توانند با سایر بازیگرانی که نگرانی‌های مشترک دارند، مانند طیف وسیعی از بازیگران جامعه مدنی، ائتلاف‌های حمایتی ایجاد کنند. آن‌ها با ائتلافی از بازیگران هم‌سو و هم‌فکر می‌توانند خواستار روندهای صلح چندمسیره شوند که شامل شدن آن‌ها را در روند اصلی تضمین کند. در کلمبیا، خانواده‌های قربانیان با سایر گروه‌های اقلیت ائتلاف کردند و با ایجاد کارزاری موفقیت‌آمیز توانستند عدالت انتقالی را به عنوان یک جزء اساسی در توافق‌نامه صلح بگنجانند. برخی دیگر سعی کردند با جلب حمایت روزنامه‌نگارانی که این مسأله را پوشش می‌دادند، توجه ملی و بین‌المللی را به نگرانی‌های خود جلب کنند. سپس آن‌ها توانستند برای جلب کمک و مساعدت با سازمان‌های جامعه مدنی بین‌المللی، کنگره ذینفعان و سایرین ارتباط برقرار کنند. آن‌ها همچنین توانستند با نمایندگان هم‌فکر در میز مذاکرات ارتباط برقرار کرده و از بین چهره‌های ملی از جمله نمایندگان مجلس، رسانه‌ها و شخصیت‌های تجاری و دیگران حامی پیدا کنند.

### **نشر موقف نامه‌ها**

اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند با تأثیرگذاری بر جامعه مدنی، جامعه آکادمیک، بزرگان و دیگران، از آن‌ها بخواهند تا مقالاتی را برای بیان موضع آن‌ها در خصوص مسائل کلیدی که منافع آن‌ها را در روند صلح یا حل‌وفصل پسمانزعه تهدید می‌کند، منتشر کنند. آن‌ها می‌توانند یک کارزار رسانه‌ای، آجندای مشترک یا دادخواهی مؤثر را برای برجسته کردن مطالبات خود ایجاد کنند. آن‌ها

می‌توانند موقف نامه های خود را با ذینفعان بین‌المللی دخیل در روند شریک کنند.

### جلسات منظم در سطح جامعه

اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند جلسات مردمی کوچک را در سطح روستاها، ولسوالی‌ها برگزار کنند و از طریق آن نه‌تنها به جوامع خود امکان بیان دیدگاه‌های‌شان را فراهم کنند، بلکه امکان شنیده‌شدن صداهای آنان را در سطح ملی نیز فراهم کنند.

اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر می‌توانند از طریق دادخواهی با طرف‌های منازعه و میان‌جی‌گران، فرصت‌های مداخله در روند را شناسایی و اطمینان حاصل کنند که به آن‌ها به عنوان ذینفعان فوری یا سایر اشکال نمایندگی، جایی در میز مذاکره اختصاص داده می‌شود. علاوه بر این، آن‌ها باید برای تأثیرگذاری بر روند از طریق تمام ابزارهای ممکن تلاش کنند تا اطمینان حاصل شود که توافق‌نامه صلح، حقوق بشر و نیازهای اساسی شهروندان را نقض نکند و تهداب صلح پایدار در جامعه گذاشته شود.

## ۵) درس‌های آموخته‌شده از سایر روندهای صلح

این بخش انواع مختلف روندهای صلح را که طی سال‌های گذشته اتفاق افتاده است و گروه‌های اقلیت می‌توانند از آن‌ها درس بگیرند، به بحث می‌گیرد. این مثال‌ها همچنین برای درک مراحل و ابزارهای مورد استفاده در روند های صلح، مفید است.

انجمن‌هایی که از منافع گروه‌های اجتماعی خاص مانند اقلیت‌های قومی غیرغالب در افغانستان نمایندگی می‌کنند، باید از قبل به صورت فعالانه برای ایجاد ائتلاف با سایر گروه‌ها و بازیگران جامعه مدنی اقدام کنند و برای مشارکت مستقیم در تمام مراحل روند صلح افغانستان دادخواهی کنند. در افغانستان، شوراها و انجمن‌های گروه‌های اقلیت باید نظرات و نگرانی‌های مردم اقلیت را مستند کرده و پیشنهادات واضح را برای رسیدگی به آن ارائه دهند. علاوه بر این، برای این انجمن‌ها مهم است که مؤثرترین الگوهای شمول در روند را شناسایی کرده و برای دستیابی به نتایج مطلوب از ترکیبی از روش‌ها و رویکردهای مختلف استفاده کنند. هفت الگوی توضیح داده‌شده در زیر مؤثرترین رویکردهای برای اطمینان از شمولیت در روند صلح است. این فهرست که با نمایندگی از همه‌ی طرف‌ها در میز مذاکره شروع می‌شود، گزینه‌های متنوعی را برای بازیگران جامعه مدنی ارائه می‌دهد تا به کمک آن در روند صلح مشارکت و تأثیرگذاری داشته باشند.



## الف) نمایندگی مستقیم در میز مذاکرات

نمایندگی مستقیم در میز مذاکرات به نوعی از تلاش برای برقراری صلح گفته می‌شود که در آن تمام گروه‌های ذیربط جزء هیأت مذاکره‌کنندگان هستند. به عبارت دیگر، هیچ طرف اصلی یا جزئی از میز مذاکره مستثنی نیست و هرکس می‌تواند نگرانی‌های خود را در جریان گفت‌وگوهای صلح مطرح کند. این مستقیم‌ترین شکل مشارکت است که به همه‌ی بازیگران جایگاه مشابه به عنوان طرف‌های اصلی منازعه می‌دهد. این بدان معناست که هر گروه یا طرفی که در مذاکرات شرکت می‌کند، در تصمیم‌گیری دخیل است و از حق رأی در مورد نتایج مذاکرات برخوردار است.

به طور عموم سه راه برای دستیابی به نمایندگی مستقیم در میز مذاکرات وجود دارد:

۱. طرف‌های اصلی منازعه ممکن است بازیگران بیشتری را در هیأت‌های مذاکره‌کننده شامل کنند. این بدان معناست که دو یا چند هیأت در میز مذاکره وجود دارد که هر یک از یکی از طرف‌های اصلی منازعه نمایندگی می‌کنند، مانند نمایندگان یک دولت و نمایندگان یک گروه مسلح؛ و یک یا هر دو طرف بازیگران دیگری را نیز در هیأت خود شامل می‌کنند. برای مثال، در مذاکرات صلح طالبان و ایالات متحده، طرف‌های دیپلماسی مسیر یک نمایندگان طالبان و اکثراً از دفتر سیاسی این گروه در قطر که عباس استانکزی آن‌ها را رهبری می‌کرد، و نمایندگان امریکا که زلمی خلیل‌زاد آن‌ها را رهبری می‌کرد، بودند. برای دستیابی به نمایندگی مستقیم، هر دو (طالبان و امریکا) یا یکی از طرف‌های اصلی منازعه ممکن است تصمیم بگیرد که بازیگران بیشتری را، مانند کارشناسان حوزه صلح‌سازی، در هیأت مذاکره‌کننده خود شامل کنند.

۲. طرف‌های مذاکره‌کننده ممکن است تعداد هیأت‌ها را در میز مذاکره افزایش دهند (برخلاف افزایش بازیگران در مورد قبلی). برای مثال، در نمونه مذاکرات طالبان و ایالات متحده، ممکن است یک یا هر دو طرف تصمیم بگیرند که نه فقط مهم‌ترین بلکه تمام احزاب سیاسی افغانستان را در میز مذاکره شامل کنند. در این رویکرد بازیگران ذیربط می‌توانند از طریق احزاب سیاسی موجود صدای خود را بلند کنند یا برای شمولیت در مذاکرات صلح یک حزب جدید تشکیل دهند.

۳. طرف‌های مذاکره‌کننده می‌توانند تقریباً تمام بازیگران ذیربط را در میز مذاکره شامل کنند. این بدان معناست که طرف‌های منازعه می‌توانند از طریق شکل‌های مختلف مانند احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی، نمایندگان گروه‌های اکثریت و اقلیت و بسیاری دیگر، در میز مذاکره سهم داشته باشند. این رویکرد معمولاً یک «گفت‌وگوی ملی صلح» را شکل می‌دهد که در آن همه‌ی افراد در مذاکرات دخیل هستند.

با این که این الگو ضامن حمایت مردمی گسترده‌تر و سطح پذیرش بیشتری از جانب طرف‌های منازعه یا طرف‌های متأثر از منازعه برای توافق‌نامه است، اما چالش‌هایی فراروی استفاده از این رویکرد وجود دارد. چالش اول این است که هرچه تعداد اشتراک‌کنندگان یک روند بیشتر باشد، به همان اندازه رسیدن به توافقی که پاسخ‌گوی خواسته‌های تمام طرف‌های ذیربط باشد پیچیده‌تر و چالش‌برانگیزتر می‌شود. برای حل این چالش، تسهیل‌کنندگان و حتی طرف‌های اصلی منازعه می‌توانند ترکیب هیأت‌های مذاکره‌کننده را تغییر دهند و شرکت‌کنندگان را در گروه‌ها یا کمیته‌های کاری فرعی تقسیم کنند تا دستیابی به توافق برای همه راحت‌تر شود. سپس هر گروه کاری می‌تواند روی موضوعاتی که بیشترین اهمیت را برای حوزه مردمی‌شان دارد، تمرکز کنند.

چالش دوم این است که هنجارهای بین‌المللی در برخی موارد می‌تواند برای مذاکرات صلح چالش‌برانگیز باشد. برای مثال، طبق هنجار بین‌المللی که می‌گوید «با تروریست‌ها مذاکره نکنید»، برخی از افراد یا گروه‌های کلیدی (مانند حسن نصرالله لبنان، البغدادی، دولت اسلامی عراق و شام و غیره) در لیست سیاه قرار دارند و بنابراین نمی‌توانند در میز مذاکره شرکت کنند، که مانع دستیابی کامل به مشارکت مستقیم می‌شود. تاکنون دو رویکرد در روندهای صلح برای مقابله با این چالش مورد استفاده قرار گرفته است: (۱) شمولیت احزاب سیاسی بیشتر و گروه‌های جامعه مدنی برای کسب مشروعیت بیشتر برای روند، و (۲) شمولیت سنجیده‌شده برخی گروه‌های شبه‌نظامی (هرچند در لیست سیاه قرار داشته باشند).

چالش نهایی مسأله نمایندگی ضعیف یا مبهم است. برخی هیأت‌ها یا گروه‌ها ممکن است از صلاحیت لازم برای نمایندگی درست و واضح از حوزه‌های مربوطه خود برخوردار نباشند. این چالش زمانی به وجود می‌آید که برخی شرکت‌کنندگان از ظرفیت کافی برای نمایندگی از گروه‌های مربوطه خود برخوردار نباشند یا برخی از شرکت‌کنندگان نمایندگان واقعی گروه‌های مربوطه خود نباشند (برای مثال مسأله گروه‌های انشعابی). برای حل این مشکل، جامعه مدنی یا سایر نهادها مانند سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و گروه‌های دادخواهی می‌توانند برای چنین گروه‌هایی دوره‌های آموزشی برگزار کنند تا آن‌ها را برای مذاکره بهتر آماده سازند و نمایندگان واجد شرایطتری را به میز مذاکره بفرستند.

### قضیه یمن:

منازعه‌ی فعلی در یمن از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ شروع شد، زمانی که مردم با قیام خواستار کناره‌گیری رییس‌جمهور مستبد این کشور، علی عبدالله صالح و هموارکردن مسیر برای اصلاحات ساختاری در این کشور شدند. به دلیل تشدید خشونت در یمن، یک انتخابات نامایشی در سال ۲۰۱۲ برگزار شد که در

نتیجه آن معاون رییس جمهور، عبدالرب منصور الهادی برای اداره دولت انتقالی دوساله انتخاب شد. با این حال، از آن جا که حکومت وی نتوانست به مطالبات مردم در خصوص تغییرات ساختاری در حکومت رسیدگی کند، منازعه شدت یافت.

برای از سرگیری مذاکرات بین ذینفعان و به تبع آن ایجاد حکومت همه شمول در یمن، «شورای همکاری خلیج فارس» اقدام به راه اندازی «کنفرانس گفت‌وگوی ملی» کرد که بین ماه مارچ ۲۰۱۳ و جنوری ۲۰۱۴ برگزار شد. ساختار کنفرانس گفت‌وگوی ملی نشان می‌داد که این بستر تا حد زیادی همه‌شمول است. ساختار این کنفرانس گروه‌های مختلف را در بر می‌گرفت، از طرف‌های اصلی منازعه گرفته تا گروه‌های زنان، جوانان و جامعه مدنی.

در دسامبر ۲۰۱۲ یک کمیته آمادگی فنی متشکل از طرف‌های مختلف و اکثر زنان و جوانان تلاش خود را برای بحث و تعیین ساختار و آجندای این کنفرانس آغاز کرد. این کمیته مؤلف بود تا برای نمایندگی همه شمول از طرف‌های ذیربط در کنفرانس آمادگی بگیرد. کمیته تصمیم گرفت که کنفرانس گفت‌وگوی ملی یمن شامل ۵۶۵ عضو و نمایندگی گسترده از احزاب سیاسی از شمال تا جنوب کشور و همچنین جامعه مدنی، زنان و جوانان باشد.

مذاکرات در طول کنفرانس در ۹ گروه کاری به ریاست ۹ نفر، انجام شد. هریک از اعضای رهبری متعلق به یکی از احزاب سیاسی اصلی بودند که در کنفرانس شرکت داشتند. هر گروه کاری یک موضوع خاص را مورد بحث قرار می‌داد و اعضای آن براساس ربط مسایل مورد بحث با حوزه‌های مردمی‌شان انتخاب می‌شدند.

این کنفرانس با تصویب «سند کنفرانس گفت‌وگوی ملی» به عنوان «نقشه راه به سوی گذار کامل یمن به دولتی که از دموکراسی، آزادی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و حکومت‌داری خوب حمایت می‌کند»، در ۲۵ جنوری ۲۰۱۴ به پایان رسید. این کنفرانس با توجه به ساختار و اقدامات آن، به عنوان نمونه‌ای از یک روند همه شمول و دموکراتیک برای گذار از جنگ به صلح تعریف می‌شود. شمولیت گسترده کل ذینفعان در این کنفرانس یک نمونه موفقیت‌آمیز از نمایندگی مستقیم از تمام بازیگران در میز مذاکرات است. با این حال، امضای سند گفت‌وگوی ملی یمن به دلایل مختلف از جمله ابهام در میکانیزم تقسیم قدرت، نتوانست به منازعه آن کشور پایان دهد.

## ب) جایگاه ناظر

رویکرد دیگری که از طریق آن می‌توان روند صلح همه شمول داشت، اختصاص جایگاه ناظر به جامعه مدنی و سایر بازیگران ذیربط در مذاکرات است. در این روش گروه‌ها به جای شرکت به عنوان

طرف اضافی در میز مذاکره، می‌توانند جایگاه ناظر بر روند را داشته باشند. به جزء شرکت‌کنندگان مستقیم که طرف‌های اصلی مذاکره در روند هستند، بقیه شرکت‌کنندگان که به عنوان ناظر حضور دارند، دخالت مستقیم در مذاکرات نداشته و از حق رأی در مورد نتایج برخوردار نیستند. در عوض آن‌ها می‌توانند از راه‌های مختلف برای ارائه دیدگاه خود در مذاکرات و توافق متعاقب آن استفاده کنند. چند طریق برای مشارکت ناظران در روند صلح وجود دارد. اول، ناظران می‌توانند منفعل باشند و بدون ارائه کدام نظر عمده، فقط بر روند نظارت کنند. دوم، ناظران می‌توانند به طرف‌های مذاکره‌کننده و میان‌جی‌ها رایزنی کنند.

در این رویکرد ناظران می‌توانند به عنوان نهادها ناظر و دیدبان عمل کنند. آن‌ها می‌توانند بر تمام مراحل روند نظارت داشته و از طریق رایزنی مستقیم با طرف‌های منازعه و میان‌جی‌ها و نیز اعمال فشار بر طرف‌ها از طریق علنی کردن اطلاعات مهم به بیرون، برای عملی شدن پیشنهاداتشان تلاش کنند. جایگاه ناظر می‌تواند به گروه‌های جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی و سایر ذینفعان اختصاص داده شود.

با این حال، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی این رویکرد گزینش ناظران است. در روند صلح نمی‌توان به تمام گروه‌ها یا نهادها جایگاه ناظر اعطا کرد و بنابراین انتخاب ناظران باید به دقت انجام شود. به این معنا که فقط به آن‌هایی جایگاه نظارت داده شود که مشارکتشان در روند معنادار است و می‌تواند تأثیر مثبتی بر نتیجه کلی آن داشته باشد. چالش دیگر فراروی این رویکرد، به حاشیه رانده شدن ناظران است. به این معنا که هیچ تضمینی وجود ندارد که طرف‌های منازعه، میان‌جی‌ها و دیگران به ناظران که قدرتی ندارند، گوش دهند. در این صورت نقش ناظران بی‌معنا است و نمی‌تواند تغییری در روند یا توافق نهایی ایجاد کند.

### قضیه لیبریا:

توافق‌نامه صلح جامع «اکرا» در سال ۲۰۰۳ به امضا رسید و به جنگ داخلی در لیبریا پایان داد. این توافق‌نامه به ایجاد حکومت موقت پساجنگ به نام «حکومت انتقالی ملی لیبریا» منجر شد. این حکومت در مجموع متشکل از ۷۶ عضو بود که ۳۶ عضو آن از سه طرف اصلی منازعه (هرکدام ۱۲ نماینده) نمایندگی می‌کردند، ۷ عضو آن از جامعه مدنی و ۱۵ عضو آن هریک از بخش‌های اداری سطح اول این کشور نمایندگی می‌کردند. مقام‌های وزارت و فرصت‌های شغلی بین طرف‌ها به اشتراک گذاشته شد تا به‌طور مشترک برای برگزاری انتخابات قبل از سال ۲۰۰۵ کار کنند. طبق این توافق‌نامه تمام طرف‌ها موافقت کردند تا دموکراسی را ترویج کنند و به رعایت کامل قوانین

بشردوستانه بین‌المللی و حقوق‌بشری متعهد باشند. با این حال رهبران جامعه مدنی سخت تلاش کردند تا حق نظارت بر روند صلح را حفظ کنند. آن‌ها فراتر از نقش‌های سنتی خود از طریق شرکت در مذاکرات رسمی صلح و حکومت انتقالی ملی لیبریا بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، به عنوان مدافعان و ناظران سهم گرفتند.

شش سازمان جامعه مدنی به شمول یک گروه زنان پس از امضای توافق آتش‌بس از جایگاه ناظر برخوردار شدند. گروه‌های جامعه مدنی و زنان از طریق ایجاد کارگروه‌ها، لابی با هیأت‌های مذاکره‌کننده و اعمال فشار از خارج از طریق هماهنگی بین ناظران حاضر در مذاکرات و گروه‌های خارج از مذاکرات، نقش مهمی را در مذاکرات صلح لیبریا ایفا کردند.

در جریان مذاکرات رسمی صلح هیچ زنی حضور نداشت اما اولین رییس‌جمهور زن در آفریقا در نتیجه انتخابات سال ۲۰۰۵ لیبریا انتخاب شد. مدافعان حقوق زنان در اپریل ۲۰۰۳ «اقدام جمعی زنان برای صلح» را راه‌اندازی کردند. کارزارهایی که به ابتکار این گروه در لیبریا به راه افتاد، در برگزاری مذاکرات رسمی صلح، پاسخ‌گو نگه‌داشتن طرف‌های منازعه به جدول زمانی مذاکرات، جلب حمایت ملی از روند صلح و سرانجام خلع سلاح جنگ‌جویان سابق بسیار مهم بود. این کارزار در سازمان‌دهی تظاهرات‌ها، راهپیمایی‌ها و گردهمایی‌های هفتگی در بازارهای مرکزی ماهی‌فروشی با حضور هزاران زن از تمام مناطق از جمله عودت‌کنندگان، نقش داشت. اقدام جمعی زنان برای صلح به عنوان بخشی از کارزار خود، با بسیج کردن زنان سراسر کشور اعتصاب جنسی زنان را سازمان‌دهی کرده و خواستار صلح شدند. علاوه بر این «اقدام جمعی زنان برای صلح» تحصنی را در اکرا، محل برگزاری مذاکرات صلح، برگزار کردند و تا زمان امضای توافق‌نامه صلح تمام خروجی‌های محل مذاکرات را مسدود کردند.

## ج) مشاوره

مشاوره نیز بخش مهمی از توافق صلح است. مشورت کردن و رایزنی، به سامان‌مندی کلی روند می‌افزاید و نقش مهمی در کاهش مشکلات مرتبط با مذاکره درباره موضوعات پیچیده ایفا می‌کند. نمونه‌هایی از گذشته ثابت می‌کند که مشاوره بسیاری از موارد نادیده‌گرفته‌شده و فراموش‌شده را دوباره در کانون توجه آجدای صلح قرار می‌دهد و گزینه‌های بدیل بهتری را برای حل مسائل پیچیده فراهم می‌کند. مشاوره و رایزنی به نهادهایی همچون جامعه مدنی امکان می‌دهد تا صداهای ناشنیده را بلند کرده و موضوعات نادیده‌گرفته‌شده را مطرح کنند و بر نتیجه نهایی مذاکرات تأثیر مثبت بگذارند. مشاوره ممکن است قبل از مذاکرات، در جریان مذاکرات، و یا بعد از مذاکرات اصلی

صورت بگیرد و موضوعات عمده یا جزئی حل نشده یا بحث نشده را در آجدای صلح علاوه کند. معمولاً مجامع مشوره و رایزنی از همان آجدای تیم اصلی مذاکره کننده پیروی می کنند، اما در برخی موارد این مجامع موضوعات بیشتری را به آجدای مذاکره علاوه می کنند و اینگونه کمک می کنند که توافق نامه نهایی جامع تر و غنی باشد.

به صورت عموم دو نوع مجمع مشورتی می تواند به عنوان بخشی از روند صلح سازمان دهی و برگزار شود:

### مجامع مشورتی رسمی

این الگو شامل مجامع رسمی می شود که از گروه های اجتماعی یا سیاسی تشکیل شده و جزء طرح رسمی روند صلح است. به عبارت دیگر مجامع مشورتی به طور رسمی از جانب طرف های منازعه و میان جی ها تأیید می شود. طرف های منازعه و میان جی ها علاوه بر تأیید این مجامع، وظیفه ی آن را نیز تعیین می کنند و در ضمن باید در نظر داشته باشند که توصیه های این مجامع الزام آور، همسان با توصیه های خود تیم های رسمی مذاکره کننده، و یا متفاوت است. در برخی موارد خود این مجامع وظیفه خود را مشخص می کنند و سپس تأیید طرف های منازعه را کسب می کنند. هدف از چنین مجامعی صرفاً افزودن موضوعات بیشتر به آجدای روند مذاکره نیست، بلکه در برخی موارد، شرکت کنندگان چنین مجامعی می توانند از طریق مجراهای غیررسمی به هیأت های مذاکره کننده مشوره ارائه دهند و بر مذاکرات نظارت کنند.

مزیت مجامع رسمی این است که با افزودن موضوعات بیشتر به آجدای مذاکره، ضمن جلوگیری از مشکلات ناشی از تعدد طرف ها در میز مذاکره اصلی، مشروعیت بیشتری به توافق نامه می بخشند. علاوه بر این، چنین مجامعی می توانند نقش مهمی در ارائه راه حل های آسان و گزینه های بدیل برای مسائل دشوار بین مذاکره کنندگان اصلی، که گاهی اوقات می تواند منجر به تعویق یا توقف روند شود، ایفا کنند. با این حال مجامع رسمی معایبی نیز دارد. عیب اول آن فاصله ای است که بین این مجامع و میز مذاکره وجود دارد. این واقعیت که مجامع مشورتی به طور مستقیم جزء تیم های مذاکره کننده نیستند، توانایی آن ها را در گنجاندن توصیه های شان به شکل کامل و مؤثر در آجدای صلح محدود می کند. عیب دوم این است که این مجامع ممکن است با وجود جایگاه رسمی شان، توسط تیم های مذاکره کننده کنار گذاشته شده یا نادیده گرفته شوند. و سرانجام خطر تفرقه بین اعضای مجامع مشورتی وجود دارد که به نوبه خود می تواند بر پیچیدگی روند بیافزاید و موانعی را فراروی دستیابی به توافق مؤثر ایجاد کند. بنابراین روند انتخاب اعضا برای مجامع مشورتی باید با دقت بیشتر انجام شود تا از مشروعیت روند و اثربخشی مجامع اطمینان حاصل گردد.

## مشاوره غیررسمی

مشاوره غیررسمی برخلاف «مجامع مشورتی رسمی» از نظر جایگاه در روند، دیدگاه، اثربخشی و دامنه تفاوت دارند. رویکرد مشوره غیررسمی تأیید طرف‌های منازعه و تأیید میان‌جی‌ها را با خود ندارد. هدف چنین رویکردی جلب توجه بیشتر به روند، برجسته کردن اطلاعات و مسائل مهم مغفول مانده، ایجاد زمینه برای صداهای متنوع مردم و آگاهی‌دهی به حوزه‌های مردمی گسترده‌تر در مورد روند صلح است. علاوه بر این، چنین رویکردی نه تنها به تیم میان‌جی امکان می‌دهد تا عوامل منازعه را بهتر بشناسند، بلکه به میان‌جی‌ها کمک می‌کند تا در مورد مطالبات، نگرانی‌ها و دیدگاه‌ها آگاهی بیشتری کسب کنند و همچنین مشخص کنند که کدام بازیگران در شکل‌دهی آجدای پساتوافق دخیل باشند.

مشاوره غیررسمی در فاصله‌ی بیشتری از مذاکرات رسمی صورت می‌گیرد و از این رو احتمال بیشتری وجود دارد که نادیده گرفته شود و یا به صورت جزئی یا کامل کنار گذاشته شود. با این وجود مشاوره غیررسمی علاوه بر چالش‌های مرتبط با مجامع مشورتی رسمی، در معرض خطر تفرقه و ناکارآمدی بیشتر قرار دارد. از سوی دیگر اگرچه مشوره‌دهی غیررسمی الزام‌آور نیست، نمونه‌های متعددی از سایر موارد نشان داده است که رویکرد مشوره‌دهی غیررسمی دیدگاه‌های حیاتی را به روند می‌افزاید، تأثیر مثبت قابل ملاحظه دارد و بر بسیاری از موضوعات که در نبود مشوره‌دهی غیررسمی نادیده گرفته می‌شود، روشنی می‌افکند. بنابراین، رویکرد مشوره‌دهی غیررسمی می‌تواند در حصول اطمینان از همه شمول بودن روند مؤثر باشد و بازیگران جامعه مدنی باید در تلاش‌های خود برای مشارکت در روند صلح آن را مدنظر بگیرند.

## قضیه گواتمالا:

توافق صلح سال ۱۹۹۶ که بین حکومت گواتمالا و «وحدت انقلابی ملی گواتمالا» به امضا رسید، به جنگ داخلی این کشور که در سال ۱۹۶۰ آغاز شده بود، پایان داد. در سال ۱۹۹۴ نمایندگان حکومت گواتمالا و «وحدت انقلابی ملی گواتمالا» در مکزیکوسیتی گردهم آمدند و در مورد چارچوب مذاکرات به توافق رسیدند. در میان سایر سازوکارها و ابزارها، تشکیل «مجمع جامعه مدنی» یکی از اصلی‌ترین مفاد «توافق‌نامه چارچوبی» بود. هدف اصلی مجمع جامعه مدنی فراهم‌آوری زمینه مشارکت نهادهای غیردولتی در مراحل مختلف روند صلح گواتمالا بود.

مجمع جامعه مدنی از جانب هر دو طرف منازعه مؤظف شد توصیه‌هایی را در مورد شش موضوع اصلی مورد بحث در مذاکرات دوجانبه ارائه دهد. این موضوعات عبارت بودند از: (۱) تقویت جامعه مدنی و کارکردهای ارتش در یک جامعه دموکراتیک، (۲) هویت و حقوق مردم بومی، (۳) اصلاح قانون اساسی و رژیم انتخاباتی، (۴) اسکان مجدد بیجاشدگان جنگ، (۵) وضعیت اقتصادی-اجتماعی و (۶) وضعیت زراعت.

اگرچه ساختار و میکانیزم کاری مجمع جامعه مدنی در توافق نامه چارچوبی مشخص نشده بود اما رییس این مجمع و کمیته برگزارکننده توانستند تعدادی از بازیگرانی را که مایل به شرکت در روند صلح بودند، مشخص و سازوکارهای مداخله آنان را نیز تعیین کنند. علاوه بر شش سکتور (احزاب سیاسی، گروه‌های مذهبی، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های مردمی، کمیته‌های هماهنگی کشاورزی، تجاری، صنعتی و مالی و گروه اتلیکسکو<sup>۱</sup>) که از قبل در «توافق نامه چارچوبی» مشخص شده بودند، آن‌ها توانستند پنج بخش دیگر (سازمان‌های زنان، سایر سازمان‌های توسعه‌ای غیردولتی، مراکز پژوهشی، گروه‌های حقوق بشری و سازمان‌های رسانه‌ای) را در فهرست سکتورهای دخیل در مجمع جامعه مدنی گواتمالا قرار دهند. با این‌که هر بخش ساختار و سازوکارهای درونی خود را برای بحث درباره موضوعات ذیربط داشت، اما آن‌ها به شناسایی اولویت‌ها و تدوین پیشنهادات و توصیه‌ها مؤظف شدند. هر سکتور ۱۰ نماینده داشت تا از آن‌ها در مجمع جامعه مدنی نمایندگی کند و در مورد پیشنهادات نهایی مجمع گفت‌وگو و اظهار نظر کنند.

از طرف دیگر مردم بومی این کشور راضی نبودند که به عنوان یک گروه تحت چتر مجمع جامعه مدنی شمرده شوند. بنابراین آن‌ها سازمان خود را متشکل از ۲۰۰ گروه مردمی مختلف با نام «هماهنگی سازمان‌های مردم مایای گواتمالا» تشکیل دادند. این سازمان به عنوان بستری برای مردم بومی عمل کرد تا بتوانند از طریق آن نگرانی‌های خود را در مجامع عمومی مطرح و به بحث بگیرند. تمام گروه‌های بومی در طول بحث و گفت‌وگوهای خود در مجمع جامعه مدنی، صدای یک‌پارچه‌ای داشتند و به تبع آن توانستند پیش‌نویس «هویت و حقوق افراد بومی» را به عنوان یکی از بحث‌برانگیزترین و چالش‌برانگیزترین پیشنهادات در آجندای مجمع جامعه مدنی شامل کنند.

## د) مشارکت مردمی

مشارکت مردمی به فعالیت‌ها و توافق‌هایی گفته می‌شود که هدف آن وصل کردن اقشار بزرگ مردم به مذاکرات رسمی است. مشارکت مردمی به عنوان ابزاری برای شریک کردن نگرانی‌های مردم با طرف‌های اصلی مذاکره‌کننده عمل می‌کند. مشارکت مردمی می‌تواند در جریان مذاکرات و همچنین در مرحله اجرای توافق نامه انجام شود. فعالیت‌هایی که زیر چتر مشارکت مردمی می‌تواند صورت بگیرد شامل جلسات استماعیه عمومی، پنل‌های شهروندان و نظرسنجی است اما به این سه کار محدود نمی‌شود. اهداف اصلی مشارکت مردمی عبارتند از:

• بهبود شناخت از مطالبات و نگرانی‌های مردم و گنجاندن آن‌ها در آجندای مذاکره و به تبع

۱. گروهی متشکل از نهادهای اکادمیک، شرکت‌ها و تجارت‌های کوچک که در شهری به همین نام اعلامیه اتلیکسکو را صادر کردند.



آن در توافق نامه؛

- ایجاد مشروعیت و مقبولیت عمومی برای روند صلح؛ و
- جمع‌آوری شواهد از مردم در مورد نقض حقوق بشر و سایر نارضایتی‌ها.

این الگو نه تنها آجندای مذاکره و توافق نامه را غنی‌تر می‌سازد بلکه به همه‌ی طرف‌ها و حوزه‌ها احساس شامل بودن می‌بخشد که به نوبه‌ی خود بر مشروعیت کلی روند می‌افزاید. این الگو همچنین به عنوان ابزاری برای آگاهی‌دهی به مشارکت‌کنندگان مذاکرات رسمی در مورد مسائل و نگرانی‌های ناشنیده یا نادیده گرفته شده، عمل می‌کند. به علاوه این الگو یک رویکرد مفید برای حل و فصل مشاجرات پساتوافق است که امکان دارد در نتیجه سوءتفسیر و تحریف مفاد، به وجود آید. علاوه بر این، این الگو سازوکارهای پساتوافق را با اطلاعات و شواهد بهتری برای نظارت مؤثر و کارآمد در مرحله تطبیق توافق نامه مجهز می‌کند.

### قضیه ایرلند شمالی:

منازعه ایرلند شمالی در اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و با امضای «پیمان جمعی نیک» در سال ۱۹۹۸ پایان یافت. وضعیت قانون اساسی ایرلند شمالی محرک اصلی منازعه بین اتحادیه‌ها/وفاداران و ناسیونالیست‌ها/جمهوری خواهان ایرلندی بود. گروه اول می‌خواست ایرلند شمالی جزء بریتانیا باقی بماند در حالی که گروه دوم در تلاش بود ایرلند شمالی بریتانیا را ترک کند و به اتحاد ایرلند ملحق شود. دو طرف پس از چند دهه منازعه مداوم توافق کردند که نظرسنجی عمومی را در ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند برای پایان دادن به منازعه راه‌اندازی کنند. در ۲۲ می سال ۱۹۹۸، دو همه‌پرسی هم‌زمان در دو منطقه مذکور برگزار شد تا توافق نامه‌ها از طریق همه‌پرسی عمومی که موفق شد رأی «بلی» از اکثریت مردم بگیرد، به تصویب برسد.

علاوه بر این، در مجموع هشت نظرسنجی برای جمع‌آوری دیدگاه مردم در اجرای پیمان «جمعی نیک» در ایرلند شمالی بین اپریل ۱۹۹۶ و می ۲۰۰۰ صورت گرفت. پرسش‌های نظرسنجی‌ها با همکاری مذاکره‌کنندگان به هدف تقویت روند صلح از طریق مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با پالیسی‌سازی، توسعه و ساختارهای سیاسی، ساخته شده بود. نظرسنجی‌ها قبل و بعد از امضای توافق نامه صلح صورت گرفتند.

۱. صلح‌سازی و پالیسی عمومی: اولین نظرسنجی در اپریل و می ۱۹۹۶ برای بررسی گزینه‌های متعدد پالیسی برای بهبود روابط بین جامعه در ایرلند شمالی انجام شد. مباحث تحت پوشش این نظرسنجی شامل مسکن، آموزش، رژه‌ها، زبان ایرلندی، پولیس و توسعه سیاسی بود.

۲. پس از انتخابات: دومین نظرسنجی در مارچ ۱۹۹۷ انجام شد و هدف آن جمع‌آوری افکار عمومی در مورد مشارکت احزاب مختلف در انتخابات بود که در ماه می همان سال برگزار شد. پاسخ‌دهندگان رأی دادند که آیا احزاب با انجمن‌های پارا-نظامی (شبه‌نظامی) در مذاکرات صلح شرکت کنند یا خیر، که منجر به شمولیت همه‌ی طرف‌ها در مذاکرات شد.

۳. گفت‌وگوهای «استورمونت»: سومین نظرسنجی در سپتامبر ۱۹۹۷ به منظور گرفتن دیدگاه عمومی در مورد مشارکت مداوم «حزب اتحاد‌گرای اولستر» صورت گرفت که حمایت مردم از ادامه‌ی مذاکرات را نشان داد.

۴. در جست‌وجوی حل‌وفصل: چهارمین نظرسنجی در دسامبر ۱۹۹۷ در حالی که مذاکرات رسمی به دلایل اختلاف روی مسائل رویه‌ای (طرز‌العملی) متوقف شده بود، در مورد موضوعات اساسی روند صلح انجام شد. این نظرسنجی به شروع مجدد مذاکرات کمک کرد.

۵. حل‌وفصل جامع: پنجمین نظرسنجی در ماه مارچ ۱۹۹۸ برای جمع‌آوری افکار عمومی در مورد پیشنهاد تهیه‌شده توسط هفت طرف شرکت‌کننده در مذاکرات و همچنین پیشنهادهای بدیل طرف‌ها که مذاکرات را ترک کرده بودند، انجام شد. این نظرسنجی نشان داد که مردم از پیشنهاد طرف‌های مذاکره‌کننده حمایت می‌کنند.

۶. تطبیق توافق‌نامه بلفاست/پیمان جمعه نیک: ششمین نظرسنجی در ماه فبروری سال ۱۹۹۹ پس از آن انجام شد که برخی طرف‌ها از همکاری در اجرای توافق‌نامه بلفاست امتناع ورزیدند. نتیجه نظرسنجی نشان داد که بیش از ۹۰ درصد مردم از نمایندگان خود می‌خواهند که برای اجرای توافق‌نامه کار کنند.

۷. بررسی «میچل»: هفتمین نظرسنجی در اکتبر ۱۹۹۹ پس از آن صورت گرفت که روند صلح به دلیل امتناع یکی از طرف‌ها از گرفتن کرسی‌های اجرایی خود قبل از تسلیم اسلحه، متوقف شده بود. این نظرسنجی به ابتکار سناتور جرج میچل آغاز شد که و نشان داد که مردم از ادامه‌ی این روند به صورت گسترده حمایت می‌کنند.

۸. آینده‌ی روند صلح: هشتمین نظرسنجی در ماه می ۲۰۰۰ به منظور گرفتن دیدگاه عمومی در مورد پیشنهادات خلع سلاح انجام شد که نشان داد مردم از این پیشنهادات حمایت می‌کنند.

## ه) تصمیم‌گیری عمومی

گام بعدی مهم در مذاکرات و معاهدات یا توافق‌نامه‌های صلح، تصمیم‌گیری عمومی است. تصمیم‌گیری عمومی به انتخابات یا همه‌پرسی در مورد توافق‌نامه صلح گفته می‌شود و

بیشتر در جوامع دموکراتیک پسا منازعه انجام می‌شود. تصمیم‌گیری عمومی شدیداً الزام‌آور است و پس از تصویب قانون اساسی یا توافق‌نامه‌های صلح توسط طرف‌های منازعه صورت می‌گیرد. این بدان معناست که پس از رای‌گیری یا همه‌پرسی، تصمیمی که در نتیجه آن گرفته می‌شود باید عملی شود. به عبارت دیگر، اگر برای مثال مردم در همه‌پرسی پاسخ «بلی» به تصویب توافق‌نامه یا قانون اساسی بدهند، تصمیم‌گیرندگان موظف می‌شوند که روند را ادامه دهند. همچنین جواب «بلی» مردم به تصمیم‌گیرندگان امکان می‌دهد در برابر مخالفان تندروی روند ابزار فشار داشته باشند. این در حالیست که اگر پاسخ مردم در همه‌پرسی «نه» باشد، باعث می‌شود روند و هرگونه اقدامات بعدی در رابطه به اجرای توافق‌نامه متوقف گردد.

موفقیت رای‌گیری و همه‌پرسی عمومی به عوامل مختلفی بستگی دارد، مانند سطح حمایت مردم و درک آن‌ها از توافق‌نامه، ربط یا شایستگی پرسش‌هایی که از مردم پرسیده می‌شود و بسیج حمایت مردمی از همه‌پرسی یا علیه همه‌پرسی. همچنین لازم به ذکر است که تصمیم‌گیری عمومی مانند همه‌پرسی می‌تواند نتیجه‌ی ناخواسته و غیرمنتظره در حمایت یا علیه تصویب قانون اساسی یا تطبیق توافق‌نامه داشته باشد. بنابراین، زمان‌بندی و موضوعات مطرح‌شده در همه‌پرسی باید با دقت انجام شود و بخشی از یک استراتژی منظم و خوب برنامه‌ریزی شده باشد.

### قضیه ایرلند شمالی؛ همه‌پرسی‌ها

همه‌پرسی‌های هم‌زمان که در تاریخ ۲۲ می ۱۹۹۸ در ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند برگزار شد، تأیید مطلق مردم در هر دو قلمرو را به دست آورد. در نتیجه این همه‌پرسی پیمان «جمعه نیک» که از قبل توسط طرف‌های مخالف تصویب شده بود، توسط اکثریت مردم در هر دو قلمرو تأیید شد. حوزات انتخابیه یا رأی‌دهندگان ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند قرار شد به دو سند متفاوت اما مرتبط به هم، رأی دهند. در نتیجه مردم ایرلند شمالی به «توافق‌نامه چندحزبی» و جمهوری ایرلند به «توافق‌نامه بریتانیا-ایرلند» رأی دادند. از آن‌جا که قرار بود ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند به دو سند مختلف رأی دهند، در طی همه‌پرسی دو پرسش متفاوت از آن‌ها پرسیده می‌شد. عبارت پرسشی همه‌پرسی که در برگه آرا چاپ شده بود، به شرح زیر بود: «آیا شما از توافق‌نامه چندحزبی در مورد ایرلند شمالی تنظیم‌شده در فرمان‌نامه ۳۸۸۳ حمایت می‌کنید؟» نتیجه پاسخ‌ها به این سوال چنین بود:

مشارکت مردم	۸۱,۱ درصد
پاسخ بلی	۶۷۶,۹۶۶ (۷۱,۱ درصد)
پاسخ نخیر	۲۷۴,۸۷۹ (۲۸,۹ درصد)
پاسخ نامعتبر	۱,۷۳۸

از طرف دیگر سوالی که در برگه آرا از مردم جمهوری ایرلند پرسیده شده بود، متمرکز بر اصلاح قانون اساسی بود: «آیا شما از پیشنهاد اصلاح قانون اساسی مندرج در لایحه ذکرشده ذیل حمایت می‌کنید؟» در زیر نتیجه پاسخ‌ها به پرسش فوق‌الذکر از مردم جمهوری ایرلند آمده است:

مشارکت مردم	۵۵,۶ درصد
پاسخ بلی	۱,۴۴۲,۵۸۳ (۹۴,۴ درصد)
پاسخ نخیر	۸۵,۷۴۸ (۵,۶ درصد)
پاسخ نامعتبر	۱۷,۰۶۴

همان‌طور که در بالا دیده می‌شود، میزان مشارکت در جمهوری ایرلند (۵۵,۶ درصد) نسبت به میزان مشارکت مردم در همه‌پرسی ایرلند شمالی (۸۱,۱ درصد)، پایین‌تر بوده، اما حوزه انتخابیه که رأی «بلی» به پاسخ همه‌پرسی جمهوری ایرلند داده بودند (۹۴,۴ درصد)، بیش از حوزه انتخابی بود که در ایرلند شمالی به سوال همه‌پرسی پاسخ مثبت داده بودند (۷۱,۱ درصد).

## و) اقدام جمعی

آخرین رویکرد برای صلح همه شمول در این کتاب راهنما، اقدام جمعی است. اقدام جمعی یکی از روش‌های گنجاندن نگرانی‌های جدی مردم در روند صلح است. اقدام جمعی می‌تواند در قالب اعتراضات خیابانی، کارزارهای جمع‌آوری امضا و همچنین روش‌های اعتراضی که تازه به آن اضافه شده است، مانند راه‌اندازی کارزارهای اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی و امضای طومارهای آنلاین، صورت بگیرد. این ابزارها توانایی بسیج شمار عظیمی از مردم را دارد و می‌تواند تأثیر زیادی بر توافق‌نامه و تصامیم نهایی بگذارد. اقدام جمعی می‌تواند تعداد قابل‌توجهی از مردم را برای ابراز نگرانی‌های‌شان بسیج کند و از این‌رو می‌تواند فضای حمایت یا ضدیت با

روند را در کشور خلق کند.

مثال‌های اقدام جمعی از کشورهای مختلف نشان داده است که قدرت اقدام جمعی می‌تواند تأثیر زیادی بر توافق‌نامه‌ها بگذارد. در این‌جا هم جامعه مدنی می‌تواند نقش بسیار مهمی را در بسیج، دادخواهی و هدایت مردم برای انجام اقدامات جمعی در حمایت و یا علیه یک روند بازی کند و بر مذاکره‌کنندگان «دیپلماسی مسیر اول» فشار وارد کند تا موارد خاصی را وارد یا از آجندای مذاکره و همچنین توافق‌نامه خارج کنند.

### قضیه نیپال:

تقریباً پس از گذشت یک دهه از منازعه و خشونتِ پرفراز و فرود، جنگ داخلی نیپال (که به نام منازعه مائویستی نیز شناخته می‌شود) که در فبروری ۱۹۹۶ بین حکومت نیپال و حزب کمونیست نیپال آغاز شده بود، با امضای توافق‌نامه صلح جامع در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۶ پایان یافت. علت اصلی این منازعه در برگزاری مجلس مؤسسان برای آوردن اصلاحات و تغییر در ساختار حکومت نهفته بود. طرف‌های متخاصم موافقت کردند که برای تدوین مجدد قانون اساسی کشور (از جمله ادامه‌ی نظام سلطنتی موجود) مجلس مؤسسان را دایر و حکومت مؤقت ایجاد کنند.

پس از آنکه پادشاه گیانندرا با عزل نخست‌وزیر و انحلال پارلمان منتخب، در ماه فبروری ۲۰۰۵ قدرت را به دست گرفت، تمام احزاب سیاسی موجود اتحادی را به نام اتحاد هفت حزب ایجاد کردند و به همراه حزب مائویست نیپال و سایر سازمان‌ها در برابر تصمیم شاه ایستادند و خواستار اعتراض گسترده شدند.

در نتیجه مردم در ماه اپریل ۲۰۰۶ دست به اعتراض گسترده‌ای زدند که به مدت ۹ روز ادامه یافت. اعتراضات به تصرف قدرت توسط شاه گیانندرا خاتمه داد و زمینه را برای پایان دادن به جنگ داخلی این کشور از طریق ایجاد شرایط مساعد برای گفت‌وگوهای صلح بین حکومت و نیروهای حزب کمونیست نیپال فراهم کرد.

معارضین سه خواسته اساسی داشتند (احیای پارلمان، انتقال قدرت به یک حکومت تمام احزاب و تأسیس مجلس جدید مؤسسان) که شاه مجبور به پذیرفتن آن‌ها شد و در ۲۴ اپریل به اجرا درآمد. علاوه بر این، تظاهرات گسترده مردم با امضای توافق‌نامه صلح جامع در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۶ بین طرف‌های متخاصم، باعث پایان جنگ داخلی نیپال شد. اعتراضات گسترده نیپال و پایان جنگ داخلی این کشور از طریق آن، نمونه‌ی برجسته و موفق اقدام جمعی و نشان‌دهنده نقش چنین اقدامی در پایان دادن به منازعه در یک کشور دانسته می‌شود.

## ۶) تطبیق و نظارت از توافق نامه صلح

پس از توافق بین طرف‌های منازعه، گام بعدی که بسیار مهم‌تر است، تطبیق توافق نامه صلح و نظارت بر مفاد آن است. برای اطمینان از تطبیق صحیح توافق نامه و مفاد آن، نیاز به سازوکارهای خاصی برای تسهیل مرحله اجرا و همچنین نظارت بر این که تمام طرف‌های ذیربط براساس شرایط مورد توافق عمل کنند، وجود دارد.

سازوکارهای اجرایی می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد، از جمله میکانیزم‌های اطمینان از تداوم آتش‌بس که شامل میکانیزم‌های نظارت، تأیید و گزارش‌دهی می‌شود. همچنین برای تطبیق موفق برنامه خلع سلاح، ملکی‌سازی و ادغام مجدد، نیاز به یک کمیسیون برای نظارت، تأیید و اصلاحات در جمع‌آوری و ضبط تسلیحات وجود دارد. برای این که روند تقسیم قدرت شامل تمام گروه‌ها باشد، یک کمیته یا شورای بزرگان/مشاوران می‌تواند ایجاد شود تا تخلفات را برجسته کند. همچنین این سازوکارها برای این که انتخابات برگزار شود و یک حکومت مشروع روی کار آید، ضروری است.

### ایجاد کمیسیون همه‌شمول

کمیسیون‌های همه‌شمول که با عنوان میکانیزم‌های پساتوافق نیز شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از سازوکارها و کمیسیون‌هایی است که وظایفی نظیر نظارت و تسهیل تطبیق توافق نامه، اطمینان از پایداری توافق نامه و آگاهی‌دهی به مردم درباره توافق نامه و شرایط آن را انجام می‌دهد. نمونه‌های این کمیسیون‌ها که از کشوری به کشور دیگر و از موردی به مورد دیگر متفاوت است، شامل کمیسیون آتش‌بس، کمیسیون صلح و آشتی، نهادهای صلح دائمی و غیره می‌شود.

برای مثال، توافق بین کومور و آنژوان منجر به تشکیل کمیته پیگیری شد تا در میان سایر وظایف، مفاد توافق نامه صلح را تفسیر و هرگونه اختلاف ناشی از توافق نامه را حل کند. در بوسنیا و هرزگوین، تربیون ویژه‌ای ایجاد شد که رییس آن به صورت مشترک منصوب می‌شد و هر دو طرف می‌توانستند هرکدام یک عضو را برای آن تعیین کنند. هرگونه اختلاف ناشی از توافق نامه برای حل و فصل به این تربیون ارسال می‌شد. در جاهای دیگر، بازیگران بین‌المللی نقش اصلی را ایفا می‌کنند و اغلب سازمان ملل مؤظف می‌شود به عنوان ضامن عمل کند.

برخی توافق نامه‌های صلح جامعه مدنی را مؤظف می‌سازد تا درباره توافق نامه آگاهی‌دهی کند و در برخی موارد به تمام نقاط کشور برود و مردم را از مفاد توافق نامه آگاه کند. در مثال‌های دیگر توافق نامه صلح جایگاهی را برای جامعه مدنی در قوهی مقننه کشور فراهم می‌کند تا جامعه مدنی فشار بیشتری را بر طرف‌های منازعه وارد کند تا بهتر مفاد توافق نامه را رعایت کنند. بنابراین، این

سازوکارها نقش مهمی در مراحل پسا توافق ایفا می کند و می تواند پایداری توافق نامه و صلح در کشور را تضمین کند.

با این وجود در این الگو نیز همانند سایر الگوها انتخاب نمایندگان و اعضای کمیسیون یک گام اساسی و تعیین کننده است. طرفهای اصلی منازعه و میان جی ها باید اطمینان حاصل کنند که نمایندگان مناسب برای چنین کمیسیون هایی هم زمان یا بعد از مرحله مذاکره انتخاب شوند، زیرا گزینش اعضای نامناسب در چنین کمیسیون هایی می تواند روند را به بیراهه بکشاند و باعث تشدید اختلافات اجتماعی شود که در این صورت کمیسیون امکان دارد به جای مؤثریت، تأثیر منفی بر صلح بگذارد.

مهم است که اقلیت ها و گروه های آسیب پذیر در این کمیسیون ها نماینده داشته باشند و از طریق دادخواهی سیستماتیک که در این راهنما ذکر شد، بر تصامیم آن ها به نفع خودشان تأثیر بگذارند.





# افغانستان کې ټول شموله سولې ته رسېدل

د لارښود کتاب



## مندوی

د بشري حقونو او د تاوتریخوالي مخنیوي سازمان (HREVO) د دغې پروژې د بودیجې تامین لپاره له اروپایي ټولنې څخه ډېره مننه کوي. مونږ همدارنگه د دغه لارښود کتاب چمتو کولو کې له څېړونکي ټیم څخه هم منندوی یو.



## لړليک

- مقدمه ..... ۳۹
- (۱) د ټول شموله سولې درک لپاره چوکاټ ..... ۴۳
- الف) سوله څه ده؟ ..... ۴۳
- ب) د سولې بهير څه دی؟ ..... ۴۴
- ج) ټول شموله سوله څه ده؟ ..... ۴۵
- د) د سولې يوه بهير کې د گډون بېلا بېلې سطحې څه دي؟ ..... ۴۵
- (۲) د سولې بهير بېلا بېل پړاوونه ..... ۴۷
- الف) د سولې خبرواترو پړاو ..... ۴۷
- ب) له سولې وروسته حل و فصل ..... ۴۹
- (۳) د سولې بهير لوبغاړي ..... ۵۱
- (۴) د سولې بهير کې د غږ پورته کولو وسيلې ..... ۵۴
- (۵) د سولې نورو پروسو څخه زده کړي درسونه ..... ۵۶
- الف) د خبرو مېز کې مخامخ استازيتوب ..... ۵۷
- ب) د څارونکي مقام ..... ۶۰
- ج) مشاوره ..... ۶۲
- رسمي مشورتي غونډې ..... ۶۲
- غيررسمي مشوره ..... ۶۳
- د) ولسي گډون ..... ۶۵
- ه) عمومي پرېکړه نيونه ..... ۶۷
- و) ټوليز اقدام ..... ۶۹
- (۶) د سولې هوکړه لیک تطبيق او ورڅخه نظارت ..... ۷۰



سوله د یوه پیاوړې سیاسي نظام رامنځ ته کولو کیلي ده، چې په کې د ټولو په ځانگړې توگه د زیان لیدونکو ډلو او اقلیتونو لپاره، نظم او قانون، انساني امنیت او اقتصادي پرمختیا خوندي وساتل شي. د سولې مذاکرات او منځگړیتوبونه باید د ټولني د بېلابېلو قشرونو په استازیتوب او د هغوی د لیدلورو، اړتیاوو او لېوالتیاوو ته په انعکاس ورکولو سره، ټول شموله ووسي. د دې لپاره چې د سولې بهیر بریالی وي، باید ټولو خواوو چې د شخړې یوه برخه دي، یا یې په یوه ډول ورڅخه متاثره شوي، برخه ورکړل شي. د ټولې نړۍ په کچه د سولې بهیرونو تجربو ثابته کړې، کوم بهیرونه چې د ټولني پراخه برخه په کې ښکېله ده، د سولې هغو تړونونو څخه ډېر مثبت دي، چې د شخړې ښکېلو خواوو د مشرانو او سیاستوالو ترمنځ لاسلیک کېږي.<sup>۱</sup>

د لارښود دغه کتاب په دې موخه چمتو شوی، ترڅو اقلیتونو او زیان لیدونکو ډلو سره مرسته وکړي، ترڅو د سولې د یوه بهیر اصلي پړاوونو او همدارنگه د سولې مذاکراتو ننگونو او بحرانونو په اړه پوهاوی ترلاسه کړي. همدارنگه دغه کتاب اقلیتونو او زیان لیدونکو ډلو سره مرسته کوي، ترڅو د مختلفو وسیلو په اړه چې د هغوی د لاسرسي وړ دي پوه شي او وکولی شي، ورڅخه د سولې بهیر کې د اغېزمنتوب او په خپله گټه یې پایلو ته د لوري ورکولو لپاره کار واخلي. له ټولو مهمه دغه کتاب اقلیتونو او زیان لیدونکو ډلو سره مرسته کوي، چې د سولې نورو مذاکراتو څخه، چې په کې اقلیتونو د خپلو ټولنو لپاره اساسي بدلونونه راوستي، یو څه زده کړي. د دغه کتاب اساسي هدف د سولې بهیر او د سولې مذاکراتو په اړه د اطلاعاتو وړاندې کول دي، ترڅو له دې لارې د متمرکه ډله ییزو بحثونو گډون کونکو او انفرادي مرکو ترمنځ د بحث او خبرو لپاره، چې د بشري حقونو او د تاوتریخوالي مخنیوي سازمان غواړي، د دغې پروژې دویم پړاو کې یې ترسره کړي. زمينه برابره شي. دې سره د دغه لارښود کتاب عمر د دې پروژې لپاره د لومړنیو اطلاعاتو چمتو کولو څخه لوړ دی او د هېواد په سطحه د ټولو خلکو د لاسرسي وړ گرځي، ترڅو د اقلیتونو لپاره د سولې د لارښود کړکۍ په توگه ورڅخه استفاده وشي. دغه لارښود کتاب باید د افغانستان زیان لیدونکو ډلو او اقلیتونو سره مرسته وکړي، خو له ستراتیژیک اړخه د افغان حکومت او طالبانو ترمنځ د سولې پر روانو مذاکراتو د اغېزمنتوب لپاره څرگند درک ولري.

د لارښود دغه کتاب د بشري حقونو او د تاوتریخوالي مخنیوي سازمان څېړونکو له خوا، چې د ستراتیژیکو عدالت غوښتنو، د پالیسۍ تحقیق، د ښوونیزو او څېړنیزو دورو ترسره کولو له لارې یې د افغانستان د زیان لیدونکو ډلو او د اقلیتونو له حقونو څخه د ملاتړ ۱۰ کلنه کاري مخینه لري، چمتو شوی دی. د

1. Nilsson, D., 2012. Anchoring the peace: Civil society actors in peace accords and durable peace. *International Interactions*, 38(2), pp.243-266.

دغه سازمان دنده داسې يوې سطحې ته د ټولني رسولو کې مرسته کول دي، چې په کې د ټولو هېوادوالو حقونو ته درناوی وشي او خوندي وساتل شي او له تاوتریخوالي پرته سوله ییز چاپریال کې ژوند وکړي. د بشري حقونو او د تاوتریخوالي مخنیوي سازمان هڅه کوي، ترڅو د بشري حقونو ښه والي، عادلانه سولې، جنسیتی برابری، د قانون حاکمیت او حساب ورکولو په څېر، په خپلو اساسي ارزښتونو ولاړ ووسي او د دغو ارزښتونو د پیاوړتیا په برخه کې کار وکړي. اوسنی پروژه د «غر» په عنوان سره، «د سولې بهیر کې د افغانستان د غیرمسلطه اقلیتونو غړ» دی، چې د اروپایي ټولني له خوا تمویلېږي. د بشري حقونو او د تاوتریخوالي مخنیوي سازمان کابل، غور، بدخشان، جوزجان، ننگرهار، نورستان، بلخ، بامیان او نیمروز ولایتونو کې د خپلو همکاره بنسټونو په مرسته د دغه لارښود کتاب چمتو کولو لپاره د لومړنیو او ثانویه ورکړو د راټولو اقدام کړی دی. دغه کتاب د دوو افغان څېړونکو له خوا چې دې برخه کې تخصص لري، په دقت سره ارزول شوی دی، ترڅو ډاډ حاصل شي، چې پر کلیدي پړاونو جامع بیاکتنه او وروستی محصول دی او د سولې مسایل او ننگونې په کې رانغاړل شوي دي او د سولې متخصصانو او لوبغاړو له خوا د گټورې او د باور وړ منبع په توگه د گټې اخیستو وړ وگرځي.

دغه کتاب د معمولي سولې بهیر کې ښکېلې کلیدي پروسې مرور کوي، کومې ستونزې چې ممکن دغه بهیر ورسره مخامخ شي، څېړي او د افغانانو پوهولو په موخه له نورو هېوادونو چې د سولې ورته بهیر یې تجربه کړی وي درسونه وړاندې کوي. دغه کتاب د داسې وسیلو ټولگه وړاندې کوي، چې اقلیتونه او زیان لیدونکې ډلې وکولی شي ورڅخه د سولې پر بهیر او پایلو یې د اغېزمنتوب او د خپلو دريځونو مخکې وړلو په موخه استفاده وکړي. د کتاب وروستی برخه کې د نورو هېوادونو تجربې او هغه درسونه چې افغانستان وکولی شي ورڅخه یو څه زده کړي، څېړلي دي او هغه یې د هغې کړنلارې په مطابق دسته بندي کړي، چې وړاندې یې غوره کړي دي. اوسنی لارښود کتاب اتو برخونو کې تنظیم شوی دی او د سولې بهیر مختلف اړخونه تر پوښښ لاندې راولي.

دغه کتاب د وخت له پلوه اړیکه لري. طالبانو سره سولې ته د لاسرسي لپاره وروستی هڅو چې د امریکا متحده ایالتونو له خوا ۲۰۱۸ کال کې پیل شوې او د سولې هوکړه لیک چې د ۲۰۲۰ کال فبروري میاشت کې لاسلیک شو، افغانان د یوې سوله ییزې راتلونکې درلودو ته هیله مند کړي دي. تمه کېږي چې بین الافغاني خبرې چې ټاکل شوې نژدې راتلونکې کې پیل شي، د طالبانو او افغان حکومت ترمنځ د سولې د هوکړې لامل شي او دغه هېواد کې د اوږدمهاله جگړې حل و فصل لپاره زمینه برابره کړي. د افغانانو ترمنځ پلان شوي د سولې مذاکرات، یقیناً افغانستان کې یوې تلپاتې سولې ته د لاسرسي لپاره لومړنی هڅه نه ده. د پخوانیو سیاسي هوکړو ناکامي (۱۹۸۹ کال کې د راولپنډۍ هوکړه، ۱۹۹۲ کال کې د پېښور هوکړه، ۱۹۹۳ کال کې د اسلام اباد هوکړه لیک او ۲۰۰۱ کال کې د بڼ هوکړه)



چې د نوموتو څېرو او د بڼکېلو ډلو ترمنځ شوي، اوس هم د زیاتره افغانانو ذهنونو کې تازه موضوع ده. د پخوانیو هوکړو د نه بريالیتوب یو له اصلي لاملونو څخه، دغو بهیرونو کې د اقلیتونو او زیان لیدونکو ډلو نه شمولیت دی.



# ۱) د ټول شموله سولې درک لپاره چوکاټ

## الف) سوله څه ده؟

د انگلیسي مريم وبستر قاموس (لغت نامه) کې د «سولې» کلمه د جگړې نشتون يا د امنيت او ارامه حالت او يا هم له وېرې د پرته حالت درلودل دي، چې د جگړې يا د نښتو نشتون په صورت کې رامنځ ته کېږي.<sup>۱</sup> په تيوريکي بڼه سوله داسې يو وضعيت يا حالت دی، چې خلک په کې وکولای شي له تاوتریخوالي پرته خپلې ستونزې حل کړي او د ژوند د کيفيت بڼه کېدو لپاره خپلو کې سره همکاري وکړي. خلک هغه مهاله سوله کې ژوند کوي چې:

- ټول په امنيت او له وېرې او تاوتریخوالي پرته وخت تېر کړي او قانون يا عمل کې په هېڅ ډول تاوتریخوالی ونه زغمل شي؛
- ټول د قانون پر وړاندې برابر ووسي، عدليه نظام د باور وړ ووسي او عادلانه قوانين او د خلکو اغېزناکه حقوق خوندي وساتي؛
- ټول وکولای شي د سياسي پرېکړو په کولو کې رول ولري او حکومت خلکو ته ځواب ويونکی ووسي؛
- د خوږو، پاکو اوبو، سرپناه، زده کړو، روغتيايي خدمتونو او د ژوند کولو مناسب چاپريال په څېر اساسي اړتياوو ته، چې د ژوند کولو لپاره مهم دي، په عادلانه او برابر ډول لاسرسی ولري؛
- له جنسيت، قوم پالنې، يا د هويت هره بله جنبه چې وي، پرته له هغې د ژوند او کار کولو لپاره برابر فرصت ولري.<sup>۲</sup>

دې سره د سولې تر ټولو ساده او اسانه تعريف دا دی، چې «جگړه نه وي» يانې له جگړې پرته حالت.<sup>۳</sup> څېړونکو دې وروستيو کلونو کې سولې څخه زمونږ درک نور هم پراخ کړی دی. اوس سوله يوازې د جگړې پای په مانا نه ده، بلکې «له عدالت، توازن او برابري څخه برخمنې ټولنه کې د ژوند او مطلوبه ذهني حالت درلودل» په کې شاملېږي، چې د مثبتې سولې په نوم پېژندل کېږي.<sup>۴</sup> اين دغه سوله د داسې وضعيت په توگه پېژندل کېږي، چې په کې شخړې په غوره توگه حل کېږي، اړیکې او ټولنيز نظم ټينگېږي او د ټول جمعيت د اړتياوو پوره کولو لپاره ټولنيز نظامونه رامنځ ته کېږي. دغسې يوه وضعيت کې امنيت، د قانون حاکميت او بشري حقونو حاکميت، تضمين او له عدالت څخه د ډاډ لپاره کافي بنسټونه رامنځ ته کېږي.<sup>۵</sup>

۱. <https://www.merriam-webster.com/thesaurus/peace>

۲. International Alert. "What is Peacebuilding?" Available at: <https://www.international-alert.org/what-we-do/what-is-peacebuilding>

۳. Galtung, J. and Dietrich F. «Positive and negative peace.» In Johan Galtung, pp. 173-178. Springer, Berlin, Heidelberg, 2013.

۴. Barash, D.P. and Webel, C.P., 2008. "Peace and conflict studies". Sage.

۵. Anderson, R. «A definition of peace.» Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology" 10, no. 2 (2004): 101.

سولې څخه دغه درک غالباً «تلیپاتي» سوله بلل کیږي، چې د ملگرو ملتونو د امنیت شورا ۲۲۸۲ پرېکړه لیک کې داسې تعریف شوې ده:

«له یوې ټولني څخه د مشترکه لیدلوري د رامنځ ته کولو هدف، تلیپاتي سوله او داسې یوه پروسه ده، چې له طریقه یې ډاډ ترلاسه کیږي چې د ټولني د ټولو برخو اړتیاووې په پام کې ونیول شي او (تلیپاتي سوله) کې هغه فعالیتونه رانغاړل کیږي، چې د شخړې، پیل، زیاتېدو، دوام او بیرته راتلو مخنیوي په موخه، د شخړې پر اصلي لامل د بحث کولو، د خصومتونو پایته رسولو لپاره د نورو خواوو مرستې، له ملي مصالحې څخه د ډاډ او د ښه والي، بیارغونې او پرمختیا په لوري د حرکت پیلولو لپاره ترسره کیږي.»<sup>۱</sup> د افغانستان د سولې په برخه کې، تحلیل ونکو او د حکومت چارواکو د سولې بهیر کې ټولو خواوو ته په پام، د تاوتریخوالي له کموالي څخه نیولې، تر اوربند، مذاکراتو، او نورو مواردو، همدارنگه د سولې بهیر کې له ټولو محلي، ملي، سیمه ییزو او نړیوالو کلیدي گټه کونکو څخه استازولې او گډون، په خاصه توگه له هوکړې وروسته بهیر کې د گاونډیو هېوادونو مشارکت پورې، د تلیپاتي سولې پر اهمیت ټینگار کړی دی. دغه بحث کې د پخوانیو جنگیالیو مجدد ادغام، د سیاسي نظام اصلاح کولو او د ټاکنو ترسره کولو په څېر هغه اړخونه او حل و فصل چې د سولې له هوکړې وروسته مطرح دي، شاملیږي. تلیپاتي سولې ته د رسېدو لپاره د زیان لیدونکو ډلو او اقلیتونو په ځانگړې توگه د ښځو مشارکت مهم دی.

## ب) د سولې بهیر څه دی؟

د امریکا متحده ایالتونو د سولې انستیتیوت (USIP) د سولې بهیر دغسې تعریف کړی دی: «څو پړاويزې هڅې دي، چې په کې گټه کونکي په خاصه توگه د شخړې وسله والې او غیري وسله والې خواوې، د وسله والې جگړې پایته رسولو او د یوې سیاسي اقتصادي، امنیتي او پایداره ارضي هوکړې طرحه کولو په موخه گډون لري. دغه بهیر کې د هېواد راتلونکې لارې په اړه د وسله والو ډلو ترمنځ په لوړه کچه خبرې او همدارنگه د خبرواترو لپاره متنوع بسترونه او د پراخې اجماع پیاوړتیا لپاره د خلکو گډون، شاملیږي.»<sup>۲</sup> په ساده عبارت، د سولې بهیر کې د باور رامنځ ته کولو، منځگړیتوب او مذاکراتو پورې ټول هغه اقدامات، چې د تاوتریخوالي درولو لامل کیږي او همداراز لا زیاتې هڅې چې مثبتې سوله ټینگه کړي، راوستل کیږي. دې برخه کې د یوه غوره او کلیدي غیردولتي نړیوال برهښ بنسټ (Berghof Foundation)، په خبره، چې اوس مهال د افغانستان په سوله کار کوي، د سولې بهیر کې ممکن رسمي او غیررسمي میکانیزمونه شامل ووسي او په یوه اوږده دوره کې زیاتره لوبغاړي ځان ته را جذب کړي.

۱. United Nations Security Council Resolution 2282, "Review of United Nations Peacebuilding Architecture", S/RES/2282 (2016).

۲. Schirch, R. "Designing a Comprehensive Peace for Afghanistan." United States Institute of Peace. Peaceworks No. 75. (2011)

## ج) ټول شموله سوله څه ده؟

ټول شموله سوله په دې مانا ده، چې د سولې بهير کې گډون پراخ ووسي او ټولې وسله والې ډلې، له شخړې څخه متاثره خلک په ځانگړې توگه بنسټي، د جگړې قربانيان، بېلا بېلې قومي ډلې، مدني ټولنه، سوداگريزې ټولنې، مذهبي مشران، خلک او سوله کې نور ډېر گټه کونکي او د سولې هوکړه لیک تطبیق په کې شامل ووسي. د ټول شموله سولې بهير کې د ټولني اړتياوې، لېوالتياوې او د ټولو ډلو، په ځانگړې توگه د څنگ ته کړل شوو ډلو تجربې، د سولې هوکړه لیک په چمتو کولو کې برابرېږي. دغه امر په خپل وار سره د سولې بهير په دې برلاسی کوي، ترڅو د نښتو لامل مشخص او حل ته يې مخه کړي او د دې لپاره چې راتلونکي بنسټونه ټول شموله ووسي، ورته د لارې نقشه ترسیم کوي، ترڅو له نابرابريو او محرومیت څخه چې کولی شي تاوتریخوالي ته د ور گرځېدو لامل شي، مخنیوی وکړي.<sup>۱</sup> د ملگرو ملتونو سازمان په خبره «د (سولې) بهير ټول شموله توب د شخړې ښکېلو خواوو او نورو گټه کونکو له نظرونو او مطالباتو څخه د استازیتوب په کچې او څرنگوالي او د سولې بهير کې ورته پام نیولو او د منځگړیتوب پایلې پورې اړوندیږي.»<sup>۲</sup> څېړنې ښيي چې د سولې ټول شموله بهيرونه د تامینې شوې سولې د لا زیات دوام او له تاوتریخوالي ډکې شخړې ته د ورگرځېدو خطر د کموالي لامل کیږي.<sup>۳</sup> د سولې بهير کې پراخ گډون په دې مانا دی، چې زیات خلک له دغه بهير او محتوا څخه يې پوهاوی ترلاسه کوي. دغه گډون ډاډ ورکوي چې د سولې بهير کې د ټولو گټه کونکو غږ اورېدل شوی دی او د سولې وروستی هوکړې کې د هغوی گټو ته پام وشي. د سولې ټول شموله مذاکرات به د ټولو گټه کونکو لپاره د منلو وړ هوکړو لامل شي. پایله کې دغه امر تضمین کوي چې هوکړې سره مخالفت ډېره ټیټه سطحه کې وي او د هوکړې تطبیق لپاره همغږي چې په غوڅ ډول د تلپاتې سولې پیاوړتیا سره مرسته کوي، زیاته شي.<sup>۴</sup>

## د) د سولې یوه بهير کې د گډون بېلا بېلې سطحې څه دي؟

د سولې بهير کې گډون دريو سطحو کې کیږي، چې عبارت دي له:

- رسمي سطح، چې د «لومړۍ لارې ډیپلوماسۍ» په توگه هم پېژندل کیږي، د شخړې ښکېلو ډیپلوماټیکو استازو ترمنځ د رسمي اړیکو ټینګولو ته ویل کیږي، چې بلاخره د سولې د رسمي

۱. Paffenholz, T. and Ross, N., 2015. Inclusive Peace Processes—An Introduction. Development Dialogue, 63(Part 1), pp.28-37.

۲. UN, 2012. The United Nations Guidance for Effective Mediation.

۳. Nilsson, D., 2012. Anchoring the peace: Civil society actors in peace accords and durable peace. International Interactions, 38(2), pp.243-266.

۴. Paffenholz, T. and Ross, N., Preventing violence through inclusion: from building political momentum to sustaining peace, Inclusive Peace & Transition Initiative (IPTI), November 2017.

مذاکراتو او د سولې هوکړې د لاسلیک لامل کیږي.

• رسمي ورته سطح، چې د «یوې نیمې لارې ډیپلوماسۍ» په توګه هم پېژندل کیږي، داسې یو مشارکت دی، چې په کې کسان او ډلې د نښتو د ښکېلو خواوو پیغامونه تبادله کوي او د خبرو مېز ته د هغوی راوستو لپاره منځګړیتوب کوي. خو دغه کسان د سولې هوکړې شرایطو په اړه د مخامخ خبرو لپاره هېڅ ډول رسمي مقام او صلاحیت نه لري.

• عمومي سطح: د بهیرونو څرنگوالي پورې تړلې، د سولې زیاتره مذاکراتو د بهیر یوه برخه کې خصوصیت لرونکې ډلې خلکو سره د مشورې او مشارکت اقدام کوي، دغه سطح مشارکت څخه چې «د دویمې لارې ډیپلوماسۍ» په توګه هم پېژندل کیږي، په مکمل ډول د «لومړۍ لارې» په هڅو عمل کوي او د پوهاوي او ښوونې له لارې د ټولني، ترمنځ خبرو، د ښکېلو خواوو ترمنځ باور جوړولو، د خلکو د اړتیاوو مشخصولو او حل کولو او د سولې فرهنگ ترویج ته زمینه برابروي. د مدني ټولني لوبغاړي، د ټولني مشران او مذهبي رهبران او نور بانفوذ کسان، دې سطح کې ډېر مهم رول لوبوي. دا د مشارکت تر ټولو مناسبه برخه ده، چې له لارې یې اقلیتونه او زیان لیدونکي ډلې کولی شي، په ډېره ښه توګه بهیر ته ور ودانګي او پرې اغېز وکړي.

د سولې یو معمولي بهیر کې د تعامل درې واړه سطحې شاملېږي، ترڅو ډاډ ترلاسه شي، چې پروسه د ټولو خواوو لپاره د منلو وړ او پایله کې تلپاتې ده. دغو سطحو کې تعامل تر ډېره د تسلسل په مسلې پورې دی یا اړوندیږي، چې د سولې یو اصلي اړخ دی او د شخړې ماهیت پورې اړه لري، د ګټه کونکو (دینفعان) ډولونه، او د تعامل سطحه توپیر کوي. کولمبیا کې مذاکرات په رسمي سطحه پیل شول، خو ډېر ژر یې ټولې خواوې تر پوښښ لاندې راوستې او د یوې ټول پوښتنې لامل شو، چې اکثریت خلکو هغه رد کړل.

افغانستان کې داسې ښکاري چې د سولې روانې خبرې به احتمالاً د ټولو سطحو د مشارکت لامل شي، چې تصور کیږي تضمین وکړي چې اقلیتونه او زیان لیدونکي ډلې که رسمي سطحه کې نه وي، کم له کمه د مدني ټولني او ولسي سطحه کې د سولې پر بهیر د اغېز کولو لپاره فضا ولري؛ که څه هم ځینې وخت د افغانستان د سولې بهیر ته د متحده ایالتونو د اجنډا او د بهرنیو فشارونو په اساس لوری ورکړل شوی او لومړیو کې د افغانستان حکومت څنګ ته کړل شوی وو. احتمالاً بین الافغاني خبرې به درې والو سطحو کې تعامل روالي.

تر دې وړاندې ۲۰۱۸ کال کې د سولې مشورتي لویې جرګې د افغانستان ولایتونو څخه کابل کې سلګونه استازي راټول کړل، ترڅو خپلې سرې کرښې مشخصې او د راتلونکو مذاکراتو لپاره چوکاټ برابر کړي، چې هغه کې زیاترو احساس وکړ، چې غږ یې اورېدل شوی دی.

د نړيوالو هېوادونو، غيردولتي سازمانونو او د طالبانو ترمنځ د کړيو، د افغان چارواکو او د دغه هېواد د مدني ټولني له خوا «دويمې لارې ډيپلوماسۍ» خو ځلې هڅې شوي دي. وروستۍ ځل يې د امريکا متحده ايالتونو د سولې انستيتيوت له خوا ناروې کې ترسره شو. د دويمې لارې د ډيپلوماسۍ له دغو هڅو څخه موخه، د خواوو ترمنځ باور جوړول او راتلونکو رسمي مذاکراتو کې پر هغوی د غلبې لپاره د مرستې په موخه د مخالفو ډلو د دريځونو پېژندل دي.

## ۲) د سولې بهير بېلا بېل پړاوونه

په عموم ډول د يوې سولې معمولي بهير کې د فعاليتونو پراخ موارد شاملېږي. د يوې معمولي سولې بهير کې دوه پړاوونه شاملېږي: (۱) د مذاکراتو اوږدو کې پروسې او (۲) د دولت جوړولو او ملت جوړولو يوې برخې په توگه د منځمهاله او اوږدمهاله موخو په درلودو، د متخاصم ډلو ترمنځ هوکړې ته تر رسېدو وروسته بهيرونه.<sup>۱</sup>

## الف) د سولې خبرواترو پړاو

پړاو لومړی هغه هڅې رانغاړي چې لامل کيږي خواووې سره راټولې شي او د خصومتونو پایته رسولو لپاره د لومړنيو شرايطو په اړه خبرې وکړي او د سولې هوکړې له لارې يوه اوربند ته لاسرسی پيدا کړي. د دغه پړاو موخه د تاوتریخوالي درولو لپاره د ښکېلو خواوو ترمنځ هوکړې ته لاسرسی او د داسې بنسټونو رامنځ ته کولو لپاره هڅې دي، چې يوې ټولنه کې د سولې تلپاتې والی تضمینوي. باور جوړول، د مذاکراتو تسهيل، د سولې پر سر خبرې او بلاخره د سولې هوکړې لاسلیک، د لومړي پړاو هڅو کې شاملېږي.

- باور جوړول / «د دويمې لارې» او «لومړۍ لار ډيپلوماسي» / د زندانيانو تبادله
- مذاکرات (لاندې پرې بحث کيږي)
- د سولې هوکړې لاسلیک کول

## باور جوړول

باور جوړول، د ښکېلو خواوو ترمنځ د حسن نیت رامنځ ته کولو په موخه اقدامات دي. په عموم ډول د تاوتریخوالي کمولو په موخه د سولې د خبرو له پیل، د ښکېلو خواوو ترمنځ د باور له رامنځ ته کولو او د سولې خبرو لپاره د لارې له هوارولو وړاندې، باور جوړول ترسره کيږي. دغو اقداماتو کې کېدی

۱. Burgess, H. "Peace Process". Beyond Intractability. 2004. Available at:

[https://www.beyondintractability.org/essay/peace\\_processes](https://www.beyondintractability.org/essay/peace_processes)

شي، د نظامي اطلاعاتو تبادلي، د تاوتريخوالي کمولو، د اوربند ټينګولو يا په امن ډول د تګ راتګ لپاره د زمينې رامنځ ته کولو او زندانيانو تبادلي پر سر هوکړه شامله ووسي. همداراز باور جوړولو کې دواړو بنسټېلې خواوو کې د مېشتو ټولو ترمنځ د اعتماد رامنځ ته کولو په موخه د بېلا بېلو غيردولتي لوبغاړو له خوا هڅې شاملېږي. د رسنيزو فعاليتونو په لاره اچول، د موسيقي جشنوارې او بشر دوستانه مرستو په څېر د فرهنگي پروگرامونو ترسره کول کېدی شي، له دغو هڅو څخه وي. د افغانستان په اړه، د بين الافغاني خبرو له پيل وړاندې د طالبانو او د حکومت د زندانيانو تبادلي، د باور جوړولو (بهير) په توګه عمل کې دی.

### د سولې خبرې

د سولې خبرې د رسمي خبرو يوه لړۍ ده، چې د تاوتريخوالي پایته رسولو او د نوي سياسي او اجتماعي نظام رامنځ ته کولو لپاره هوکړې ته د رسېدو په موخه د بنسټېلې خواوو ترمنځ ترسره کېږي. د سولې رسمي خبرې معمولاً د منځګړيتوب کونکو او درېم شخص له خوا، چې د خبرو لپاره د يوه لوري لېوالتيا بل لوري ته لېږدوي او تر هغې وروسته د بنسټېلې خواوو ترمنځ يو لړ پټې خبرې کېږي، د سولې له خبرو د وړاندې هڅو پړاو له بشپړولو وروسته، پيلېږي. د دغه پړاو اصلي موخه د سولې بهير ته د خواوو له ژمنو څخه د ډاډ ترلاسه کول دي. کوم مسايل چې دغه پړاو کې پرې بحث کېږي، تدارکات، د مذاکراتو د ځای ټاکل، د خواوو د امنيت تامين، د گډون کونکو مشخصول، د زماني چوکاټ تعيين، د منځګړو او د هغوی د رول او مسووليت ټاکل، د وېرې کمول او د زندانيانو خوشې کولو او د مذاکرې موضوعاتو پر سر د هوکړې په څېر د پخلاينې اقداماتو له لارې باور جوړول، شاملېږي.

د بنسټېلې خواوو ترمنځ د رسمي خبرو په پيل سره، هغوی په بنسټېلې حل و فصل لپاره چمتوالی او ژمنه کوي. خبرې دواړو خواوو سره مرسته کوي، ترڅو د تاوتريخوالي پایته رسولو لپاره د اصلي مسايلو په اړه بحث او خبرې وکړي. گډو مسايلو کې د اوربند په اړه هوکړه، د واک شريکولو اړوند مسايل او حکومتوالي، بشري حقونه، ملکي کول، عدالت او ټولنيز-اقتصادي اصلاحات شاملېږي. داسې حال کې چې يوه محدوده مذاکره ممکن په امنيت پورې په تړلو مسايلو او د واک پر وېشلو متمرکزه وي او خواووې د پر نورو موضوعاتو پر سر بحث له هوکړې وروسته خبرو ته موکول کېږي، يوه جامع اجنډا ممکن د سولې مذاکراتو په چوکاټ کې ټولنيز او اقتصادي سمونې تر پوښښ لاندې راولي.

د سولې خبرې هم «د لومړۍ لارې ډيپلوماسي» او هم د «دويمې لارې ډيپلوماسي» رانغاړي او کولی شي، داسې يوه کړنلاره غوره کړي، چې څو لارې لري. د سولې بهير کې د مدني ټولني مشارکت د سولې مذاکراتو کې د مخامخ حضور او يا د خپلواکو غونډو جوړولو په څېر د ترتيباتو له لارې، د سولې خبرو



لپاره څوموڅیزې کړنلارې بلل کیږي. د مثال په توګه، د ګواتیمالا هېواد د سولې بهیر کې د دغه هېواد د مدني ټولنې مجمع موظف شوه، چې د سولې رسمي مذاکراتو کې د بحث وړ اصلي مسایلو په برخه کې توصیه وړاندې کړي.

### د سولې هوکړه لیک

د سولې بريالي مذاکرات د سولې د هوکړه لیک لاسلیک کولو لامل کیږي. د سولې هوکړه لیک کې داسې مسایل راټولېږي، چې ښکېلې خواوې د تاوتریخوالي پایته رسولو لپاره پرې هوکړه کړې ده. دا کېدی شي (۱) داسې یو هوکړه لیک ووسي، چې د اساسي مسایلو په اړه د راتلونکو مذاکراتو اصول او اجنډا بیانوي، یا (۲) یو جامع هوکړه لیک ووسي، چې یوې هوکړه کې ټول اساسي موضوعات تر پوښښ لاندې راولي. امنیتي ضمانتونو، جوړښت کې بدلونونو او بې عدالتیو ته د پام کولو په هدف چې لومړیو وختونو کې د نښتو زیاتېدو لامل شوي، د واک شریکولو ترتیبات، له هغو اساسي موضوعاتو دي، چې یا خو د سولې یوې جامع هوکړه لیک کې تصریح کیږي، یا په اړه یې راتلونکو مذاکراتو کې چې د هوکړه لیک د چوکاټ پایله ده، تر بحث لاندې راوستل کیږي. د دې ترڅنګ د سولې هوکړې کې د زماني جدول او نظارتي میکانیزمونو په څېر اجرائي مقررات هم شاملېږي.

### ب) له سولې وروسته حل و فصل

د سولې هوکړې له لاسلیک وروسته، سم دلاسه د لېږد پړاو پیلېږي، چې د سولې هوکړه لیک تطبیق او د انتقالي دولت جوړول، چې تر ډېره د ټولنیزو، سیاسي، اقتصادي او امنیتي بنسټونو اصلاح کولو او د ټولنیزې او سیاسي مصالحې او د یوه مشروع حکومت جوړولو لپاره د ټاکنو ترسره کولو په لټه کې وي، په کې شاملېږي. دغه پړاو کې د واک وېشلو، د اساسي قانون اصلاح، بې وسلې کولو، ملکي کولو او د پخوانیو جنګیالیو مجدد ادغام او ټاکنو لپاره په نویو ترتیباتو سره د نوي سیاسي نظام جوړولو لپاره هڅې په کې رانغاړل کیږي. په عموم ډول د دغو هڅو موخه د شخړې د اصلي لامل له منځه وړل او تاوتریخوالیو او نښتو څخه د خواوو لرې کول، سیاسي او اقتصادي مشارکت، د سوله ییزو اړیکو ټینګول او ټولنه کې یو د بل منلو خوا ته د لوري ورکول دي.<sup>۱</sup>

- مؤقت یا انتقالي دولت
- د اساسي قانون اصلاح

۱. Ball, N. 2001. The challenge of rebuilding war-torn societies. Turbulent peace: The challenges of managing international conflict, pp.719-736.

- بېوسلې کول، ملکي کول او توان بڼل او د پخوانيو جنگياليو مجدد ادغام (DDR)
- ټاکنې

## مؤقت يا انتقالي دولت

د وزارت خونو په څېر د توافق شويو څوکیو وېشلو پر اساس د مؤقت دولت جوړول کېدی شي، د سولې په هوکړه لیک کې وړاندوینه او تصریح وشي. د لېږد بهیر تسهیل، بنسټونو کې د اصلاحاتو راوستو او د ټاکنو لپاره د چمتوالي په موخه مؤقت دولت رامنځ ته کېږي. د بڼ له هوکړې وروسته د حامد کرزي په مشرۍ چې همدغه کنفرانس کې د مؤقت دولت مشر په توګه غوره شوی وو، یو شپږ میاشتني مؤقت دولت رامنځ ته شو. د مؤقت ادارې دنده شپږو میاشتو کې د بېړنۍ لویې جرګې ترسره کول وو، چې ۲۰۰۲ کال کې د یوه شپږ میاشتني انتقالي حکومت جوړولو لامل شو. د دغه انتقالي حکومت دنده د لویې جرګې ترسره کول وو، چې په کې د ټول هېواد په کچه د خلکو استازي کابل کې راغونډ شول، ترڅو د انتقالي دولت مشر غوره کړي. د دغې دورې ټولیزه موخه د شخړې پر اصلي علت بحث کول او له تاوتریخوالي او مخامخ کېدو څخه د نښتو د ښکېلو خواوو لږې کول او د سیاسي، اقتصادي مشارکت خوا ته لوری ورکول، د سوله ییزو اړیکو ټینګول او ټولنه کې یو د بل منل دي.

## د اساسي قانون اصلاح

ټولو هغو فعالیتونو کې چې له سولې وروسته د حل و فصل پرمهال ترسره کېږي، د سولې ټینګښت او دولت جوړولو لپاره پرلپسې ابتکارات په کې شاملېږي. د اساسي قانون او د دولتي بنسټونو اصلاح او د دیموکراتیک حکومت جوړولو لپاره د ټاکنو ترسره کول، له هغو مهمو مسایلو څخه دي، چې د سولې هوکړه لیک کې مشخص کېږي او له سولې وروسته حل و فصل کې عملي کېږي. میکانیزمونه جوړجاړي او د دغو فعالیتونو زماني چوکاټ د سولې هوکړه لیک کې مشخص کېږي. د دې ترڅنګ، له سولې وروسته د حل و فصل لپاره بېوسلې کول، د پخوانيو جنگياليو ملکي کول او ټولنه کې د هغوی ادغام ډېر مهم دی.

## بېوسلې کول، ملکي کول او مجدد ادغام (DDR)

د بېوسلې کولو، ملکي کولو او د ملګرو ملتونو د توان بڼلو منابعو مرکز په خبره، د ډي ډي اې آر موخه «له شخړې وروسته سیمو کې امنیت او ثبات سره مرسته کول دي، ترڅو د ښه والي او پرمختیا بهیر پیل شي.» د ډي ډي اې آر پروسه باید د پخوانيو جنگياليو بېوسلې کولو او نظامي جوړښتونو څخه د هغوی بېلولو له لارې د دغو کسانو ملکي کولو او ټولنه کې د هغوی مجدد ادغام سره مرسته وکړي او خلکو سره

همکاري وکړي، چې د سولې بهير کې فعاله ونډه ولري.

بې وسلې کول له جنگياليو څخه د وسلو، مهماتو، چاودېدونکو توکو او د درنو او سپکو وسلو راټولولو، ثبت، کنټرول او اخیستو ته ويل کيږي. دې پروسه کې د وسلو مدیریت (د مثال په توگه د ایمن ذخیرې لپاره پروگرامونه یا د تسلیحاتو له منځه وړل) او د ماین پاکولو پروگرامونو طرحه کول او پیلول شاملیږي. ملکي کول یا د بسیج رفع داسې یوه پروسه ده چې له لارې یې بېلا بېلې وسله والې ډلې ژمنه کوي، چې خپل نظامي جوړښت او سازمان منحل کوي او د «جنگيالي» حالت څخه «ملکي» حالت ته بدلون کوي. دغه بهير کې ترډېره د پخوانیو جنگيالیو او د هغوی کورنیو لپاره د بدیل معیشتي وسیلو وړاندې کولو پروگرام شاملیږي، چې د دغو پروگرامونو له لارې هغوی د خوړو، جامو، سرپناه، روغتیايي خدمتونو، ښوونې او روزنې او کاري زمینو په څېر خپلو لوموړنیو اړتیاوو تامین لپاره مرستې ترلاسه کوي او د لنډمهاله رواني توان بښلو پروگرامونو څخه برخمن کيږي.

مجدد ادغام یو اوږد ټولنیز او اقتصادي بهير دی، چې مشخص زماني چوکاټ نه لري او موخه یې ټولنه کې په داسې بڼه د پخوانیو جنگيالیو د جذب تسهیل دی، چې هغوی او کورنیو سره یې مرسته وکړي، خو ټولنو کې چې د هغوی منلو ته آماده نه دي، د هغو غیرنظامي ژوند سره جوړجاړی وکړي.

### ټاکنې

ټاکنې جگړې څخه سولې ته د ورتلو وروستي پروگرام دی، چې له لارې یې بېلا بېلې ډلې خلکو ته د خپلو اجنډاوو په وړاندې کولو سره، یوه ډیموکراتیک بهير کې سیالی ته وردانگي. ټاکنې د لېږد بهير غښتلتیا لپاره مشروعیت وربښي. افغانستان کې او د بڼ ل هوکړه لیک وروسته، انتقالي دولت د ۲۰۰۴ کال ولسمشرۍ ټاکنو لپاره لاره پرانیسته او دغو ټاکنو گټونکي نوماند ته د مشروعیت اړینه لاره برابره کړه، ترڅو وکولی شي، خپل دولت جوړ کړي.

تاوتریخوالي ته د بیا ورگرځېدو مخنیوي لپاره، ټولې دغه انتقالي هڅې باید د جوړو شویو بنسټونو پیاوړتیا، د اصلاحاتو بهير غښتلتیا، د اقتصادي پرمختیا خوا ته د حرکت کولو او د ټولنیزو پېښو پیاوړتیا له لارې، تر پخوا لا زیات پیاوړې شي.

### ۳) د سولې بهير لوبغاړي

په ټولیزه توگه ټول وسله وال لوبغاړي باید د نښتو ښکېلو خواوو ترڅنګ د سولې مذاکراتو کې شامل شي. د دې ترڅنګ ټول هغه کسان چې شخړې څخه متاثره شوي او کوم کسان چې هوکړې څخه به متاثره شي، باید د سولې بهير او مذاکراتو کې یې استازیتوب وشي.

مدني ټولنه تر ټولو مهم لوبغاړی دی، چې باید د سولې بهیر ټولو پړاوونو کې مشارکت ولري. مدني ټولنې کې د ټولو او رضاکاره ډلو لویه برخه شاملېږي، چې د ټولو ترمنځ گډو ارزښتونو او موخو ته د رسېدو لپاره په ډله‌ییزه توګه کار کوي. مدني ټولنه کې ټول غیردولتي سازمانونه، ټولنې، غیررسمي محلي شوراګانې، ولسي شبکې چې د عدالت او یا د ځینو ارزښتونو ترویج او د ځانګړو ډلو د اړتیاوو لپاره رامنځ ته شوي، د کارګرانو ټولنو په څېر مذهبي او حرفه‌يي ټولنې په کې شاملېږي. هر انجمن یا ولسي شورا چې د خلکو د یوې خاصې ډلې د گټو لوړولو لپاره جوړه شوې، مدني ټولنه بلل کېږي، د مثال په توګه د اقلیت ډلو شوراګانې د مدني ټولنې یوه برخه شمېرل کېږي.

اقلیتونه او زیان لیدونکې ډلې مهم لوبغاړي دي، چې کولی شي سیاستونو او بهیرونو ته لوری ورکړي او د خپلو گټو لپاره غږ پورته کړي. د سولې بهیر کې د هغوی مشارکت کولی شي د محرومیت او بې‌عدالیتو ډول څخه چې لومړیو وختونو کې د شخړې لامل شوي، د جامع درک رامنځ ته کولو کې مرسته وکړي. هغو هېوادونو کې چې شخړه په کې تر ډېره قومي اختلافاتو کې رېښه لري، اقلیت قومي ډلې د تاوتریخوالي کمو وسيلو ته د لاسرسۍ په دلیل، تل څنګ ته کړل کېږي او د شخړې قرباني شي. د یوې ټول‌شموله سولې بهیر د هغوی د غږ اورېدو او د هغوی اړتیاوو ته د لاسرسۍ امکان برابروي. همدا ډول ټول‌شموله بهیر به د دغو ډلو لپاره بستر برابر کړي، چې وکولی شي پرې په تکیه کولو سره، د خپلو ټولنو لپاره د یوې سوله‌ییزې راتلونکې جوړولو کې برخه واخلي. د سولې بهیر کې د اقلیت ډلو له گډون پرته به دغه پروسه ونه شي کولی، چې د شخړې په اصلي علت بحث وکړي او په ډېر احتمال سره له تاوتریخوالي د بلې ډکې شخړې رامنځ ته کېدو لامل به شي.

د یادونې وړ ده، کوم کسان چې د سولې یوه بهیر کې بېلا بېلو گټه‌کونکو څخه استازیتوب کوي، باید د دغو ډلو مشروع استازي ووېشي. دغو استازو باید د گټه‌کونکو ډلو له دننه څخه د سولې بهیر ته ور دانگلي وي او د خپلو ډلو د تایید وړ ووېشي. دغه امر کېدی شي د بینا سکتوري ټاکنو یا نورو تگلارو له لارې د ټولو خواوو د تایید په اخیستو ترلاسه شي. د سنتي مشرانو، وتلو څېرو یا د نښتو د یوه اصلي لوري په واسطه د استازو د مخامخ ټاکنو له لارې، مدني ټولنو او نورو گټه‌کونکو (ذینفعانو) څخه تش په نوم استازیتوب، د دغه بهیر مشروعیت کمزوری کوي او نسبت د سولې بهیر ته به د خلکو مخالفت زیات کړي او لایزیت محرومیت به رامنځ ته کړي. دغه کار به د هوکړه‌لیک مشروعیت ته هم زیان ورسوي او لامل به شي چې با نفوذه ډلې د سولې له هڅو ملاتړ ونه کړي. د دې ترڅنګ، هغه ابتکارات چې د خبرو مېز کې له مخامخ استازیتوب پرته د کړنلارو له طریق د پروسې ټول‌شمولیت څخه د ډاډ ترلاسه کولو په موخه تر لاس لاندې نیول کېږي، باید په پام کې ولري چې د نظر وړ ټولنې هره برخه باید دغه بهیر کې ونډه ولري.

همداراز، يوې تليپاتي سولې ته د رسېدو لپاره، چې په کې تاوتريخوالي ته بيرته ورگرځېدل لري خبره وي، د ټولني په سطحه د شخړې حل و فصل لپاره بايد لا زيات کارونه ترسره شي، چې د ټولو گټه کونکو (دينفعانو) په ځانگړې توگه د بنکېلو خواوو، مدني ټولني، محلي شوراگانو او د مذهبي مشرانو همغږه کونکو هڅو ته اړتيا لري. دغه امر د خبرو مېز کې د ټولني له ټولو ډلو څخه واقعي استازيتوب ته اړتيا لري، چې د سولې هوکړې چمتو کولو او لاسليک کولو لامل شي. د افغانستان د سولې بهير کې اصلي لوبغاړي کېدی شي په ملي، محلي او نړيوالو لوبغاړو ووېشو. په ملي سطحه د سولې بهير بريا او مشروعيت لپاره د لاندې لوبغاړو او ډلو گډون حياتي دی.

### الف) د ملي سطحې لوبغاړي

- حکومت
- پارلمان
- سياسي گوندونه
- د مدني ټولني
- مذهبي سازمانونه
- د کارگرانو ټولنو، حرفه يي ټولنو او د اقليت ډلو په څېر ځانگړې گډې گټې لرونکې ډلې
- د بنځو سازمانونه
- د بشري حقونو، مرسته رسولو، د پرمختيا يا سولې غيردولتي سازمانونه
- څېړونکي او څېړنيز بنسټونه
- قومي ډلې
- ټولنيز او سياسي غورځنگونه
- د ځوانانو شبکې

### ب) د ولايتي سطحې لوبغاړي

- د محلي حکومت ادارې
- ولايتي شوراگانې
- د ولايتي قدرت دلالتان
- مدني ټولنه
- قومي مشران
- نور

### ج) د ټولني سطحې لوبغاړي

- شوراگانې
- قبيله اي مشران
- مذهبي مشران
- د ښځو ډلې
- قربانۍ ډلې
- غيردولتي سازمانونه

## ۴) د سولې بهير کې د غږ پورته کولو وسيلې

د سولې پروسې پېچلې او ډېر وخت نيونکې دي. دغه بهير په ځانگړې توگه د خبرو مېز کې د زيات شمېر ښکېلو گټه کونکو (ذيفعانو) مشارکت کولی شي، تر پخوا زيات د سولې بهير پېچلی کړي. د اصلي لورو يا د ملگرو ملتونو په څېر د بهرنيو منځگرو له خوا د شخړې د غيراصلي خواوو د لوبغاړو شاملول کېدی شي تضمين شي، خو تل دا ډول نه وي. ځينو مواردو کې د شخړې اصلي خواووې پرېکړه نيسي، نورې خواووې د خبرو مېز څخه محرومي کړي او د اساسي موضوعاتو په اړه خپلو کې خبرې وکړي. له دې کبله مدني ټولنه او نور اړوند لوبغاړي چې د سولې پر بهير د اغېز کولو په لټه کې دي، بايد د خبرو په اجندا او د سولې هوکړې کې د خپلو مطالباتو ځای پر ځای کولو لپاره د غږ اوچتولو بېلا بېلو کړنلارو او وسيلو څخه گټه واخلي.

څنگ ته کړل شوې ډلې او اقليت کولی شي د سولې پر بهير د تاثير کولو په موخه لاندې کړنلارو او وسيلو څخه استفاده وکړي او د شخړې اصلي خواووې لېواله کړي، ترڅو د هغوی غوښتنې په رسميت وپېژني. غږ اوچتولو کې د فعاليتونو پراخه بڼه شاملېږي، چې د يوه کس يا يوه سازمان له خوا د يوه کس يا يوې ډلې په استازيتوب، د مسلې يا مسايلو په اړه کيږي. د غږ اوچتولو موخه يوه کس يا ډلې ته د پيغام رسول دي، چې د پروسې پايله کې د بدلون لپاره د دريځ يا گټو پر پياوړي کولو يا پر يوې پرېکړې د تاثير کولو په موخه پورته کيږي. په مشخصه توگه، اقليتونه او زيان ليدونکې ډلې په ځانگړې توگه ښځې کولی شي، پر پروسو او پر خپله گټه د هغو پر پايلو د تاثير کولو لپاره لاندې وسيلو څخه استفاده وکړي.

## د عمومي خبرواترو رامنځ ته کول

اقلیتونه کولی شي خبري رسنيو کې د مقالو په ليکلو سره، د سولې په تړاو مسايلو په اړه خپل پيغام او دريځ پياوړی کړي. دغه کار هغوی سره مرسته کوي، چې د سولې په تړاو بحث او خبرواترو ته زمينه

برابره کړي. تېر کال نوموتو افغان ښاري څېرو د سولې بهير کې د ښځو گډون په برخه کې د خپلو سرو کرښو په اړه يوه ستر نړيوال خبري اژانس کې ته مقالې وليکلې، چې واشنگټن ډي سي او نورو لويديځو هېوادونو کې يې ډېر بحثونه راپورته کړل. يوه بله هڅه کې افغان ښځو د متحده ايالتونو ځينو ښارونو څخه ليدنه وکړه او د طالبانو او متحده ايالتونو د سولې مذاکراتو په اړه يې د خپلو اندېښنو وړاندې کولو لپاره د دغه هېواد چارواکو او سناتورانو سره ليدنه کاته وکړل. ځينې نور بيا د افغانستان رسنيو کې راڅرگند شول او دريځونه يې غوره کړل.

## بسيچ

اقلیتونه کولی شي د سولې مذاکراتو څخه د پوهاوي زیاتولو او ملاتړ په برخه کې د خپلې ټولنې خلک سره یو موټي کړي. هغوی کولی شي هېواد دننه او بهر کې سوله ییز لاریونه په لاره واچوي او د سولې پروسې په اړه خپلې وېرې او اندېښنې وړاندې کړي یا دريځ غوره کړي. افغانستان کې تېرو دريو کلونو کې زیان لیدونکي ډلې په بریا سره سرکونو ته راوتي، ترڅو حکومت او چارواکي ځواب ویونکي وساتي او ان حکومت اړ کړي چې خپل غوره کړي دريځ څخه شاته شي. د روښنایي غورځنګ یو له هغو وو.

## د ائتلاف او پیاوړو ولسي ملاتړ ستونزمن ته کول

اقلیتونه او څنګ ته کړل شوې ډلې کولی شي د مدني ټولنې لوبغاړو په څېر، نورو لوبغاړو سره چې ورته اندېښنې لري او د کلیدي لوبغاړو په مشخصولو سره، چې کولی شي «ښلونکي» ووسي او د هغو کسانو په پېژندلو سره چې «بېلونکي» دي، ملاتړي ائتلافونه جوړ کړي. هغوی د هم فکره او یوه موخه لرونکو لوبغاړو په ائتلاف سره کولی شي، د سولې د داسې پروسو غوښتنه وکړي، چې څو لارې ولري او اصلي بهير کې د هغوی شاملېدل تضمین کړي. کولمبیا هېواد کې، د قربانیانو کورنیو نورو اقلیت ډلو سره ائتلاف وکړ او د بريالۍ په مبارزې په کولو سره وتوانېدل، د سولې هوکړه لیک کې انتقالی عدالت د یوه اساسي جز په توګه ځای پر ځای کړي. ځینو نورو هڅه وکړه، د ورځپاڼه لیکونکو د ملاتړ په جلبولو سره، چې دغې مسلې ته یې پوښښ ورکاوه، خپلو اندېښنو ته ملي او نړيوال پام جلب کړي. وروسته هغوی وتوانېدل د مرستې او مساعدت جلب لپاره، نړيوالو سازمانونو، مدني ټولنې، ګټه کونکې (ډینفچه) کنگرې او نورو سره اړیکې ټینګې کړي. هغوی همدارنګه وکولی شول د خبرو مېز کې هم فکره استازو سره اړیکه ونیسي او ملي څېرو په ځانګړې توګه ولسي استازو، رسنيو، سوداګریزو شخصیتونو او نورو کې ملاتړي پیدا کړي.

## د دریخ نیونکو مقالو خپرول

اقلیتونه او زیان لیدونکې ډلې کولی شي پر مدني ټولنې، اکاډمیکې ټولنې، مشرانو او نورو تاثیر کولو سره، له هغوی وغواړي چې د کلیدي مسایلو په برخه کې، د سولې بهیر کې یا له شخړې وروسته حل و فصل کې، چې د دوی گټې کمزورې کوي، د هغوی د دریخونو وړاندې کولو لپاره مقالې خپرې کړي. هغوی کولی شي د خپلو غوښتنو پیاوړي کولو لپاره گډه اجندا ولري یا په موثره توگه رسنیزه او د غږ پورته کولو مبارزه وکړي. هغوی کولی شي د سولې بهیر کې ښکېلو نړیوالو گټه کونکو (ذینفعانو) سره د خپل دریخ په اړه مقالې شریکې کړي.

## د ټولنې په سطحه منظمې غونډې

اقلیتونه او زیان لیدونکې ډلې کولی شي د کلیو او ولسوالیو په سطحه وړې ولسي غونډې ترسره کړي او له هغې لارې نه یوازې خپلو ټولنو ته د لیدلورو وړاندې کولو امکان برابر کړي، بلکې په ملي کچه د خپلو غږونو اورېدو ته هم زمینه برابره کړي.

اقلیتونه او زیان لیدونکې ډلې کولی شي د شخړې خواوو او منځگرو سره د غږ اوچتولو له لارې، بهر ته د دننه کېدو ټکي په نښه او ډاډ ترلاسه کړي، چې هغوی ته د بېرنيو گټه کونکو (ذینفعانو) یا نورو استازو په توگه د خبرو مېز کې ځای ځانگړی کړي. د دې ترڅنګ، هغوی باید پر پروسې د تاثیر کولو لپاره د ټولو ممکنه وسیلو له لارې هڅه وکړي، ترڅو ډاډه شي، چې د سولې هوکړه لیک بشري حقونه او د هېوادوالو اساسي اړتیاووې نه نقض کوي او ټولنه کې د تلپاتې سولې بنسټ کېښودل شي.

## ۵) د سولې نورو پروسو څخه زده کړي در سونه

دغه برخه کې د سولې پرې بېلا بېلو ډولونو چې دې وروستیو کلونو کې رامنځ ته شوي او اقلیت ډلې کولی شي، ورڅخه درس واخلي بحث کړي. دغه مثالونه د متفاوتې سولې بهیر کې د پراوونو او د گټې اخیستو وړ وسیلو درک لپاره، گټور دي.

کومې ټولنې چې افغانستان کې د قومي اقلیتونو په څېر د خاصو ټولنیزو ډلو له گټو څخه استازیتوب کوي، باید له وړاندې نورو ډلو او د مدني ټولنې لوبغاړو سره د ائتلاف رامنځ ته کولو لپاره په فعاله ډول اقدام وکړي او د افغانستان د سولې پروسې ټولو پراوونو کې د مخامخ گډون لپاره غږ پورته کړي. افغانستان کې، د اقلیت ډلو شوراگانې او ټولنې باید د اقلیت خلکو نظرونه او اندېښنې مستندې کړي او ورته د رسېدو لپاره واضح وړاندیزونه وړاندې کړي. د دې ترڅنګ، د دغو ټولنو لپاره اړینه ده، چې پروسه کې تر ټولو موثره شاملې الگو مشخصې کړي او مطلوبو پایلو ته د لاسرسي لپاره، له بېلا بېلو ترکیبونو،



تگلارو او کړنلارو استفاده وکړي. لاندې توضیح ورکړل شوې ۷ الگو د سولې پروسه کې له شمولیت څخه د ډاډ لپاره تر ټولو موثره کړنلارې دي. دغه نوملړ چې د خبرو مېز کې له ټولو خواوو څخه په استازیتوب پیلیږي، د مدني ټولني لوبغاړو لپاره متنوع انتخابونه وړاندې کوي، ترڅو په مرسته یې د سولې پروسه کې گډون او اغېزمنتوب ولري.

## الف) د خبرو مېز کې مخامخ استازیتوب

د مذاکراتو مېز کې مخامخ استازیتوب د سولې ټینګښت لپاره د هڅو یو ډول ته ویل کیږي، چې په کې له مرکه چې پلاوي بغیر اړوند ټولې ډلې شته. په بل عبارت، هېڅ اصلي یا جزئي طرف د خبرو مېز څخه مستثنی نه دی او هرڅوک کولی شي د سولې خبرو پرمهال خپلې اندېښنې مطرح کړي. دا د مشارکت تر ټولو غوره مخامخ شکل دی، چې د شخړې اصلي خواوو په توګه ټولو لوبغاړو ته ورته مقام ورکوي. دا په دې مانا ده چې هره ډله او خوا چې مذاکراتو کې گډون کوي، پرېکړه نیونې کې ښکېله ده او د مذاکراتو پایلو په برخه کې د رای وړ کولو حق څخه برخمنه ده.

په عموم ډول د مذاکراتو مېز کې مخامخ استازیتوب ته د لاسرسي لپاره درې لارې شتون لري:

۱. امکان شته چې د شخړې اصلي خواووې مرکه چې پلاوي کې زیات لوبغاړي شامل کړي. دا په دې مانا ده، چې د خبرو مېز کې دوه یا درې پلاوي شتون لري، چې هر یو د شخړې اصلي لوري څخه استازیتوب کوي، د مثال په توګه د یوه دولت استازي او د یوې وسله والې ډلې استازي، یو یا دواړه خواووې نور لوبغاړي هم خپل پلاوي کې شاملوي. د مثال په توګه، د طالبانو او د امریکا متحده ایالتونو د سولې خبرو کې، د لومړۍ لارې د ډیپلوماسۍ خواووې طالبان او اکثراً قطر کې د دغه ډلې سیاسي دفتر وو، چې عباس ستانکزي یې مشري کوله، او د امریکا استازي وو، چې زلمي خلیلزاد یې مشري کوله. مخامخ استازیتوب ته د لاسرسي لپاره، دواړه یا د شخړې یو له اصلي لورو څخه ممکن پرېکړه ونیسي، چې د سولې حوزې کارپوهانو په څېر لا زیات لوبغاړي، خپل مرکه چې پلاوي کې شامل کړي.

۲. امکان شته چې مذاکره کونکې خواووې د خبرو مېز کې د خپل پلاوي د غړو شمېر زیات کړي (پخواني مورد کې د لوبغاړو زیاتېدو برخلاف). د مثال په توګه، د طالبانو او د امریکا متحده ایالتونو د سولې خبرو کې، یوه یا دواړه خواووې پرېکړه ونیسي، چې نه یوازې تر ټولو مهمې، بلکې د افغانستان ټول سیاسي گوندونه د خبرو مېز کې شامل کړي. دې کړنلاره کې اړوند لوبغاړي کولی شي د شته سیاسي گوندونو له طریقه خپل غړ پورته کړي یا د سولې خبرو کې د گډون لپاره یو نوی گوند رامنځ ته کړي.

۳. مذاکره کونکې خواووې کولی شي تقریباً ټول اړوند لوبغاړي د خبرو مېز کې شامل کړي. دا په

دې مانا ده، چې ښکېلې خواووې کولی شي د سیاسي گوندونو، غیردولتي سازمانونو، مدني ټولنو، د اکثریت او اقلیت ډلو استازو او د ډېرو نورو په څېر د مختلفو جوړښتونو له لارې د خبرو مېز کې ونډه ولري. دغه کړنلاره معمولاً «د سولې ملي خبرواترو» ته شکل ورکوي، چې په کې ټول کسان مذاکراتو کې ښکېل دي.

سره له دې چې دغه الگو د هوکړه لیک لپاره د زیاتو خلکو د ملاتړ او د شخړې ښکېلو خواوو له لوري یا له شخړې څخه د اغېزمن شوو خواوو د ډېرې پراخې کچې د منلو ضمانت کوي، خو له دغې کړنلارې څخه د استفادې پرېمانه ننگونې شتون لري. لومړۍ ننگونه دا ده، هر څومره چې د یوې پروسې د گډونکونکو شمېر ډېر ووسي، په هماغه اندازه داسې یوې هوکړې ته د رسېدو لار، چې د ټولو اړوندو خواوو غوښتنو ته ځواب وويي، پېچلې او له ننگونو ډکه ده. د دغې ننگونې حل لپاره تسهیلونکي او ان د نښتو اصلي خواووې کولی شي، د مذاکره کونکو پلاوو ترکیب ته بدلون ورکړي او گډون کونکي په فرعي کاري کمیټو یا ډلو کې ووېشي، ترڅو هوکړې ته لاسرسی د ټولو لپاره اسانه شي. وروسته هره کاري ډله کولی شي په هغو موضوعاتو چې د خپلې ولسي حوزې لپاره یې تر ټولو ډېر ارزښت لري، تمرکز وکړي.

دویمه ننگونه دا ده، چې ځینو مواردو کې نړیوال نورمونه کېدی شي د سولې مذاکراتو لپاره ننگونې وزېږوي. د مثال په ډول، د نړیوال نورم په مطابق چې وايي «تروریستانو سره خبرې مه کوئ» ځینې کسان یا کلیدي ډلې لکه (د لبنان حسن نصرالله، البغدادی، د عراق او شام اسلامي دولت او نور) تور نوملړ کې شتون لري او په دې توگه نه شي کولی د خبرو مېز کې گډون وکړي، چې مخامخ گډون ته د بشپړ لاسرسي پر وړاندې خنډ جوړوي. تراوسه دغې ننگونې سره د مقابلې لپاره د سولې بهیرونو کې دوو کړنلارو څخه استفاده شوې ده:

(۱) د سولې بهیر لپاره د لایزات مشروعیت ترلاسه کولو لپاره د ډېرو سیاسي گوندونو او د مدني ټولنې د ډلو شمولیت، او (۲) د ځینو ملیشو ډلو (که څه هم تور نوملړ کې شتون ولري) سنجول شوی شمولیت. د مسلې وروستۍ ننگونه کمزوری یا مبهم استازیتوب دی. امکان شته چې ځینې ډلې یا پلاوي له خپلو اړوندو حوزو څخه د سم او واضح استازیتوب لپاره اړین واک څخه نه وي برخمن. دغه ننگونه هغه مهال رامنځ ته کېږي چې ځینې گډون کونکي له خپلو اړوند ډلو څخه د استازیتوب لپاره بشپړ ظرفیت څخه نه وي برخمن، یا ځینې گډون کونکي د خپلو اړوند ډلو واقعي استازي ونه ووسي (د مثال په توگه د انشعابي ډلو مسله). د دغې ستونزې حل لپاره مدني ټولنه یا د غیردولتي نړیوالو سازمانونو او غړ پورته کونکو ډلو په څېر نور بنسټونه کولی شي، د څو ډلو لپاره د زده کړې دورې ترسره کړي، ترڅو هغوی د غوره مذاکرې لپاره چمتو کړي او په شرایطو برابر استازي د خبرو مېز ته ولېږي.

د یمن اوسنی شخړه د ۲۰۱۱ کال له عرب پسرلي څخه پیل شوه، کله چې خلکو په پاڅون کولو سره د دغه هېواد د مستبد ولسمشر علي عبدالله صالح د څنگ ته کولو او دغه هېواد کې د جوړښتي اصلاحاتو لپاره د لارې هوارولو غوښتنه وکړه. یمن کې د تاوتریخوالي زیاتېدو په دلیل، ۲۰۱۲ کال کې نمایشي ټاکنې وشوې، چې پایله کې یې د ولسمشر مرستیال عبدالربه منصور الهادي یوې دوه کلنې دوره کې د انتقالي دولت ادارې لپاره غوره شو. دې سره، لکه څنګه چې د هغه حکومت ونشو کولی حکومت کې د جوړښتي بدلونونو په برخه کې د خلکو غوښتنو ته ځواب ورکړي، شخړې نورې هم زیاتې شوې. د ګټه کونکو (ډینفعو) ترمنځ د خبرو له سره پیلولو او ورپسې یمن کې د ټول شموله حکومت جوړولو لپاره، «د فارس خلیج د همکاریو شورا» د «ملي خبرو اترو کنفرانس» جوړولو ته اقدام وکړ، چې د ۲۰۱۳ کال د مارچ میاشتې او د ۲۰۱۴ کال د جنوري میاشتې ترمنځ ترسره شو. د ملي خبرو اترو کنفرانس جوړښت وښوده، چې دغه بستر تر ډېره حده ټول شموله دی. د دغه کنفرانس جوړښت کې بېلا بېلې ډلې شاملېدې، د شخړې له اصلي خواوو نیولې د ښځو، ځوانانو او مدني ټولني ډلو پورې.

د ۲۰۱۲ کال ډیسمبر میاشت کې یوې فني کمیټې چې بېلا بېلو خواوو په خاصه توګه ښځو او ځوانانو څخه جوړه شوې وه، د دغه کنفرانس د جوړښت او اجنډا مشخصولو او بحث لپاره هڅې پیل کړې. دغه کمیټه موظفه وه، چې کنفرانس کې د اړوندو خواوو ټول شمولیت لپاره چمتوالی ونیسي. کمیټې پرېکړه وکړه، چې د یمن د ملي خبرو اترو کنفرانس کې د دغه هېواد له شمال څخه نیولې تر سویل پورې د سیاسي ګوندونو، مدني ټولني او د ښځو او ځوانانو په پراخه کچه ۵۶۵ غړي او استازي ووسي.

کنفرانس کې خبرې د ۹ کسانو په مشرۍ ۹ کاري ډلو کې خبرې وشوې. د رهبرۍ غړو څخه هر یو، یوه اصلي سیاسي ګوند پورې تړلی وو، چې کنفرانس کې یې ګډون درلود هرې کاري ډلې په یوې خاصې موضوع بحث کاوه او غړي یې خپلو ولسي حوزو سره د بحث وړ اړوندو مسایلو پر اساس ټاکل کېدل.

دغه کنفرانس د «ملي خبرو اترو کنفرانس سند» په تصویب سره «داسې یوه دولت ته چې له ډیموکراسۍ، ازادۍ، د قانون حاکمیت، بشري حقونو او ښې حکومتولۍ څخه ملاتړ کوي، د یمن بشپړ لېږد خوا ته د لارې نقشې» په توګه د ۲۰۱۴ کال د جنوري میاشتې په ۲۵مه پایته ورسېده. جوړښت او اقداماتو ته یې په پام دغه کنفرانس جګړې څخه سولې ته د لېږد پاره د یوه ټول شموله او ډیموکراتیک بهیر یوې نمونې په توګه، تعریف کيږي. دغه کنفرانس کې د ټولو ګټه کونکو (ډینفعو) پراخه ګډون، د خبرو مېز

کې له ټولو لوبغاړو څخه د مخامخ استازیتوب یوه بریالی بېلگه ده. دې سره، د یمن د ملي خبرو اترو د سند لاسلیک د بېلابېلو دلایلو په ځانگړې توگه هېواد کې د واک وپشلو میکانیزم کې د ابهام په له امله، شخړه پایته ونه رسوله.

## ب) د څارونکي مقام

بله کړنلاره چې له لارې یې د سولې یوه ټول شموله بهیر ته لاره هوارېږي، مذاکراتو کې مدني ټولني او نورو اړوندو لوبغاړو ته د څارونکي د مقام ځانگړي کول دي. دغه تگلاره کې دلې د خبرو مېز کې د اضافي لوري په توگه د گډون کولو پر ځای، کولی شي پر پروسې د څارونکي ځای خپل کړي. له مخامخ گډون کونکو پرته، چې پروسه کې د خبرو اصلي لوري دي، نور گډون کونکي د څارونکي په توگه حضور لري، مذاکراتو کې مخامخ لاسوهنه نه کوي او د پایلو په اړه یې د رای ورکولو حق څخه نه دي برخمن. په بدل کې یې هغوی کولی شي مذاکراتو او ورپسې هوکړه کې د خپلو لیدلورو وړاندې کولو لپاره له مختلفو لارو گټه واخلي. د سولې پروسه کې د ناظرانو مشارکت لپاره څو لارې شتون لري. لومړی، ناظران کولی شي منفعل ووسي او پرته له کوم عمده نظر وړاندې کولو، یوازې پر پروسې نظارت وکړي. دویم، ناظران کولی شي د مذاکره کونکو او یا منځگرو لپاره فعاله سلاکاران ووسي.

دغه کړنلاره کې ناظران کولی شي د ناظر بنسټونو په توگه عمل وکړي. هغوی کولی شي د پروسې پر ټولو پړاوونو نظارت ولري او د خپلو وړاندیزونو عملي کېدو لپاره د شخړې بنکېلو خواوو او منځگرو سره د مخامخ مشورې او بهر ته د مهمو اطلاعاتو علني کولو له اړخه، پر خواوو د فشار راوستو له لارې هڅې وکړي. د ناظر مقام کېدلی شي چې د مدني ټولني ډلو، ملي او نړیوالو غیردولتي سازمانونو او نورو گټه کونکو (ذینفعو) ته ځانگړی شي.

دې سره، د دغې کړنلارې پر وړاندې یوه تر ټولو مهمه ننگونه د ناظرانو غوره کول دي. نه شي کېدلی چې د سولې پروسه کې ټولو ډلو یا بنسټونو ته د ناظر ځای ورکړل شي، نو په دې توگه د ناظرانو انتخاب باید په ډېر دقت سره وشي. په دې مانا چې یوازې هغو ته د نظارت مقام ورکړل شي، چې د سولې بهیر کې یې گډون ماناداره دی او کولی شي پر ټولیزه پایله یې مثبت اغېز ولري. د دغې کړنلارې پر وړاندې بله ننگونه د ناظرانو څنگ ته پرېښودل دي. په دې مانا چې هېڅ تضمین نشته چې د شخړې خواووې، منځگړي او نور دې د ناظرانو خبرو ته چې واک نه لري غور کېږدي. په دې توگه د ناظرانو رول بې مانا دی او نه شي کولی پروسه او یا وروستی هوکړه کې بدلون رامنځ ته کړي.

د «اکرا» جامع د سولې هوکړه لیک ۲۰۰۳ کال کې لاسلیک شو او لیبریا هېواد کې یې کورنۍ جگړه پایته ورسوله. دغه هوکړه لامل شوه چې «د لیبریا ملي انتقالي حکومت» په نوم له جگړې وروسته د مؤقت حکومت جوړ شي. دغه حکومت په ټوله کې ۷۶ غړي درلودل، چې ۳۶ یې د شخړې اصلي دريو خواوو (هر یوه ۱۲ استازي) څخه استازیتوب کاوه، ۷ غړي یې د مدني ټولني او ۱۵ غړي یې هر یوه د دغه هېواد لومړۍ سطحې ادارې برخو څخه استازیتوب کاوه. د وزارت چارواکي او کاري فرصتون د ټولو خواوو ترمنځ اشتراک ته وړاندې شول، ترڅو په گډه له ۲۰۰۵ کال وړاندې د ټاکنو ترسره کولو لپاره کار وکړي.

د دغه هوکړه لیک په اساس، ټولو خواوو هوکړه وکړه ترڅو دیموکراسۍ ترویج کړي او د نړیوالو بشردوستانه او بشري حقونو ټولو قوانینو رعایت کولو ته ژمن ووسي. دې سره د مدني ټولني مشرانو ډېره هڅه وکړه ترڅو د سولې پر بهیر د نظارت حق خوندي کړي. هغوی له خپل سنتي رول زیات له ۲۰۰۳ څخه تر ۲۰۰۵ کلونو پورې د سولې رسمي خبرو او د لیبریا ملي انتقالي حکومت کې په گډون کولو سره، د مدافعینو، روزونکو او ناظرانو په توگه ونډه واخیسته.

د ښځو د یوې ډلې په گډون د مدني ټولني شپږ سازمانونه د اوربند هوکړې له لاسلیک وروسته، د ناظر مقام څخه برخمن شول. د مدني ټولنو او ښځو ډلو د کاري تیمونو په رامنځ ته کولو، مذاکره کونکو پلاوو سره لابي او مذاکراتو کې د حاضر و څارونکو او مذاکراتو څخه د بهر ډلو ترمنځ د همغږي او د فشار راوستو له لارې، د لیبریا د سولې خبرو کې مهم رول ولوبوو.

د سولې رسمي مذاکراتو کې هېڅ مېرمنې حضور نه درلود، خو افریقا کې لومړنۍ ښځینه ولسمشره د لیبریا د ۲۰۰۵ کال د ټاکنو پایله کې انتخاب شوه. د ۲۰۰۳ کال اپریل کې د ښځو د حقونو ملاتړو «د سولې لپاره د ښځو د یوې ډلې اقدام» په لاره واچوه. کومې مبارزې چې په دې ابتکار سره لیبریا کې په لاره واچول شوې، د سولې د رسمي خبرو ترسره کولو، د مذاکراتو زماني جدول ته د ښکېلو خواوو د ځواب ویونکي پاتې کېدو، د سولې پروسې څخه د ملي ملاتړ جلبولو او بلاخره د پخوانیو جنګیالیو بې وسلې کولو کې ډېرې مهمې وې. دغو مبارزو د ټولو سیمو په ځانگړې توگه د بیرته راستنېدونکو زرگونو ښځو په حضور سره د ماهي پلورلو مرکزي بازارونو کې په اونیزه توگه د لاریونونو، اعتراضونو او غونډو جوړولو کې رول درلود. د خپلو مبارزو د یوې برخې په توگه د سولې لپاره د ښځو جمعي اقدام، د ټول هېواد په کچه د ښځو په بسیج کولو سره د ښځو جنسیتي اعتصاب په لاره واچوه او د سولې غوښتنه یې وکړه. د دې ترڅنګ «د سولې لپاره د ښځو جمعي اقدام» د سولې مذاکراتو ځای، اکرا کې پرلت وواژه او د سولې هوکړه لیک تر لاسلیک پورې یې

## ج) مشاوره

مشاوره هم د سولې هوکړې یوه مهمه برخه ده. مشوره کول او چنې وهل، د پروسي غښتلتيا نوره هم بنسټيزه کوي او د پېچلو موضوعاتو په اړه مذاکرې پورې د تړلو ستونزو کمولو کې مهم رول لوبوي. پخوانۍ نمونې ثابتوي، چې مشوره زیاتره له پامه غورځول شوو او هېر کړل شوو مواردو ته بیرته د سولې اجنډا کې ځای ورکوي او د پېچلو مسایلو حل لپاره تر ټولو غوره بدیل انتخابونه برابروي. مشوره او چنې وهل د مدني ټولنې په څېر بنسټونو ته امکان ورکوي، چې نه اورېدل شوی غږ اوچت کړي او له پامه غورځول شوي موضوعات مطرح کړي او د مذاکراتو پر وروستۍ پایلې مثبت اغېز وکړي. مشوره ممکن، له خبرو وړاندې، جریان کې او یا وروسته وشي او عمده یا جزئي نا حل شوي موضوعات د سولې په اجنډا کې ور اضافه کړي. معمولاً د مشورې او چنې وهلو غونډې د اصلي مذاکره کونکي ټیم اجنډا څخه پیروي کوي، خو ځینو مواردو کې دغه غونډې لا زیات موضوعات د مذاکرې په اجنډا کې اضافه کوي او په دې دلیل مرسته کوي، چې وروستۍ هوکړه پراخه او غني ووسي. په عموم ډول دوه ډوله مشورتي غونډې کېدی شي، د سولې بهیر یوې برخې په توگه پلان او ترسره شي:

## رسمي مشورتي غونډې

دغه الگو کې رسمي غونډې شاملېږي، چې له سیاسي یا ټولنیزو ډلو څخه رامنځ ته شوي او د سولې پروسي د رسمي طرحې یوه برخه ده. په بل عبارت، مشورتي غونډه په رسمي ډول د شخړې ښکېلو خواوو او منځگرو له خوا تاییدېږي. د شخړې خواووې او منځگري د دغو غونډو تایید ترڅنګ، د هغوی دندې هم مشخصوي او په پام کې ولري چې د دغو غونډو توصیې الزامي، مشابه او یا د مذاکره کونکو رسمي ټیمونو توصیو سره توپیر لري. ځینو مواردو کې دغه غونډو خپله خپلې دندې مشخصوي او وروسته د ښکېلو خواوو تاییدي ترلاسه کوي. له دغسې غونډو څخه موخه یوازې د مذاکرې پروسي اجنډا کې د لا زیاتو موضوعاتو ور اضافه کول نه دي، بلکې ځینو مواردو کې د دغسې غونډو گډونکونکي کولی شي له غیررسمي لارو مذاکره کونکو پلاوو ته مشوره هم ورکړي او پر خبرو اترو نظارت وکړي. د رسمي غونډو گټه دا ده، چې د خبرو مېز اجنډا ته د زیاتو موضوعاتو ور اضافه کول، د مذاکرې اصلي مېز کې د خواوو له تعدد څخه رامنځ ته شوو ستونزو څخه د مخنیوي ترڅنګ، هوکړه لیک ته لا زیات مشروعیت ورکوي. د دې ترڅنګ، غونډې کولی شي د اصلي خبرو کونکو ترمنځ د ستونزمنو مسایلو لپاره، چې ځینې وخت د پروسي د ځنډېدو یا درېدو لامل کېږي، د بدیل انتخابونو او اسانه حل لارو په

وړاندې کولو کې مهم رول ولوبوي.

دې سره، رسمي غونډې یو لړ عیبونه هم لري. لومړی عیب هغه واټن دی، چې د دغو غونډو او د خبرو کولو مېز ترمنځ شتون لري. دا واقعیت چې مشورتي غونډې په مخامخ توګه د مذاکره کونکو ټیمو یوه برخه نه ده، د سولې په اجندا کې په بشپړ او موثره توګه د خپلو توصیهو په درجولو کې د هغوی توانايي محدودوي. دویم عیب دا دی، سره له دې چې دغه غونډې مذاکره کونکو ټیمو سره رسمي ځای لري، خو امکان شته چې بیا هم څنګ ته کړل شي او یا له پامه وغورځول شي. او بالاخره د مشورتي غونډو غړو ترمنځ د تفرقي خطر شته، چې په خپل وار سره کولی شي د پروسې پېچلتوب نور هم زیات کړي او یوې موثرې هوکړې ته د لاسرسي پر وړاندې خنډونه رامنځ ته کړي. نو بیا د مشورتي غونډو لپاره د غړو انتخاب باید په ډېر غور سره وشي، ترڅو د پروسې مشوریت او د غونډو اغېزمنتوب څخه ډاډ ترلاسه شي.

### غیررسمي مشوره

غیررسمي مشورې د «رسمي مشورتي غونډو» برعکس، پروسه کې یوازې د موقعیت له نظره، متفاوته لید او اغېزمنتوب نه لري. د غیررسمي مشورې کړنلاره د شخړې ښکېلو خواوو او د منځګړو تاییدي له ځانه سره نه لري. دغې کړنلارې څخه موخه پروسې ته د پام لا زیاتول، د اطلاعاتو او مهمو مغفول (غفلت) پاتې شوو مسایلو پیاوړي کول، د خلکو متنو غږونو لپاره د زمينې برابرول او د سولې پروسې په اړه پراخو ولسي حوزو کې پوهاوی ورکول دي. د دې ترڅنګ دغسې یوه کړنلاره نه یوازې منځګړي ټیم ته امکان ورکوي، چې د شخړې اصلي لاملونه ښه وپېژني، بلکې منځګړو سره مرسته کوي، چې د غوښتنو، اندېښنو او لیدلورو په اړه لا زیات پوهاوی ترلاسه کړي او همداراز مشخصه کړي، چې کوم لوبغاړي له هوکړې د وروسته اجندا جوړولو کې ښکېل ووسي.

غیررسمي مشوره رسمي مذاکراتو څخه لرې واټن کې ورکول کيږي او له همدې امله ډېر احتمال شته، چې له پامه وغورځول شي او یا په جزئي یا بشپړ ډول څنګ ته کړل شي. دې سره غیررسمي مشوره سره له دې چې د رسمي مشورتي اسمبلو اړوند ننگونې لري، د تفرقي او د لایزات نه کار ورکولو د جدي خطر ګواښ سره مخ ده. بلخوا سره له دې چې غیررسمي مشوره ورکول الزامي نه ده، د نورو مواردو پرلپسې نمونو ښودلې، چې د غیررسمي مشورې ورکولو کړنلاره د سولې پروسې ته مهم لیدلوري وراضافه کوي، د پام وړ مثبت اغېز لري او پر زیاتره هغو موضوعاتو چې د غیررسمي مشورې ورکولو نشتون کې، له یاده اېستل کېدل، رڼا اچوي. په دې توګه، د غیررسمي مشورې ورکولو کړنلاره کولی شي د پروسې ټول شمولیت څخه د ډاډ ترلاسه کولو کې ګټوره ووسي او د مدني ټولني لوبغاړي باید د سولې پروسه کې د ګډون لپاره خپلو هڅو کې ورته پام وکړي.

د ۱۹۹۶ کال د سولې هوکړه، چې د گواتيمالا حکومت او د «گواتيمالا ملي انقلابي وحدت» ترمنځ لاسليک شوه، د دغه هېواد کورنۍ جگړې ته چې ۱۹۶۰ کال کې پيل شوې وه او ۳۶ کاله يې دوام کړی وو، د پای ټکی کېږدي. ۱۹۹۴ کال کې د گواتيمالا حکومت او د «گواتيمالا ملي انقلابي وحدت» استازي مکزيکوسيتي کې سره راټول شول او د مذاکراتو چوکاټ په اړه هوکړې ته ورسېدل. د نورو ميکانيزمونو او وسيلو ترمنځ، د «د مدني ټولني مجمع» جوړول، د «هوکړه لیک چوکاټ» يوه له مهمو گټو څخه وه. د مدني ټولني مجمع اصلي موخه، د گواتيمالا د سولې پروسې بېلا بېلو پړاوونو کې د غيردولتي بنسټونو گډون لپاره د زمينې برابرول وو.

د مدني ټولني مجمع د شخړې دواړو خواوو څخه موظفه شوه، چې دوه اړخيزو مذاکراتو کې د بحث وړ شپږو اصلي موضوعاتو په اړه توصيې وړاندې کړي. دغه موضوعات عبارت وو له: (۱) د مدني ټولني پياوړي کول او يوې ډيموکراتيکې ټولني کې د پوځ کړنې، (۲) د بومي خلکو پېژندگلوې او حقوق، (۳) د اساسي قانون او ټاکنيز رژيم اصلاح، (۴) د هغو کسانو بياخلي مېشتېدو ته زمينه برابرول، چې د نښتو پايله کې بې ځايه شوي وو، (۵) اقتصادي او ټولنيز وضعيت او (۶) کرنيزو وضعيت.

که څه هم د هوکړه لیک چوکاټ کې د مدني ټولني مجمع جوړښت او کاري ميکانيزم نه وو مشخص شوی، خو د دغې مجمع رييس او ترسره کونکې کميټې وکولی شول، د هغو لوبغاړو شمېر چې غوښتل يې د سولې پروسه کې برخه واخلي، مشخص او د هغوی د لاسوهنې ميکانيزمونه هم وټاکي. د شپږو سکتورونو ترڅنګ (سياسي گوندونو، مذهبي ډلو، صنفی اتحاديو او ولسي سازمانونو، کرنيزو، سوداگريزو، صنعتي او مالي همغږه کونکو کميټو، او د Atlxco ډل بندې) چې له وړاندې «د هوکړه لیک چوکاټ» کې مشخص شوي وو، هغوی وتوانېدل پنځه نورې برخې (د ښځو سازمانونه، نور غيردولتي پرمختيايي سازمانونه، څېړنيز مرکزونه، د بشري حقونو ډلې او رسنيز سازمانونه) د گواتيمالا د مدني ټولني مجمع کې د ښکېلو سکتورونو نوملړ کې راولي. سره له دې چې هرې برخې د اړوندو موضوعاتو په اړه د بحث لپاره خپله دننه جوړښت او ميکانيزمونه درلود، خو هغوی د لومړيتوبونو په مشخصولو او د وړانديزونو او توصيو په تدوين موظف شول. هر سکتور ۱۰ استازي درلودل، ترڅو هغوی څخه د مدني ټولني مجمع کې استازيتوب وکړي او د مجمع وروستيو وړانديزونو په اړه خبرې او نظر وړاندې کړي.

له بلې خوا د دغه هېواد بومي خلک راضي نه وو، چې د مدني ټولني مجمع تر چتر لاندې د يوې ډلې په توگه وشمېرل شي. په همدې اساس هغوی «د گواتيمالا د مايای خلکو سازمانونو همغږۍ» تر نوم لاندې د مختلفو خلکو له ۲ سوو ډلو څخه خپل جوړ شوی سازمان رامنځ ته کړ. دغه سازمان د بومي خلکو لپاره د بستر په توگه عمل وکړ، ترڅو وکولی شي له هغې لارې خپلې اندېښنې عمومي غونډو کې



مطرح او پرې بحث وکړي. ټولو بومي ډلو د مدني ټولني مجمع کې د خپلو خبرو او بحث په اوږدو کې يو غږ درلود او ورپسې وتوانېدل، د «بومي خلکو د پېژندگلوۍ او حقوقو» سريزه د ننگونو رامنځ ته کونکو او د بحث وړ وړانديزونو په توگه د مدني ټولني مجمع په اجندا کې شامله کړي.

## د) ولسي گډون

ولسي گډون هغو فعاليتونو او هوکړو ته ويل کيږي، چې موخه يې رسمي مذاکراتو سره د زياتو خلکو نېلول دي. ولسي گډون د مذاکره کونکو اصلي لورو سره د خلکو د اندېښنو شريک کولو لپاره د وسيلې په توگه عمل کوي. ولسي گډون کېدې شي د خبرو په جريان او د هوکړه ليک د اجرا پړاو کې ترسره شي. کوم فعاليتونه چې کېدې شي د ولسي گډون تر چتر لاندې ترسره شي، عمومي استماعيه غونډې، د ښاريانو پلونه او نظريو بنسټي په کې شاملېږي، خو په دغو دريو کارونو نه محدودېږي. د ولسي گډون اصلي موخې عبارت دي له:

- د خلکو له غوښتنو او اندېښنو څخه د شناخت ښه والی او د مذاکرې په اجندا کې او ورپسې هوکړه ليک کې يې ځای پر ځای کول؛
  - د سولې پروسې لپاره د عمومي مشروعيت او د خلکو د منلو رامنځ ته کول؛ او
  - د بشري حقونو نقض او نورو نارضايتيو په اړه خلکو څخه د شواهدو راټولول
- دغه الگو نه يوازې د مذاکرې او هوکړه ليک اجندا غښتلې کوي، بلکې ټولو خواوو او حوزو ته د شامليت احساس ورکوي، چې په خپل وار سره د پروسې ټوليز مشروعيت زياتوي. همداراز دغه الگو د رسمي مذاکراتو گډون کونکو ته د نه مطرح شوو يا له پامه غورځول شوو مسايلو او اندېښنو په اړه د پوهاوي ورکولو لپاره د وسيلې په توگه عمل کوي. د دې ترڅنگ دغه الگو له هوکړې وروسته مشاجراتو حل و فصل لپاره يوه گټوره کړنلاره ده. همدا ډول دغه الگو له هوکړې وروسته د هوکړه ليک د تطبيق پړاو کې د کار وړ او موثره نظارت لپاره ميکانيزمونه له غوره اطلاعاتو او شواهدو سره مجهز کوي.

## د شمالي ايرلنډ قضيه:

د شمالي ايرلنډ شخړه د ۱۹۶۰ لسيزې په وروستيو کې پيل شوه او ۱۹۹۸ کال کې د «نيکې جمعې تړون» په لاسليک سره پایته ورسېده. د شمالي ايرلنډ د اساسي قانون وضعیت د اتحاديو/وفادارانو او د ناسيوناليسټانو/جمهوري غوښتونکو ترمنځ د شخړې اصلي محرک وو. لوموړۍ ډلې غوښتل شمالي ايرلنډ د برتانيې يوه برخه پاتې شي، داسې حال کې چې دويم ډلې هڅه کوله، چې شمالي ايرلنډ برتانيا خوشې کړي او د ايرلنډ اتحاد سره يو ځای شي. دواړو خواوو له څو پرلپسې لسيزو نښتو وروسته هوکړه

وکره، چې د شخړې پایته رسولو لپاره شمالي ایرلند او جمهوري ایرلند کې عمومي نظریوښتنه په لاره واچوي. د ۱۹۹۸ کال د مې میاشتې په ۲۲مه یادو دواړو سیمو کې په یو وخت دوه ټول پوښتنې وشوې او هوکړه لیکونه د عمومي ټول پوښتنې له لارې چې وتوانېدل د اکثریت خلکو د «هو» رایه ترلاسه کړي، تصویب شول.

د دې ترڅنګ، په ټوله کې د ۱۹۹۶ کال د اپریل میاشتې او د ۲۰۰۰ کال د مې میاشتې ترمنځ شمالي ایرلند کې د «نیکې جمعې» تړون اجرا کېدو کې د خلکو لیدلورو راټولولو لپاره اته نظریوښتنې وشوې. د نظریوښتنو سوالونه پالیسی جوړولو، پرمختیا او سیاسي جوړښتونو سره مرتبطو پرېکړو نیولو کې د خلکو د گډون له لارې د سولې بهیر پیاوړي کولو لپاره د گډون کونکو په همکارۍ جوړ شول. د سولې هوکړه لیک له لاسلیک کولو مخکې او وروسته لاندې نظریوښتنې وشوې.

۱. سوله راوستل او عمومي پالیسی: شمالي ایرلند کې د ټولنې ترمنځ د اړیکو ښه والي لپاره د پالیسی متحدو انتخابونو ارزولو په موخه، لومړنۍ نظریوښتنه د ۱۹۹۶ کال اپریل او مې میاشت کې وشوه. د دغې نظریوښتنې تر پوښنې لاندې بحثونو کې، ځای، ښوونه، پرېد، ایرلندی ژبه، پولیس او سیاسي پرمختیا شامله وه.

۲. له ټاکنو وروسته: دویمه نظریوښتنه د ۱۹۹۷ کال مارچ میاشت کې وشوه او موخه یې ټاکنو کې د مختلفو گوندونو مشارکت په اړه د عمومي افکارو راغونډول وو، چې د هماغه کال مې میاشت کې ترسره شوه. ځواب ورکونکو رایه ورکړه چې ایا گوندونه د سولې خبرو کې د پارا-نظامي ټولنو (ملیشو) سره ووسي، یا نه، خو مذاکراتو کې د ټولو خواوو د شمولیت لامل شو.

۳. د «استورمونت» خبرې اترې: درېیمه نظریوښتنه د ۱۹۹۷ کال سپتامبر کې د «اولستر اتحادپاله گوند» دوامداره مشارکت په اړه د عمومي لیدلوري ترلاسه کولو په موخه وشوه، چې مذاکراتو دوام څخه یې د خلکو ملاتړ وښوده.

۴. د حل و فصل په لټه کې: څلورمه نظریوښتنه د ۱۹۹۷ کال دسامبر میاشت کې، داسې حال کې چې رسمي مذاکرات د پروسیجر (طرز العملی) مسایلو په دلیل درول شوي وو، د سولې پروسې اساسي موضوعاتو په اړه وشوه. دغې نظریوښتنې د مذاکراتو مجدد پیل سره مرسته وکړه.

۵. جامع حل و فصل: پنځمه نظریوښتنه د ۱۹۹۸ کال مارچ میاشت کې مذاکراتو کې د ۷ گډون کونکو خواوو له لوري د چمتو شوي وړاندیز په اړه د عمومي افکارو راټولولو او همدارنګه د طرفونو بدیل وړاندیزونو لپاره، چې مذاکرات یې ترک کړي وو، وشوه. دغې نظریوښتنې وښوده، چې خلک د مذاکره کونکو خواوو له وړاندیز څخه ملاتړ کوي.

۶. د بلفاست هوکړه لیک/د نیکې جمعې تړون تطبیق: شپږمه نظریوښتنه د ۱۹۹۹ کال فبروري میاشت

کې وروسته له هغې وشوه، چې ځينو خواوو د بلفاست هوکړه لیک اجرا کې له همکارۍ څخه ډډه وکړه. د نظریو بنسټې پایلې ونښوده، چې څه باندې ۹۰ سلنه خلک له خپلو استازو غواړي، چې د هوکړه لیک اجرا لپاره کار وکړي.

۷. د «میچل» ارزول: اوومه نظریو بنسټه د ۱۹۹۹ کال اکتوبر میاشت کې وروسته له هغې وشوه، چې د سولې پروسه د یوه لوري له خوا د وسلې له تسلیمې وړاندې د خپلو اجرائي څوکیو له ترلاسه کولو د ډډې کولو په دلیل درول شوې وه. دغه نظریو بنسټه د سناتور جورج میچل په ابتکار پیل شوه او ویې ونښوده، چې خلک د دغه بهیر له دوام څخه په پراخه توگه ملاتړ کوي.

۸. د سولې پروسې راتلونکې: اتمه نظریو بنسټه د ۲۰۰۰ کال مې میاشت کې د بې وسلې کولو وړاندیزونو په اړه د عمومي لیدلوري ترلاسه کولو په موخه وشوه، چې ویې ونښوده خلک له دغو وړاندیزونو څخه ملاتړ کوي.

## ه) عمومي پرېکړه نیونه

مذاکراتو او معاهداتو یا د سولې هوکړه لیکونو کې بل مهم گام، عمومي پرېکړه نیول دي. عمومي پرېکړه نیونه د سولې هوکړه لیک په اړه ټول پوښتنې یا ټاکنو ته ویل کېږي او زیاتره وخت له شخړې وروسته ډیموکراتیکو ټولنو کې نیول کېږي. عمومي پرېکړه نیونه بلکل الزامی ده او د شخړې نښکېلو خواوو له لارې د سولې هوکړه لیکونو یا اساسي قانون له تصویب وروسته ترسره کېږي. دا په دې مانا ده چې له رایې اچونې یا ټول پوښتنې وروسته، کومه پرېکړه چې پایله کې یې نیول کېږي باید عملي شي. په بل عبارت، د مثال په توگه که چېرې خلک ټول پوښتنه کې د هوکړه لیک یا اساسي قانون تصویب ته «هو» ځواب ورکړي، پرېکړه نیونکي اړ دي، چې پروسې ته دوام ورکړي. همدارنگه د خلکو «هو» ځواب پرېکړه نیونکو ته امکان ورکوي، د پروسې توندلارو مخالفینو پر وړاندې د فشار وسیله ولري. دا داسې مهال دی، چې که ټول پوښتنه کې د خلکو ځواب «نه» ووسي، لامل کېږي چې د هوکړه لیک اجرا په برخه کې هر ډول راتلونکي اقدامات، ودرول شي.

د عمومي ټول پوښتنې او رایې اچونې بریالیتوب مختلفو عواملو پورې تړاو لري. لکه، هوکړه لیک څخه د خلکو د ملاتړ او د هغوی د درک کچه، خلکو څخه د پوښتل شوو پوښتنو ربط یا شایسته توب او ټول پوښتنې څخه یا د ټول پوښتنې پر وړاندې د خلکو د ملاتړ بسیج. همدارنگه د یادونې وړ ده چې د ټول پوښتنې په څېر عمومي پرېکړه نیول کېدی شي د اساسي قانون تصویب په ملاتړ یا پر وړاندې یې او یا هم د هوکړه لیک تطبیق کې غیرمنتظره یا نه غوښتل شوې پایله ولري. په دې توگه، ټول پوښتنه کې زمان بندي او مطرح شوي موضوعات باید په پوره دقت سره ترسره شي او د

یوې منظمې او پلان شوې ستراتیژۍ یوه برخه ووسی.

### د شمالي ایرلنډ قضیه؛ ټول پوښتنې

ټول پوښتنې یو وخت کې چې د ۱۹۹۸ کال د مې میاشتې په ۲۲مه شمالي ایرلنډ او جمهوري ایرلنډ کې وشوې، دواړو ځایونو کې یې د خلکو مطلق تایید ترلاسه کړ. د دغې ټول پوښتنې پایله کې «د نیکې جمعې» تړون چې له وړاندې د مخالفو خواوو له لوري تصویب شوی وو، د ۱۹۹۸ کال د مې میاشتې په ۲۲مه دواړو سیمو کې د اکثریت خلکو له لوري تایید شو. داسې وټاکل شوه، چې انتخابیه یا د شمالي ایرلنډ او د جمهوري ایرلنډ رایه ورکونکي دوو بېلا بېلو خو سره مرتبط سند ته رایه ورکړي. پایله کې یې د شمالي ایرلنډ خلکو د «خو گوندونو هوکړه لیک» او د جمهوري ایرلنډ خلکو هم «د برتانیې - ایرلنډ هوکړه لیک» ته رایه ورکړه. ټول پوښتنه کې هغوی څخه دوه متفاوته پوښتنې کېدې. د ټول پوښتنې سوال چې د رایو پاڼه کې چاپ شوی وو، په لاندې ډول وو: «ایا تاسو د شمالي ایرلنډ په اړه او ۳۸۸۳ فرمان لیک کې تنظیم شوي خو گوندیز هوکړه لیک څخه ملاتړ کوئ؟» دغې پوښتنې ته د ځوابونو پایله داسې وه:

د خلکو گډون	۸۱,۱ سلنه
هو ځواب	۶۷۶,۹۶۶ (۷۱,۱ سلنه)
نه ځواب	۲۷۴,۸۷۹ (۲۸,۹ سلنه)
نامعتبره ځواب	۱,۷۳۸

بلخوا کومه پوښتنه چې د رایو پاڼه کې د جمهوري ایرلنډ خلکو څخه پوښتل شوې وه، د اساسي قانون پر اصلاح یې تمرکز درلود: «ایا تاسو لاندې ذکر شوې لایحه کې د مندرج اساسي قانون د اصلاح وړاندیز څخه ملاتړ کوئ؟» د جمهوري ایرلنډ خلکو څخه د پورته پوښتنې د ځوابونو پایله لاندې ذکر شوې ده:

د خلکو گډون	۵۵,۶ سلنه
هو ځواب	۱,۴۴۲,۵۸۳ (۹۴,۴ سلنه)
نه ځواب	۸۵,۷۴۸ (۵,۶ سلنه)
نامعتبره ځواب	۱۷,۰۶۴

لکه څنگه چې پورته لیدل کیږي، د شمالي ایرلنډ ټول پوښتنې کې د خلکو د گډون کچه چې (۸۱.۱ سلنه) وه، نسبت جمهوري ایرلنډ کې د خلکو د گډون کچه ته چې (۵۵.۶ سلنه) وه لوړه ده، خو د انتخابیه حوزه چې د جمهوري ایرلنډ ټول پوښتنې ځواب ته د «هو» رایه ورکړې وه، (۹۴.۴ سلنه)، له هغې انتخابی حوزه زیاته وه، چې شمالي ایرلنډ کې د ټول پوښتنې سوال ته یې مثبت ځواب ورکړی وو (۷۱.۱ سلنه).

## و) ټولیز اقدام

دغه لارښود کتاب کې د ټول شموله سولې لپاره وروستی کړنلاره، ټولیز اقدام دی. ټولیز اقدام د سولې بهیر کې د خلکو د جدي اندېښنو د ځای پر ځای کولو تگلاره ده. ټولیز اقدام کېدی شي سرکونو کې د اعتراضونو، د لاسلیکونو راتلولو او ټولنیزو شبکو کې د اعتراضی کمپاینونو په لاره اچولو او په انلاین بڼه د لاسلیکونو راتلولو په څېر د اعتراضونو د نویو تگلارو په چوکاټ وشي. دغه وسیلې دا وړتیا لري چې لویه برخه خلک راغونډ کړي او کولی شي پر هوکړه لیک او وروستی پرېکړې ډېر اغېز وکړي. ټولیز اقدام کولی شي د خپلو اندېښنو وړاندې کولو لپاره د پام وړ شمېر خلک بسیج کړي او په دې توگه کولی شي هېواد کې پروسې څخه د ملاتړ یا ضدیت فضا رامنځ ته کړي. مختلفو هېوادونو څخه د ټولیز اقدام مثالونو ښودلې، چې د ټولیز اقدام ځواک کولی شي پر هوکړه لیکونو ډېر اغېز وکړي. دلته مدني ټولنه هم کولی شي د یوه بهیر پر وړاندې یا لپاره، د ټولیز اقدام ترسره کولو په موخه، د خلکو بسیج، غږ پورته کولو او لارښوونې په برخه کې ډېر مهم رول ولري او پر مذاکره کونکو «لومړۍ لار ډیپلوماسي» فشار وارد کړي، ترڅو د خبرو اترو یا هوکړه لیک کې ځانگړي موارد ځای پر ځای یا ورڅخه بهر کړي.

## د نیپال قضیه:

د نیپال کورنۍ جگړه او له لوړو او ژورو ډک تاوتریخوالي او نښتې (چې د مائویستي شخړې په نوم هم پېژندل کیږي) او د نیپال حکومت او کمونیست گوند ترمنځ د ۱۹۹۶ کال فبروري میاشت کې پیل شوې وې، تقریباً یوه لسيزه وروسته، د ۲۰۰۶ کال د نوامبر میاشتې په ۲۱ مه د سولې جامع هوکړه لیک په لاسلیک سره پایته ورسېدې. د دغې شخړې اصلي لامل د حکومت په جوړښت کې د اصلاحاتو او بدلونونو راوستو لپاره د بنسټ اېښودونکو جرگې ترسره کولو کې نغښتې وو. خصوصت لرونکو لوړو هوکړه وکړه، چې د هېواد اساسي قانون مجدد تدوین (په خاصه توگه د موجود سلطنتي نظام دوام) لپاره د مؤسسانو جرگه دایر او مؤقت حکومت رامنځ ته شي.

د ۲۰۰۵ کال له فبروري څو میاشتې وروسته، کله چې پاچا گیانندرا د لومړي وزیر په عزل او د منتخب پارلمان په انحلال سره واک ترلاسه کړ، ټولو موجودو سیاسي گوندونو د ۷ گوندونو اتحاد په نوم یو اتحاد جوړ کړ او د نیپال مائویست گوند او نورو سازمانونو سره یو ځای د پاچا پرېکړې پر وړاندې اودرېدل او د پراخ اعتراض غوښتنه یې وکړه.

پایله کې خلکو د ۲۰۰۶ کال اپرېل میاشت کې پراخ اعتراضونه وکړل، چې ۹ ورځې یې دوام وکړ. اعتراضونو د شاه گیانندرا له خوا د واک تصرف ته د پای ټکی کېښود او د حکومت او د نیپال کمونیست گوند ځواکونو ترمنځ یې د سولې خبرو لپاره د مساعدو شرایطو رامنځ ته کولو له لارې د دغه هېواد کورنۍ جگړې پایته رسولو لپاره زمینه برابره کړه.

اعتراض کونکو درې اساسي غوښتنې درلودې (د پارلمان احیا، د ټولو گوندونو حکومت ته د واک لېږد او د بنسټ اېښودونکو د نوې جرگې جوړول) چې شاه یې منلو ته مجبوره شو او د اپرېل ۲۴مه کې اجرا شو. د دې ترڅنګ، د خلکو پراخ لاریونونه د ۲۰۰۶ کال د نوامبر میاشتې ۲۱مه کې د خصومت لرونکو خواوو ترمنځ د سولې د جامع هوکړې په لاسلیک سره، د نیپال د کورنۍ جگړې پایته رسېدو لامل شول. د نیپال پراخ اعتراضونه او له امله یې د دغه هېواد د کورنۍ جگړې پایته رسول، د ټولیز اقدام پیاوړې او بریالۍ بېلگه ده او یوه هېواد کې د شخړې پایته رسولو کې د دغسې یوه اقدام رول ښيي.

## ۶) د سولې هوکړه لیک تطبیق او ورڅخه نظارت

د شخړې ښکېلو خواوو ترمنځ له هوکړې وروسته، بل گام چې ډېر مهم دی، د سولې هوکړه لیک تطبیق او پر گټو یې نظارت کول دي. د هوکړه لیک له سم پلي کېدو او گټو څخه یې د ډاډ ترلاسه کولو په خاطر، د اجرا پراو تسهیل او پر دې د نظارت لپاره، چې اړوندې ټولې خواووې د توافق شوو شرایطو پر اساس عمل وکړي، یو لړ ځانگړو میکانیزمونو ته اړتیا ده.

اجرایي میکانیزمونه کېدی شي بېلا بېلې بڼې غوره کړي، یو هم د اوربند دوام څخه د اطمینان میکانیزمونه دي، چې د نظارت، تایید او رپوټ ورکولو میکانیزمونه په کې شاملېږي. همدارنگه په بریا سره د بې وسلې کولو پروگرام تطبیق، ملکي کولو او مجدد ادغام لپاره، د وسلو راټولولو او ضبط کې د نظارت، تایید او اصلاحاتو په موخه یوه کمیسیون ته اړتیا ده. د دې لپاره چې د واک وېشلو بهیر کې ټولې ډلې شاملې ووسي، د مشرانو/سلاکارانو یوه کمیټه یا شورا کېدی شي رامنځ ته شي، ترڅو سرغړونې مشخصې کړي. همدارنگه د دې لپاره چې ټاکنې وشي او یو مشروع حکومت رامنځ ته شي، دغه میکانیزمونه اړین دي.

## د ټول شموله کمیسیون رامنځ ته کول

ټول شموله کمیسیونونه چې له هوکړې، وروسته د میکانیزمونو په توګه هم پېژندل کېږي، د داسې کمیسیونونو او میکانیزمونو ټولګه ده، چې د څارنې، د هوکړه لیک د تطبیق تسهیل، د هوکړه لیک ثبات څخه ډاډ او د هوکړه لیک او شرایطو په اړه یې خلکو ته د پوهاوي ورکولو په څېر دندې ترسره کوي. د دغو کمیسیونونو بېلګو کې چې یو هېواد څخه بل ته او یو مورد څخه بل مورد ته توپیر کوي، د اوربند کمیسیون، د سولې او پخلاینې کمیسیون، د تلپاتې سولې بنسټونه او نور شاملېږي.

د مثال په توګه، د کومور او انزوان ترمنځ هوکړه د تعقیب کمیټې جوړېدو لامل شوه، چې د نورو دندو ترڅنګ د سولې هوکړه لیک ګټې تفسیر او هوکړه لیک څخه هر ډول رامنځ ته کېدونکي اختلافات حل کړي. بوسنیا او هرزګوین کې، ځانګړې تریبون جوړ شو، چې رییس یې په ګډه منصوب کېده او دواړو خواوو کولی شول هر یو ورته یو غړی وګماري. هوکړه لیک څخه هر ډول رامنځ ته کېدونکي اختلافات حل و فصل لپاره دغه تریبون ته استول کېده. نورو ځایونو کې نړیوال لوبغاړي اصلي رول لوبوي او تر ډېره ملګري ملتونه موظف کېږي، چې د ضامن په توګه عمل وکړي.

د سولې ځینې هوکړه لیکونه له مدني ټولنې غواړي، چې د هوکړه لیک په اړه پوهاوی ورکړي او ځینو مواردو کې د هېواد ټولو سیمو ته لار شي او خلک د هوکړه لیک ګټو په اړه خبر کړي. نورو مثالونو کې د سولې هوکړه لیک د هېواد مقننه قوه کې د مدني ټولنې لپاره موقعیت برابروي، ترڅو مدني ټولنه د شخړې پر خواوو نور فشار هم وارد کړي، ترڅو په غوره توګه د هوکړه لیک ګټې رعایت کړي. په دې توګه، دغه میکانیزمونه له هوکړې وروسته پراوونو کې مهم رول لوبوي او کولی شي هېواد کې د هوکړه لیک او سولې تلپاتې والی تضمین کړي.

دې سره دغه الګو کې هم د نورو الګو په څېر د کمیسیون د استازو او غړو انتخاب یو اساسي او ټاکنوکی ګام دی. د شخړې اصلي خواووې او منځګړي باید ډاډ ترلاسه کړي چې د خبرو پړاو سره هم مهاله یا وروسته د دغسې کمیسیونونو لپاره مناسب استازي غوره شي، ځکه دغسې کمیسیونونو کې د نامناسبو غړو انتخاب کولی شي، پروسه د بې لارۍ خوا ته روانه کړي او ټولنیز اختلافونه زیات کړي، چې دې صورت کې امکان شته چې کمیسیون د سولې پر پروسې د اغېزمنتوب پر ځای منفي اغېز وکړي.

مهمه ده چې اقلیتونه او زیان لیدونکې ډلې دغو کمیسیونونو کې استازي ولري او په سیستماتیک ډول د غږ پورته کولو له لارې، چې دغه لارښود کې ذکر شوی، په خپله ګټه د هغوی پر پرېکړو تاثیر وکړي.

